



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# اخلاق زندگی (۲)

مجموعه متن‌های برنامه‌ای برای  
گروه‌های خانواده و اجتماعی

اقبال حسینی‌نیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق زندگی (۲) : مجموعه متون برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی

نویسنده:

اقبال حسینی نیا

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۱	اخلاق زندگی (۲) : مجموعه متون برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	دیبچه
۱۵	پیش گفتار
۱۷	فصل اول: اخلاق فردی
۱۷	اشاره
۱۸	توبه و بازگشت
۱۹	تلاوت قرآن
۲۰	پرهیز از غرور علمی
۲۱	دوراندیشی در کارها
۲۳	دل نبستن به دنیا
۲۴	امید به خدا
۲۵	دوری از اسراف
۲۷	رابطه تربیت خانوادگی با اسراف
۲۷	تقلید از عوامل اسراف
۲۸	رابطه اسراف با فقر
۲۹	طمع و آزمندی
۳۰	بی نیازی
۳۱	داشتن درک عمیق
۳۲	غنیمت شمردن لحظه ها
۳۳	رضایت و قناعت
۳۴	حکمت جویی

۳۵	عبرت گیری
۳۶	انفاق و دعا
۳۷	پارسایی و سپاس
۳۸	خودشناسی
۳۹	پرهیز از گناهان کوچک
۴۰	هواپرستی
۴۲	فصل دوم: اخلاق خانوادگی
۴۲	اشاره
۴۴	اهمیت ازدواج در اسلام
۴۵	شرایط یک همسر خوب
۴۶	محبت به همسر
۴۷	احترام در سخن
۴۸	حضور در کنار همسر
۴۹	تلاش برای معاش
۵۱	توسعه زندگی
۵۳	کار و تلاش برای زندگی
۵۴	مدارا و گذشت
۵۵	قدردانی از زحمات همسر
۵۶	نشاط بخشی به خانواده
۵۸	توجه به نیازهای معنوی
۵۹	همکاری در خانه
۶۱	توجه و احترام به فرزندان
۶۲	عیب جویی از همسر
۶۳	لجاجت
۶۴	پرهیز از خشم و غضب
۶۵	پرهیز از اهانت و تمسخر

- ۶۷ ..... پرهیز از سرزنش
- ۶۸ ..... دوری از سوءظن
- ۶۹ ..... غیرت مندی
- ۷۲ ..... پرهیز از دروغ گویی
- ۷۲ ..... شوهرداری
- ۷۴ ..... خوش اخلاقی و حسن معاشرت
- ۷۶ ..... آراستگی زن و شوهر
- ۷۹ ..... رعایت بهداشت
- ۸۱ ..... اطاعت و پیروی از شوهر
- ۸۲ ..... احترام همسر
- ۸۳ ..... تعدیل خواسته ها
- ۸۴ ..... پرهیز از منت گذاری
- ۸۵ ..... بردباری
- ۸۶ ..... قهر
- ۸۸ ..... خیانت نکردن
- ۸۹ ..... دوری از بدخویی و بداخلاقی
- ۹۱ ..... عذرخواهی
- ۹۲ ..... پرهیز از طلاق
- ۹۴ ..... خودخواه نبودن
- ۹۴ ..... فرزندخواهی
- ۹۶ ..... سفارش اسلام در حق دختران
- ۹۷ ..... مهمان نوازی
- ۹۹ ..... آداب مهمانی
- ۱۰۰ ..... مقام والدین
- ۱۰۱ ..... خانه سالمندان، جنایتی نابخشودنی
- ۱۰۲ ..... توجه به همسایه

۱۰۴	صله رحم
۱۰۶	برکات رسیدگی به خویشان
۱۰۸	نکوهش قطع رحم
۱۱۰	فصل سوم: اخلاق اجتماعی
۱۱۰	اشاره
۱۱۳	پرهیز از بخل
۱۱۵	گذشت
۱۱۷	حدود عفو و بخشش
۱۱۸	خشم و پی آمدهای آن
۱۲۱	روش های فروبردن خشم
۱۲۴	وفای به عهد
۱۲۵	پی آمدهای پیمان شکنی
۱۲۶	اهمیت نظم و انضباط
۱۲۷	برکات نظم و انضباط
۱۳۰	پی آمدهای بی نظمی
۱۳۲	عدالت ورزی
۱۳۴	پرهیز از مقابله به مثل در بدی ها
۱۳۵	پیشی جستن در کار خیر
۱۳۶	استفاده از محضر دانشمندان
۱۳۸	اصلاح ذات البین و میانجی گری
۱۴۰	برآورده ساختن نیاز مردم
۱۴۲	سلام کردن به دیگران
۱۴۳	آداب سلام کردن
۱۴۵	عزت خواهی
۱۴۶	خدمت به دیگران
۱۴۷	حلم ورزی



- ۱۴۹ ..... بردباری، زینت مدیران
- ۱۵۰ ..... اهمیت هم نشین
- ۱۵۱ ..... پرهیز از غیبت
- ۱۵۴ ..... مزاح و شوخی
- ۱۵۵ ..... صدقه دادن
- ۱۵۶ ..... پرحرفی
- ۱۵۷ ..... چاپلوسی
- ۱۵۹ ..... خیانت
- ۱۶۱ ..... مردم آزاری
- ۱۶۲ ..... دروغ گویی
- ۱۶۳ ..... چشم چرانی
- ۱۶۴ ..... دخالت در کار دیگران
- ۱۶۵ ..... خودبزرگ بینی
- ۱۶۶ ..... حسد
- ۱۶۸ ..... استهزا و تحقیر
- ۱۶۹ ..... سنجیده گویی
- ۱۷۰ ..... شکیبایی
- ۱۷۲ ..... میانه روی در زندگی
- ۱۷۳ ..... دوری از تهمت
- ۱۷۴ ..... استبداد
- ۱۷۵ ..... دوستان حقیقی
- ۱۷۷ ..... اطاعت ناپسند
- ۱۷۸ ..... سعه صدر، مایه سروری
- ۱۷۹ ..... صبر و ظفر
- ۱۸۰ ..... فروختن دین به دنیا
- ۱۸۱ ..... مراقبت از زبان

- ۱۸۳ ----- افشای نیکی ها و پوشاندن زشتی ها
- ۱۸۵ ----- نرم خویی و فروتنی
- ۱۸۷ ----- حق گوئی و حق گرایی
- ۱۸۸ ----- عزت خواهی و دوری از تکبر
- ۱۸۹ ----- ریاست طلبی
- ۱۹۰ ----- کینه توزی
- ۱۹۲ ----- پرهیز از قهر
- ۱۹۳ ----- نیرنگ بازی
- ۱۹۴ ----- خجالت و حیای نابجا
- ۱۹۵ ----- شتاب زدگی
- ۱۹۶ ----- ورود سرزده به حریم دیگران
- ۱۹۹ ----- کتاب نامه
- ۲۰۲ ----- درباره مرکز

## اخلاق زندگی (۲) : مجموعه متون برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی

### مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی نیا، اقبال، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : اخلاق زندگی (۲) : مجموعه متون برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی / نویسنده اقبال حسینی نیا ؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفترعقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۷۲ ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۱۴۳۸.

شابک : ۲۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۲-۳

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه : ص. [ ۱۶۹ ] - ۱۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۴۷/۸ ح ۱۷۵ الف ۳ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۵۸۸۵۴

ص: ۱

اشاره





## دبیاچه

## دبیاچه

زیبایی ها و خوبی ها با فطرت الهی آدمی، و زشتی ها و بدی ها با خوی حیوانی او هم ساز است. بنابراین، بالندگی و سعادت وی، در گرو پای بندی به خوی انسانی و فطرت الهی است. پرورش این جنبه از وجود بشر، چنان اهمیت دارد که خداوند، ۱۲۴ هزار پیامبر را برای تحقق آن برانگیخته است، چنان که پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ مَنْ مَبْعُوثٌ شَدِمَ تَأْمَكَارِمَ إِخْلَاقِ إِنْسَانٍ رَأْتَمِّمَ كَنِم.» (۱) قرآن مجید نیز به روشنی اعلام می دارد: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ رَسْتَكَّارَ كَسَى اسْتِ كَه نَفْسِ خُودِ رَأ تَهْذِيبِ وَ پاكِ سَازى كَرْد.» (شمس: ۹)

امروز بیش از هر زمان دیگری جامعه اسلامی نیاز به پاکسازی و تهذیب دارد و در متون دینی ما به این سازندگی و تخلُّق به اخلاق الهی توصیه های فراوان شده است. از این رو پژوهشگران مرکز پژوهش ها در راستای تأمین محتوای دینی برنامه ها، نوشتار پیش رو را که به صورت تکست و پیام گونه می باشد، فراهم آورده اند، باشد که به نحو مطلوب مورد استفاده قرار گیرد.

أَنَّهُ وَلِيَّ التَّوْفِيقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

## پیش‌گفتار

### پیش‌گفتار

پای بندی به مسائل اخلاقی، موجب حفظ سلامت روح و جسم انسان و تعالی معنوی او می‌شود، همچنین میان وی و هم نوعانش الفت برقرار می‌کند و به جوامع انسانی تداوم و استواری می‌بخشد. بخشی از این رفتارها به خود آدمی مربوط است که به آنها اخلاق فردی می‌گویند، مانند حسادت، کینه، خوش حالی و مانند آن؛ بخشی دیگر نیز به اطرافیان مربوط می‌شود، مانند سلام کردن، محبت کردن به دیگران یا آزار آنها که به آن اخلاق اجتماعی می‌گویند. این دو بخش، جامع اخلاق خوب و بد آدمی است.

رفتار خوب و بد انسان از ناحیه فساد یا صلاح درون اوست که نتیجه آن به خود وی بازمی‌گردد. هنگامی که انسان در میان جمعی قرار می‌گیرد، تعهداتی درباره آنها می‌یابد. کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، خانواده است که زن و مرد در آن، در برابر یکدیگر و فرزندان وظایفی بر عهده می‌گیرند. در اسلام، به خوش رفتاری با خانواده سفارش و برای هر یک از زن و مرد بایسته‌های اخلاقی ویژه‌ای در نظر گرفته شده است که با رعایت آنها، محیطی باصفا، آرام و بالنده ایجاد خواهد شد.

این مجموعه، با گردآوری رهنمودهایی اخلاقی از آموزه‌های قرآن کریم و روایت‌های امامان معصوم(ع)، بر آن است که زمینه رشد و تعالی افراد را در عرصه خانواده و اجتماع به گونه‌ای فراهم آورد تا به مرتبه‌ای دست یابند که

مشمول بشارت امام متقین شوند که فرمود: «طُوبَى لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلَى رَبِّهَا فَرَضَهَا؛ خوشا به حال نفسی که آنچه پروردگارش واجب کرده، ادا کند».<sup>(۱)</sup>

پس شایسته است خود را به زیور اخلاق نیک الهی آراسته سازیم؛ چرا که سرآمد پرهیزکاران، علی (ع) فرمود:

وَإِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرَوْضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَّ آمَنَهُ يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَتَثْبَتَ عَلَيَّ جَوَانِبِ الْمَزَلَقِ.<sup>(۲)</sup>

همانا این نفس من است، آن را با تقوا ریاضت و تمرین می دهم تا روز خوف اکبر با اطمینان و آرامش به صحرای محشر بیاید و بر اطراف لغزش گاه (پل صراط) پابرجا باشد و نلغزد.

این نوشتار در راستای تقویت اخلاق اجتماعی و خانوادگی فراهم آمده و سعی شده است تا به تناسب از آموزه های قرآنی و سیره و سخن معصومین (ع) بهره گیری شود، هرچند که در مباحث مربوط به خانواده، به سبب نبودن روایت های صریح پیرامون برخی از موضوع ها، از روایت های عام بهره گرفته ایم. در هر حال امید می رود که این نوشتار برنامه ای در راستای غنی سازی محتوایی برنامه به نحو مطلوب مورد استفاده قرار گیرد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵، فراز ۱۵.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵، فراز ۵.



## فصل اول: اخلاق فردی

### اشاره

فصل اول: اخلاق فردی

زیر فصل ها

توبه و بازگشت

تلاوت قرآن

پرهیز از غرور علمی

دوراندیشی در کارها

دل نبستن به دنیا

امید به خدا

دوری از اسراف

رابطه تربیت خانوادگی با اسراف

تقلید از عوامل اسراف

رابطه اسراف با فقر

طمع و آزمندی

بی نیازی

داشتن درک عمیق

غنیمت شمردن لحظه ها

رضایت و قناعت

حکمت جویی

عبرت گیری

انفاق و دعا

پارسایی و سپاس

خودشناسی

پرهیز از گناهان کوچک

هواپرستی

## توبه و بازگشت

توبه و بازگشت

یکی از راه کارهای مهم در تطهیر باطن، توبه است. توبه، گناهان را که مانع اصلی نزدیک شدن انسان به خداوند و پیوستن به اوست، می زداید و آئینه دل را برای دریافت نور ایمان جلا می بخشد. در حقیقت، تمام قوای ظاهری و باطنی که خداوند متعالی به انسان ارزانی داشته، امانت هایی الهی اند که در آغاز از تمام کدورت ها پاک و به نور فطرت روشن هستند، ولی بر اثر وسوسه های شیطانی به تدریج آلوده و با ایجاد حجابی تیره در وجود او مانع تابش نور ایمان می شوند و راه انسان را به سوی قرب الهی و اتصال به حق می بندند. پس آلودن فطرت انسانی به گناه، نوعی خیانت در امانت و شکستن پیمان و اطاعت از شیطان است که امری نارواست.

وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. (یس: ۶۰)

کسانی که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند. آیا با شما عهد نکردم. ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمن آشکاری است؟!

با این حال، اگر آدمی بر اثر لغزش، برخلاف فطرت الهی خویش عملی انجام داد و از مسیر حق منحرف شد، باید بی درنگ توبه کند و با باران رحمتی

که از آسمان بخشش خداوندی نازل می شود، خود را پاک سازد که «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ؛ همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد». (بقره: ۲۲۲)

در آیه دیگری از قرآن نیز، چنین بشارت داده شده است:

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا. (نساء: ۱۱۰)

و هر کس کار بدی کند یا به خویش ستم نماید، آن گاه از خداوند طلب آمرزش کند، خدا را آمرزگار و مهربان می یابد.

توبه اگر با عمل صالح همراه شود، سیئات را به حسنات تبدیل می سازد و زمینه ساز بازگشت به سوی خدا می شود.

## تلاوت قرآن

### تلاوت قرآن

یکی از اعمالی که در قرآن کریم و روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام بر آن بسیار تأکید شده، تلاوت قرآن کریم است. عالمان و بزرگان دین نیز به این مسئله اهمیت زیادی می دهند. تلاوت قرآن، سخن گفتن با پروردگار و شنیدن سخنان حضرت ذوالجلال است که نه تنها پاداش بسیاری دارد، بلکه زنگار را از دل ها می زداید و قلب ها را زنده می گرداند و از فحشا و منکر بازمی دارد. حق قرآن تنها با تلاوت آن ادا نمی شود، بلکه به احکام آن نیز باید عمل کرد؛ چه اینکه این هر دو مکمل یکدیگرند و اگر عمل همراه تلاوت نباشد، قلب انسان به تدریج می میرد یا زنگار می گیرد. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که به سلمان فرمود:

يا سَلْمًا عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ سَتْرٌ فِي النَّارِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ. (۱)

بر تو باد به خواندن قرآن؛ چرا که خواندن قرآن کفاره گناهان و پوششی در برابر آتش و امان از عذاب اخروی است.

پس همراه با قرائت قرآن، باید در آن بیندیشیم و دستوره‌های ارزشمندش را در زندگی به کار گیریم تا به سعادت دنیا و آخرت برسیم.

## پرهیز از غرور علمی

پرهیز از غرور علمی

غرور به معنای «فریب خوردن» است (۲) و مغرور کسی است که فریفته اعمال و رفتار خود می شود؛ یعنی چون به خود خوش گمان است، اعمال خود را درست می پندارد و احتمال خطا در کار خود نمی دهد؛ چنین شخصی گرفتار جهل مرکب است و چون اعمال و رفتار خود را نیک می پندارد، هیچ گاه به فکر اصلاح خود نیست. یکی از عوامل زمینه ساز غرور در انسان، علم و دانش است. دانشمندان و تحصیل کردگانی که مدرک بالایی دارند، بیشتر ممکن است دچار غرور علمی شوند. آنها گاه چنان فریفته دانش و مدرک خود می شوند که به جز خود، همه را نادان می بینند و خود را عقل کل و دانشمندی بی مانند می پندارند.

شخصم به چشم عالمیان خوب منظر است

وز خبث باطنم سر خجالت فتاده پیش

طاووس را به نقش و نگاری که هست، خلق

تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

سعدی

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۷.

۲- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، تهران، انتشارات جاوید، ۱۳۷۴، ص ۲۲۱.

چه بسا انسان از شخص بی سواد، سخنی باارزش و آموزنده بیاموزد که زندگی او را متحول سازد. فخر رازی می گوید: یکی از بزرگان نقل می کرد که من معنای سوره والعصر را نمی فهمیدم تا اینکه از سخن مردی یخ فروش به معنای آن پی بردم. یخ فروش می گفت: «إِرْحَمُوا مَنْ يَدُوبُ رَأْسِ مَالِهِ؛ رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود.» پیش خود گفتم این است معنای «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»؛ یعنی عصر و زمان بر انسان می گذرد و عمرش پایان می گیرد و ثوابی کسب نمی کند و در این حال زیان کار است. (۱) غرور علمی، تکبر آفرینی و مانع رشد انسان است؛ چرا که اگر انسان غرور و تکبر را کنار گذارد، از دانش دیگران نیز بهره مند می شود.

## دوراندیشی در کارها

### دوراندیشی در کارها

دوراندیشی و تأمل پیش از انجام دادن هر کار، از صفات بسیار پسندیده و نشانه خردمندی است. چه بسیار افرادی که بر اثر لحظه ای غفلت و نیندیشیدن به عاقبت کار، به دام افتادند یا سخت گرفتار شدند. امیرمؤمنان، علی (ع) در وصیت به فرزند خود امام حسن علیه السلام می فرماید: «التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ النَّدَمُ؛ تعمق و دوراندیشی پیش از کار، تو را از پشیمانی ایمن می دارد.» (۲) و نیز فرمود: «يَا بُنَيَّ الْفِكْرَةُ تُوْرِتُ نُورًا وَالْغَفْلَةُ ظُلْمَةٌ وَالْجِدَالُ ضَلَالَةٌ؛ پسرانم! اندیشه، روشنی می آورد و غفلت، تاریکی، و مجادله، گمراهی.» (۳) این پیشوای مدبر همچنین فرموده است:

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۲۹۶، به نقل از: تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۸۵.

۲- تحف العقول، ص ۸۶.

۳- تحف العقول، ص ۸۵.

وَمَنْ تَفَكَّرَ اعْتَبَرَ وَمَنْ اعْتَبَرَ اعْتَزَلَ وَمَنْ اعْتَزَلَ سَلِمَ... وَالطُّمَأْنِينَةُ قَبْلُ الْخَبَرِ ضِدُّ الْحَزْمِ. (۱)

هر کس بیندیشد، عبرت بگیرد و هر کس عبرت گیرد، گوشه گیری اختیار کند و هر کس در گوشه ای نشیند، در امان بماند. ... اعتماد و اطمینان پیش از آزمودن، بی احتیاطی و خلاف دوراندیشی است.

مولای متقیان در کلامی دیگر، از شتاب ورزیدن در کار بازداشته و فرموده است:

وَأَنْهَاكَ عَنِ التَّسْرُعِ بِالْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَإِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِّنَ الْأَمْرِ الْأَخْرَجِهِ فَاَبْدَأْ بِهِ وَإِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِّنَ أَمْرِ الدُّنْيَا فَلَا تَأْتِهِ حَتَّى تُصِيبَ رُشْدَكَ فِيهِ. (۲)

و تو را از شتاب ورزیدن در گفتار یا کردار نهی می کنم و اگر با پیش آمدی آخرتی روبه رو شدی، به آن مشغول شو و اگر به امری دنیوی برخوردی، بدان اقدام مکن تا درباره آن به نیکویی بیندیشی و به واقعیت آن آگاه گردی.

سخن آخر در این زمینه را نیز به زیور کلام آن حضرت می آراییم که فرمود:

وَأَمْسِكْ عَن طَرِيقِ إِذَا خِفْتَ ضَلَالَتَهُ فَإِنَّ الْكَفَّ عِنْدَ حَيْرِهِ الضَّلَالَةَ خَيْرٌ مِّن رُّكُوبِ الْأَهْوَالِ. (۳)

از رفتن به راهی که ترس و وحشت گمراهی در آن نهفته است، خودداری کن؛ زیرا پرهیز از ورطه سرگردانی و گمراهی، بهتر از گرفتار شدن در مشکلات و غلتیدن در گرداب وحشت هاست.

۱- تحف العقول، صص ۸۴ و ۸۵.

۲- بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۰۲.

۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۰.

## دل نبستن به دنیا

دل نبستن به دنیا

زندگی در دنیا و استفاده از لذت ها و نعمت های آن، حق خدادادی است و کسی نمی تواند مانع استفاده از این حق مشروع شود. امامان معصوم (ع) با سفارش پیروانشان به توسعه امکانات زندگی دنیایی و استفاده از نعمت های خدادادی، آنها را از دل بستن به دنیا، سخت برحذر داشته اند. دل بستگی به دنیا، فریفته شدن به آرزوهای درازمدت و جلوه های مادی و غلتیدن در کام خواست های پایان ناپذیر است که بشر را از حیات طیبه دور می کند و چشم دل او را نابینا و توجه اش را به ظواهر محدود می سازد و سبب عقب افتادن وی از کاروان خیر و سعادت می شود.

بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام علاقه مندی به دنیا را به شدت نهی کرده اند و خود نیز با اینکه در دنیا می زیستند، حتی برای لحظه ای به آن دل نبستند، به گونه ای که اگر تمام ذخایر دنیا در اختیارشان قرار می گرفت، خوش حال نمی شدند و اگر همه مردم دنیا به آنان پشت می کردند و تمام امکانات زندگی از دستشان می رفت، حسرت و تأسف نمی خوردند. این معنای واقعی زهد در دنیا است که قرآن نیز به آن اشاره کرده است:

لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ. (حدید: ۲۳)

بر آنچه از دست رفته، تأسف نخورید و به آنچه خدا به شما می دهد، شادمان نشوید.

امام کاظم (ع) به هشام بن حکم فرمود: ای هشام! لقمان به پسرش گفت:

يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهِ عَالَمٌ كَثِيرٌ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ وَحَشْوُهَا الْإِيمَانَ وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلَ وَقَيْمُهَا الْعُقْلَ وَدَلِيلُهَا الْعِلْمَ وَسَكَانُهَا الصَّبْرَ. (۱) فَإِنْ نَجَوْتَ فَبِرَحْمَةِ اللَّهِ وَإِنْ هَلَكْتَ فَبِذُنُوبِكَ. (۲)

پسر عزیزم! دنیا دریایی است ژرف که جهانی بسیار در آن غرقه اند. کشتی تو در این دریای ژرف، باید تقوای الهی باشد؛ درونش مالا مال از ایمان، بادبانش توکل، ناخدایش خرد، راهنمایش دانش و لنگرش صبر. پس اگر نجات یافتی، در پرتو لطف و رحمت خداست و اگر هلاک شدی، نتیجه و کیفر گناهانت بوده است.

### امید به خدا

امید به خدا

بشر با توکل به پروردگار و دعا به درگاه او، در برابر هر مشکلی می ایستد تا آن را حل یا بر خود هموار کند؛ چرا که همه چیز در اختیار خداوند است و مشکلات انسان ها در برابر قدرت او هیچ است. کسی که او را وکیل خود سازد و به او تکیه کند، در وجود خود آرامش و قدرتی شگفت برای برخورد با مشکلات می یابد. یکی از بهترین الگوهای توکل به خدا، حضرت ابراهیم(ع) است که در دوران جوانی با توطئه نمرود به میان خرمنی از آتش سوزان افکنده شد، ولی با توکل به خدا و پناه بردن به او، در برابر چشمان حیرت زده نمرودیان، آن آتش بی کران به گلستان تبدیل شد تا همگان بدانند تنها خداوند است که می تواند از بنده اش در برابر هر خطر و دشمنی دفاع کند. تنها تکیه گاه مطمئن، اوست که باید به هنگام مشکلات و سختی ها به او پناه برد و او را به فریادرسی خواند. امام رضا(ع) فرمود:

۱- تحف العقول، ص ۴۰۶.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۲۵۴.



رَأَيْتُ أَبِي فِي الْمَنَامِ فَقَالَ: يَا بَنِي إِذَا كُنْتَ فِي شِدَّةٍ فَأَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَقُولَ: يَا رِئُوفُ يَا رَحِيمُ. (۱)

پدرم را در خواب دیدم. به من فرمود، فرزندم! هنگام هر سختی و مشکلی بسیار بگو یا رئوف یا رحیم.

همچنین امام صادق(ع) فرمود:

قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ! وَلَا تَضْجُرَنَّ بِطَلَبِ حَاجَةٍ فَإِنَّ قَضَاءَهَا يَبِيدُ اللَّهُ وَ لَهَا أَوْقَاتٌ وَ لَكِنَّ ارْغَبَ إِلَى اللَّهِ وَ سَيْلُهُ وَ حَرَكَةُ إِلَيْهِ أَصَابِعُكَ. (۲)

لقمان به فرزندش گفت: فرزندم! برای برآورده شدن نیازهای خود از دعا کردن خسته نشو؛ زیرا برآورده شدن نیازها فقط به دست خداست و وقت و زمانی خاص دارد. با میل و رغبت، به درگاه خدا رو کن و نیازهایت را از او بخواه و در حین دعا انگشتان خود را به سوی او حرکت ده.

## دوری از اسراف

دوری از اسراف

اسراف افزون بر اینکه از گناهان کبیره است، از آفت های بزرگ اجتماعی نیز به شمار می آید.

معنای اسراف، تجاوز از حد است. از این رو، کاربرد کمی یا کیفی هر چیز فراتر از حد نیاز، اسراف نامیده می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا الْأَسْرَافُ فِيمَا أَتْلَفَ الْمَالَ مَا أَضْرَّ بِالْبَدَنِ؛ اسراف در چیزی است که سبب هدر رفتن مال و زیان به بدن شود». (۳)

اسلام، در مصرف و استفاده از بعضی امکانات «شأن و موقعیت» افراد را در نظر می گیرد و ملاک اسراف را در بعضی زمینه ها و موارد ویژه، با توجه به شرایط

۱- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۷۲.

۲- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۰.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۵۴.

اقتصادی هر دوره و موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد مشخص می سازد. برای مثال، نوع مسکن و لباس و میزان طلا و جواهر و اندازه نفقه همسر را می توان به شأن و موقعیت وی منوط کرد.<sup>(۱)</sup> البته باید توجه داشت که رفاه و سادگی، غیر از تجمل پرستی است. از دیدگاه اسلام، اولی پسندیده و دومی نکوهیده است. در هر حال بهره برداری از نعمت های الهی در حد اعتدال، شایسته، کمتر از اعتدال، برای بعضی افراد مصداق بخل است و چنانچه از حد طبیعی بگذرد، اسراف خواهد بود که بخل و اسراف هر دو مردود است. علی علیه السلام درباره نشانه های مسرف می فرماید:

لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ.<sup>(۲)</sup>

اسراف کار سه نشانه دارد: بیشتر از شأن خود می خورد، می پوشد و خرید می کند.

در تعابیر اسلامی حدی که برای مسکن معین کرده اند، این است که به اندازه کفاف آدمی باشد و این مقدار به تناسب افراد، خانواده ها، زمان ها و مناطق فرق می کند، ولی در هر صورت باید به گونه ای باشد که از حد اعتدال زمان و منطقه فراتر نرود. امام علی علیه السلام درباره نوع لباس افراد باتقوا در خطبه متقین می فرماید: «مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ؛ لباس پوشیدنشان در حد اعتدال و میانه است»؛ یعنی نه لباس های قیمتی می پوشند و نه لباس های ژولیده، بلکه با لباسی معمولی، ظاهر آراسته و پاکیزه و متین دارند.<sup>(۳)</sup>

۱- برای توضیح بیشتر درباره نفقه همسر نک: تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۲، کتاب نکاح، فصل نفقات، مسئله ۸.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۱۵.

۳- مهری زینهاری، اسراف، ص ۵۰.

## رابطه تربیت خانوادگی با اسراف

رابطه تربیت خانوادگی با اسراف

خانواده، اصلی ترین رکن تربیت و محل شکل گیری شخصیت انسان است. رفتار فرزندان، بازتابی از نوع تربیت خانوادگی آنهاست و بیشتر دختران و پسران، رفتارهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و اصول اخلاقی را از والدین خود می آموزند. والدینی که در زندگی از اسراف و مصرف های غیرضروری می پرهیزند، فرزندان آنان نیز اهل اعتدال و قناعت خواهند بود و از اسراف و ریخت و پاش های بی مورد دوری می کنند. در نقطه مقابل، والدینی که الگوی صحیح مصرف ندارند و به زیاده روی و ولخرجی خو گرفته اند، این روش در ساختار تربیتی فرزندشان اثر می گذارد و او نیز در زندگی آینده اش همان روش را به کار خواهد گرفت.

## تقلید از عوامل اسراف

تقلید از عوامل اسراف

انسان همواره می خواهد زندگی اش را با زندگی کسانی که در نظر او موفق و نمونه اند، همسان سازد. این میل اگر با هدایت عقل و انتخاب الگوهای مناسب و درست همراه باشد، بسیار سازنده است و چنانچه براساس جهل و هواهای نفسانی پیش رود، سبب گمراهی انسان و نابودی ارزش های دینی و انسانی می شود. بسیاری از مردم در توجیه کارهای اشتباه خود، از جمله اسراف، به عمل دیگران استناد می کنند و می گویند: «آنها نیز چنین می کنند»؛ در حالی که در اخلاق اسلامی، عمل دیگران مجوز انجام خلاف نیست.

امروزه، لباس ها، غذاها، طلا و جواهر، دکورها و بسیاری از دیگر مصرف ها، براساس چشم و هم چشمی و آمیخته با اسراف است و همینچشم و هم چشمی ها و تقلیدها عامل اختلاف های خانوادگی و اختلال های روحی و روانی شده است. امام باقر(ع) می فرماید:

إِيَّاكَ أَنْ تُطْمِحَ بَصْرَكَ إِلَىٰ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ. (۱)

تو را بر حذر می دارم از اینکه چشم طمع به زندگی فرد بالاتر از خود بدوزی.

بنابراین، کسانی که گفتار و کردارشان در جامعه، الگوی مردم به شمار می رود، در چگونگی استفاده مردم از امکانات، تأثیر عمده ای دارند. زندگی شخصی و کاری مدیران جامعه و عملکرد رسانه های ملی نیز در این زمینه دارای نقش مهمی است.

### رابطه اسراف با فقر

رابطه اسراف با فقر

همان گونه که هر گناهی، از نظر مادی و معنوی اثر منفی بر روی پی آمدهای فرد و جامعه می گذارد، اسراف نیز آثار وضعی خاص خود را در پی دارد. پی آمدهای شوم اسراف، نه فقط اسراف کار، بلکه دیگران را هم که در برابر این پدیده شوم سکوت کنند و مانع آن نشوند، گرفتار می کند. فقر و تنگ دستی، از عواقب اسراف است که گاه دامن گیر شخص و زمانی متوجه اجتماع می شود. امام کاظم (ع) می فرماید:

مَنْ اقْتَصَدَ وَ قَنَعَ بَقَيْتَ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ وَ مِنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ. (۲)

هر کس که در زندگی اعتدال و قناعت پیشه کند، نعمت بر او باقی می ماند و هر کس تبذیر و اسراف کند، نعمت از او گرفته می شود.

امام صادق (ع) نیز درباره اثر منفی اسراف در اموال می فرماید: «إِنَّ مَعَالِ اسْرِافٍ قَلْبَهُ الْبِرْكَه؛ همانا اسراف برکت را کم می کند». (۳)

اسراف سالانه میلیاردها تومان اسراف سالانه مواد غذایی، خارج شدن هزاران کیلو نان خشک و ضایع شدن خروارها میوه و سبزی و بی استفاده ماندن مقدار زیادی لباس قابل استفاده که چشم هزاران فقیر و محروم به آنها

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۱.

دوخته شده، نمایانگر ناسپاسی و کفران نعمت مردم است. (۱) ناگفته پیداست که با این مبالغ هنگفت می توان، سالیانه مدرسه های بسیاری ساخت، درمانگاه های فراوانی را تجهیز و بیماران بسیاری را درمان کرد.

## طمع و آزمندی

### طمع و آزمندی

از صفات نکوهش شده، طمع ورزی است؛ یعنی رغبت و دل بستن به چیزی که دیگران دارند و در واقع به معنای درخواست و تمنا کردن از آنها و چشم دوختن به دست آنها است.

طمع و آزمندی، از دنیاپرستی و مال دوستی ریشه می گیرد و صاحبش را در چشم دیگران خوار و شخصیت او را حقیر می سازد. امام صادق (ع) می فرماید: «ما أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُدِلُّهُ؛ چه زشت است بر مؤمن که در او میل و رغبتی باشد که او را خوار و ذلیل گرداند.» (۲) امام سجاده علیه السلام نیز در روایتی ارزشمند می فرماید: «دریافتن که تمام خیر و سعادت، در بریدن طمع از آنچه در دست مردم است، جمع شده است.» (۳)

طمع کار شخصیت باثباتی ندارد؛ زیرا طبق میل کسی که چشم به دستش دوخته حرکت می کند. حضرت علی (ع) می فرماید: «الطَّمِيعُ رِقٌّ مُؤَيَّدٌ؛ طمع، بندگی و ذلت دائمی است.» (۴) چرا که انسان طمع کار هیچ گاه سیری ندارد و همواره چشمش به دنبال داشته های دیگران است و برای به دست آوردن آنها، به هر کار ذلت باری، حتی تخریب شخصیت خود، تن می دهد. چون طمع کار نیازمند است، همواره در ذلت به سر می برد و خود را خوار می کند تا به خیال خود، به

۱- روزنامه کیهان، ۲۵ خرداد ۱۳۷۲.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۹.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۰.

۴- نهج البلاغه، قصارالحکم، ش ۱۸۰.

مال یا مقام مورد نظرش برسد. بهتر آن است که انسان به کم قناعت کند، ولی آزاده باشد و خود را حقیر نسازد. در خطبه شصت نهج البلاغه، در ستایش حضرت عیسی (ع) آمده است «وَلَا طَمَعٌ يُدَلُّهُ دَابَّتُهُ رِجَالُهُ وَ خَادِمُهُ يَدَاؤُهُ؛ چشم طمعی نداشت که او را خوار کند، مرکبش پاهایش و خادمش دست هایش بود».

## بی نیازی

### بی نیازی

امام علی علیه السلام فرمود: «فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلِبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا؛ روا نشدن حاجت، آسان تر از خواستن آن از کسی است که شایسته حاجت خواهی نیست».<sup>(۱)</sup>

شاید هیچ گاه دست نیاز به سوی فرومایگان دراز نکرده باشید. در این صورت، بسیار خوش بخت و سعادت‌مند هستید. ولی آنان که گرفتار شده و دست نیاز به سوی نامرد گشوده اند، هیچ گاه طعم تلخ آن را فراموش نمی کنند. سخت ترین تجربه زندگی، روبه رو شدن با نامردان فرومایه است که حتی اگر به درخواست شخص پاسخ ندهند، طبل رسوایی او را چنان به صدا در می آورند که برای همیشه سرافکننده و پشیمان‌سازند. در مقابل، انسان کریم و جوان مرد به نیازمند آن گونه پاسخ می دهد که عرق شرم خواهش بر جبینش نشیند.

کوتاه سخن اینکه اگر در پی عزت و سربلندی هستید، همواره بکوشید نیازمند نگردید. این کار هم چندان دشوار نیست و با برنامه ریزی درست و قناعت و تلاش می توان به بی نیازی رسید. در صورت نیازمندی نیز کریمان و بزرگواران را بجوید و به آنان روی آورید؛ چرا که کریم به بی نیازی خود اطمینان دارد و در وجودش عقده ای نیست تا بخواهد با خوار ساختن دیگران خود را بالا کشد و بزرگ جلوه دهد. اگر هم در شمار توان مندان هستید، بکوشید تا به روحی والا دست یابید و بر قله جوان مردی بایستید و در برابر

نیازمندان، فروتن و رازدار باشید تا غنچه عزت در وجودتان بشکفت. در این صورت، نیازمندان، شما را اهل می یابند و نیاز خود را به سوی شما می آورند؛ چراکه به توصیه مولا علی(ع)، نیازمندان ترجیح می دهند نیازشان برآورده نگردد، ولی دست نیاز نیز به سوی نامردان نگشایند.

### داشتن درک عمیق

داشتن درک عمیق

امام علی(ع) می فرماید:

إِعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلٌ رِعَايَهُ لَاعَقْلٌ رِوَايَهُ فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَايَتُهُ قَلِيلٌ. (۱)

هرگاه خبری شنیدید آن را به بند کشید؛ به بند فهم و نه گزارش؛ چرا که گزارشگران دانش بسیارند و درک کنندگان آن کم.

اگر تاکنون به سخنان سخنوران گوش داده باشید، حتماً فرق میان آنها را دریافته اید. گروهی از آنان با اینکه بسیار سخن می گویند، چندان بر آگاهی و معرفت انسان نمی افزایند، ولی بعضی دیگر جمله کوتاهی بیان می کنند که از دل آن می توان دریایی از معارف بیرون کشید. بنابراین، نباید در پی کسانی بود که مانند بانک اطلاعات، بیشترین خبرها را در ذهن خود جمع کرده اند، بلکه باید از کسانی معرفت جست که نیکوترین و درست ترین برداشت ها را از علوم دارند. دانش را به دقت فرامی گیرند، در آنها می اندیشند و خیلی خوب آن را به دیگران منتقل می کنند.

در حقیقت، اندیشیدن و دقت در خوانده ها و شنیده ها، بسیار مهم تر است. ما نیز نباید شنیده هایمان را پیش از بررسی درستی یا نادرستی آنها باور کنیم، بلکه شایسته است زوایای سخن را ارزیابی و سپس براساس نتیجه ارزیابی عمل کنیم.

درک درست آموزه های دین و زندگی، گرچه سخت و سنگین، ولی پرفایده است. نقل کنندگان علوم ممکن است فراوان باشند، ولی فهم کنندگان و درک کنندگان مفاهیم متعالی کمترند. بنابراین، با توجه به آموزه های علوی، هرگاه خبری شنیدید، آن را نگه دارید تا درک کنید و تنها به نقل آن بسنده نکنید؛ چرا که گزارش گران دانش، فراوان ولی آگاهان به آن اندک هستند.

### غنیمت شمردن لحظه ها

غنیمت شمردن لحظه ها

امام علی (ع) می فرماید: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ؛ از دست دادن فرصت ها، اندوه زاست» (۱).

فرصت های خوب همیشه به سراغ انسان نمی آید. خردمند و زیرک کسی است که از این فرصت ها استقبال و به بهترین صورت استفاده کند و هرگز به امید یافتن فرصتی بهتر، از فرصت به دست آمده چشم نپوشد. حتما شما هم افرادی را می شناسید که از فرصت ها، بهترین بهره را می گیرند. در مقابل، افرادی نیز هستند که کارهای امروز را به فردا می افکنند و همیشه مجموعه ای از کارهای انبار شده دارند. چنین افرادی وجود کوچک بودن حوزه مسئولیتی شان، پیوسته از زیادی کار می نالند و کمتر وقت خود را برای کارهای همان روز صرف می کنند؛ چرا که همیشه کارهای عقب مانده دارند و همیشه حسرت می خورند که ای کاش این کار را قبلاً انجام داده بودم! ولی این تصمیم هیچ گاه جامه عمل نمی پوشد؛ زیرا از دست دادن فرصت، برای آنها به عادت تبدیل شده است و زمان رفته نیز به هیچ صورت بازمی گردد.

افرادی که گرفتار کارهای عقب مانده اند، همواره با تشویش و نگرانی پاسخی برای مراجعه کنندگان خود و اطرافیانشان می جویند و به جای انجام به موقع وظیفه، به فکر یافتن بهانه و عذر برای کارهای عقب مانده اند. پس چه نیکوست که هر کاری در زمان خود انجام گیرد تا همیشه فرصت کافی در اختیار باشد و اگر فرصت مناسبی دست داد، به بهترین شکل ممکن از آن بهره برداری شود. هیچ گاه



این آموزه امام علی علیه السلام را از یاد نبریم که هر فرصتی از دست انسان برود، از خود، غم و غصه ای بر جای می نهد و تنها راه رهایی از این غصه ها، بهره گرفتن درست و به موقع از فرصت هاست.

## رضایت و قناعت

رضایت و قناعت

امام علی (ع) می فرماید:

كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا وَ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ. (۱)

قناعت برای دولت مندی و خوی نیک برای برخورداری از نعمت، کافی است. از آن حضرت درباره مفهوم سخن خدا که می فرماید: «قطعا او را با زندگی پاکیزه ای حیات بخشیم.» پرسیده شد. فرمود: حیات طیبه، قناعت است.

زندگی آرام و بی آلايش، در سایه کنترل خواسته ها و کم شدن تشویش ها و دل نگرانی های کم ارزش و بی جا به دست می آید. وقتی بر خواسته ها کنترلی نباشد، انسان به ورطه فزون خواهی می افتد و از داشته هایش راضی نیست. هیچ حد و مرزی برای خواسته هایش در نظر نمی گیرد. بهترین خانه ها و مرکب ها و وسایل تفریح و سرگرمی را می خواهد و اگر آنها را به دست آورد، درصدد توسعه بخشیدن به آنها بر خواهد آمد.

چاره این همه خواسته های بی پایان، قناعت است. بنا بر این روایت، برای رسیدن به دولتمندی باید قناعت پیشه کرد و برای برخورداری از نعمت باید خُلُق نیکو داشت.

## حکمت جویی

### حکمت جویی

امام علی (ع) می فرماید:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ. (۱)

این دل ها همچون بدن ها خسته و ملول می شوند، برای آرامش آنها به سخنان نغز حکیمانه روی آورید.

وقتی آب رودخانه ای از حرکت بازمی ایستد و در یک جا راکد می ماند، اندک اندک رو به فساد و گندیدگی می گذارد، ولی آب جاری و خروشان، کمتر در معرض فساد و خرابی قرار می گیرد؛ زیرا با ایجاد موج و حرکت، کدورت و آلودگی خود را از بین می برد و همچنان زلال و پاک باقی می ماند. جسم و جان انسان نیز چنین است. بدن بی تحرک و کسل، رفته رفته توان و شادابی خود را از دست می دهد و به جسمی ناتوان تبدیل می شود. جان بریده از دانش و حکمت نیز کم کم فروغ خود را از دست می دهد و در هجوم سختی ها، ناامید و افسرده می شود.

رکود و سکون، با روح کمال جو تناسب ندارد. اگر بر چنین روحی رکود و سکون حاکم شود، پژمرده می گردد و از خود بیزار می شود. رهایی از چنین اندوه عمیقی در گرو حکمت آموزی و دانش طلبی است. هر چه شوق حکمت آموزی و معرفت جویی در جان آدمی فزون تر شود، به همان میزان دل وی از بند غم رها و شاداب تر و سرزنده تر می گردد. از این رو، دانشمندان و حکیمان کمتر ناامید می شوند. به همین دلیل خداوند، دل کافران به آخرت را دلی ناآشنا و صاحبان چنین دل هایی را گردن کشان می خواند. (۲)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۹۷.

۲- ۲. نک: نحل: ۲۲.

باید با آموختن حکمت و دانش، از غلتیدن جان و دل در غرقاب ناامیدی و خستگی جلوگیری کنیم و با بصیرت و آگاهی، از آنچه بر روی زمین و اطراف خود مشاهده می‌کنیم، درس بگیریم تا در قیامت سرزنش نشویم؛ چراکه در آن روز خداوند می‌پرسد: «آیا در روی زمین گام نزدند تا از دلی خردورز برخوردار گردند؟» (۱)

## عبرت گیری

### عبرت گیری

امام علی (ع) می‌فرماید: «ما أَكْثَرَ الْعِبَرِ وَأَقَلَّ الْإِعْتِبَارِ؛ چه بسیار است پندها و کم است پند گرفتن‌ها». (۲)

لحظه به لحظه زندگی هر یک از ما درس و خاطره و پند است و با اندکی تأمل در اطراف خود، می‌توانیم نکته‌هایی بس عبرت آموز بیابیم. آیا تاکنون زندگی‌های بسیار مجلل را دیده‌اید که پس از مدتی متلاشی شده‌اند یا افراد نیازمندی که به مال و منال بسیار دست یافته و زندگی باشکوهی آغاز کرده‌اند؟ آیا ندیده‌اید خانواده‌هایی را که با وجود قدرت فردی و اجتماعی پیوندهای استوار، نابود شده‌اند یا دوگانگی‌ها و جدایی‌هایی که پس از مدتی به دوستی و الفت تبدیل شده‌اند؟ به راستی، آیا نکته‌های عبرت آموز در پیرامون ما اندک است؟ خرد حکم می‌کند که از کنار هیچ اتفاقی، بی‌توجه نگذریم، بلکه در برابر هر آنچه می‌بینیم یک علامت پرسش قرار دهیم تا به اندیشیدن، فهمیدن و پند گرفتن عادت کنیم. اگر با وجود وقایع تکراری فراوان یا حوادث همگون در زندگی، از آنها پند نمی‌گیریم، به دلیل آن است که درباره دیده‌ها و شنیده‌هایمان نمی‌اندیشیم. فراموش کردن گذشته‌ها گرچه از نظر روانی تا حدودی آرامش بخش است، ولی بیشترین ناکامی‌ها، بر اثر همین فراموشی‌هاست. انسانی موفق است که آینده خود را با عبرت گرفتن از گذشته‌اش بنا نهد و هر تجربه زندگی را در صفحه‌ای از کتاب زندگی‌اش

۱- نک: حج: ۴۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۷.

ثبت کند. انسان موفق نه تنها در حوادث زندگی خود که در پدیده های پیرامونش نیز تأمل می کند و از کنار آنها به سادگی نمی گذرد. در کلاس درس زندگی، شاگردی دیرآموز نیست و هیچ صفحه ای از کتاب زندگی را نخوانده رها نمی کند، بلکه لحظه به لحظه آن را عبرت آموز می داند و با دستی پر، زندگی دنیوی و اخروی خویش را می سازد.

## انفاق و دعا

### انفاق و دعا

پیشوای متقیان می فرماید:

سُوَسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ اذْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالذُّعَاءِ. (۱)

ایمانتان را با صدقه پاس دارید، مال هایتان را با زکات نگه دارید و موج های بلا را با دعا برانید.

درباره اثر «صدقه» در دفع بلاها بسیار شنیده اید و شاید خود، هر روز برای دفع بلا پولی را در صندوق صدقات می اندازید یا با دیدن خوابی مشوش، صبح گاهان وجهی را به عنوان صدقه کنار می گذارید یا هنگام مسافرت صدقه می دهید. این کارها را برای چه انجام می دهید؟ آیا جز این است که باور دارید صدقه دفع کننده بلاست؟ حضرت علی علیه السلام بر تأثیر صدقه در حفظ ایمان و تأثیر زکات در حفظ و فزونی اموال تأکید می ورزد.

پرداخت زکات، آزمایشی الهی است. انسانی که شاید بارها به قضاوقدر و گردش روزگار اعتراض و انتقاد کرده است، با پرداخت زکات خود را می آزماید تا دریابد که هنگام توانایی چقدر در رفع مشکلات هم نوعان خود مشارکت می ورزد و اگر روزی قلم تقدیر، بخش ناچیزی از روزی مردم را در

درآمد وی قرار دهد، چه سان از ادای این وظیفه برخوردار آید؟ آیا همه را برای خویش خواهد خواست و دیگران را از حقشان محروم می‌کند؟

همان گونه که برای حفظ ایمان و نگه داری اموال راهی پیشنهاد شده، برای دفع بلاها و خطرهای پیش بینی نشده نیز دعا سفارش شده است. در تأثیر دعا هیچ تردیدی وجود ندارد. مؤمنان اثر آن را از لطف و مهرورزی خدا و غیرمؤمنان از اراده و تصمیم دعا کننده می‌دانند، ولی هر دو گروه به این تأثیر اطمینان دارند. دعا و راز و نیاز با خداوند قادر، لطف و مهر او را به سوی دعا کننده جلب می‌کند، قدرت روحی وی را بالا می‌برد و از بسیاری حوادث ناگوار جلوگیری می‌کند.

## پارسایی و سپاس

پارسایی و سپاس

امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى؛ پارسایی، زیور فقر و سپاس، زیور توان‌گری است».<sup>(۱)</sup>

فقر و توان‌گری دو روی زندگی هستند و هر کس با توجه به اندیشه و روحیات و حساسیت‌های شخصی خود، در این دو موقعیت رفتار می‌کند. آیا تاکنون به رفتار احتمالی خود در حالت فقر یا توان‌گری اندیشیده‌اید؟ برخورد فقیران دو گونه است: برخی چنان بر طبل فقر و نداری شان می‌کوبند که ده‌ها خانه آن سوتر نیز صدای آن را می‌شنوند و بعضی به اندازه ای خویشتن‌داری و پارسایی از خود نشان می‌دهند که همسایه دیوار به دیوار آنها نیز از حال و روزشان بی‌خبر می‌ماند. به راستی ما در شرایط نداری از کدام گروه هستیم؟

ثروتمندان و برخورداران از مال نیز دو گونه اند: گروهی چنان در پول و دارایی خود غرق می شوند که از یاد می برند همان خدایی که به آنان مال و ثروت داده، اگر اراده کند، به سادگی آنها را بر سر سفره فقر خواهد نشاند. این گروه می پندارند با توان و قدرت خویش به چنین مکنتی دست یافته اند. در مقابل، برخی از ثروتمندان هیچ گاه شکر خدا را از یاد نمی برند و هر آنچه را دارند، از او می دانند. پس به شکرانه توان مندی خود بذل و بخشش می کنند. ما هنگام دارایی در کدام گروه قرار می گیریم؟

به یقین، هیچ کس فقر را پسندیده نمی داند و هرگز دوست ندارد فقیر باشد، ولی نباید فراموش کرد که گاه فقر جنبه آزمایش و امتحان دارد تا خود بدانیم چندمَرده حَلَّاجیم، چنان که دارایی و ثروت نیز آزمون دیگریاست. در این آزمون باید مراقب بود که ثروت همچون تار عنکبوت، ما را در دام خود گرفتار نسازد و از بندگی خدا غافل نکند. پس پیش از افتادن در دام ثروت، لباس سپاس و شکر بپوشیم و پیش از گرفتار آمدن در چنگال فقر، عفت و پارسایی را تمرین کنیم.

## خودشناسی

### خودشناسی

حضرت امیر(ع) می فرماید: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛ هر که قدر خود را نشناخت، نابود شد».<sup>(۱)</sup>

هر کس به منزلت و ارزش و توانمندی های خود آگاه تر از دیگران است و استعدادهای درونی خویش را بهتر می شناسد. او بهتر از هر کسی می تواند درباره خود قضاوت کند و اگر این قضاوت بر پایه آگاهی های درست و

شناخت دقیق باشد، قطعاً به واقعیت نزدیک تر خواهد بود. ولی متأسفانه بیشتر ما در حالات خویش دقیق نمی شویم، خود را ارزیابی نمی کنیم و توانمندی ها و استعدادهایمان را نادیده می گیریم. یا آن قدر خود را بزرگ می پنداریم که در دام خودبزرگ بینی می افتیم یا چنان کوچک می شماریم که توان و استعدادمان هدر می رود و این نگرش ها، هر دو ناقص و انحرافی است. درست تر آن است که قدر خویش را درست بشناسیم تا نه راه افراط در پیش گیریم و خود را گرفتار ملامت سازیم و نه با تفریط، شخصیتی ناتوان و متزلزل برای خود بسازیم.

چه بسا کسانی با وجود برخورداری از توان و استعداد بالا، به خاطر بی توجهی به این امتیازها خود را ضایع کرده و با تن دادن به کارهای پست، ارج و منزلت خویش را نابود ساخته اند و چه بسا افرادی دیگر به دلیل همین بی توجهی و شناخت نادرست، در جایگاهی فراتر از محدودیتوانایی خویش قرار گرفتند، در نتیجه، از عهده مسئولیتی که بر عهده شان بود برنیامدند و با بی حرمتی از آن موقعیت کنار گذاشته شدند. در فرهنگ عامه این سخن معروف است که انسان باید به قدر گلیم خود پایش را دراز کند. این سخن در واقع همان سفارش به شناخت قدر و منزلت هر کس از سوی خود اوست تا نه در دام خود کم بینی بیفتد و نه در کمند خودبزرگ بینی گرفتار شود، بلکه واقع گرا و واقع بین باشد و از توان مندی های خود بهترین بهره را ببرد.

### پرهیز از گناهان کوچک

پرهیز از گناهان کوچک

امام علی (ع) می فرماید: «أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا سَيِّئَهَا بِهٖ صَاحِبُهُ؛ سَخَتْ تَرِيْنُ گَنَاهَانَ آن است که گناه کار آن را کوچک شمارد» (۱).

وقتی انسان گناهی را کوچک بشمارد، قدرت ارتکاب به آن را در وجودش افزون می‌یابد. پس دست یازیدن به گناه برایش آسان تر و پس از چندبار تکرار عادی می‌شود. رفته رفته احساس گناه از بین می‌رود و به تدریج آدمی به گناهان بزرگ تر گرایش می‌یابد. آیا می‌دانید چرا بعضی افراد به راحتی دروغ می‌گویند، غیبت می‌کنند، پیمان می‌شکنند، شخصیت دیگران را خرد می‌کنند، مال حرام می‌خورند، به دیگران ناسزا می‌گویند؟ رواج این گناهان به دلیل کوچک شمردن آن نزد انجام دهنده کار است. بنابراین، اگر گناهان را خوار و کوچک نشماریم و در برابر آنها خود را پاسخ گو بدانیم و بپذیریم که در مقابل چشم و گوش و قلب و کارهایی که از آنها سر می‌زند مسئولیم، کمتر به خود جرئت انجام گناه خواهیم داد. پس شایسته است هنگام گناه، به یاد بزرگی کسی باشیم که در برابر او مرتکب گناه می‌شویم.

## هواپرستی

### هواپرستی

پیروی از هوا و هوس، دل سپردن به خواهش های نفسانی و زیر پا نهادن هشدارهای شرع و عقل، از بدعاقبت ترین و شوم ترین لذت های دنیا و زشت ترین گناهان است؛ چرا که هواپرستی، سد راه خداپرستی و نابودکننده ارزش ها و کمالات انسانی است. خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ. (فرقان: ۴۳ و ۴۴)

آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را معبود خود ساخته است؟ آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی؟ آیا گمان می‌کنی بیشتر آنها می‌شنوند یا می‌فهمند؟ آنها فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراه ترند.

هواپرستی، انسان کم اراده را به سوی زشتی ها فرامی‌خواند و آنها را برای او نیک و زیبا جلوه می‌دهد و روز به روز آلوده ترش می‌کند؛ از سیگار آغاز می‌کند و در ویرانه های مواد مخدر رهایش می‌سازد. با چشم چرانی شروع



می کند و به بی عفتی پایان می دهد. از شکم پرستی به پشت میله های زندان می رساندش. از ترور شخصیت تا آدم کشی او را پیش می برد. با مقام دوستی و سوسه اش می کند و تا بت پرستی او را همراهی می کند تا سرانجام در قعر دوزخ او را تسلیم زبانه های آتش غضب خداوند می سازد. امام علی علیه السلام می فرماید:

إِذَا غَلَبَتْ عَلَيْكُمْ أَهْوَاؤُكُمْ أَوْزَدَتْكُمْ مَوَارِدَ الْهَلَكَةِ. (۱)

وقتی هوای نفس بر شما چیره گشت، شما را به هلاکتگاه ها می کشاند.

ایشان در روایت دیگری فرمود: «الْهُوَى أَسُّ الْمَحَنِ؛ هواپرستی، اساس تمام گرفتاری هاست.» (۲) آری، هواپرستی مانند سوار شدن بر اسب چموش یا ماشین بی ترمز است که تا سقوط نکند، باز نمی ایستد. پیشوای متقیان می فرماید:

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِثْنَانِ اتِّبَاعِ الْهُوَى وَ طُولِ الْأَمَلِ ... (۳)

از دو چیز برای شما بیم دارم: هواپرستی و آرزوی دور و دراز؛ چرا که پیروی از هوای نفس، شما را از حق باز می دارد و آرزوهای دراز، آخرت را به فراموشی می سپارد.

۱- غرر الحکم، ص ۳۱۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۰۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

## فصل دوم: اخلاق خانوادگی

### اشاره

فصل دوم: اخلاق خانوادگی

زیر فصل ها

اهمیت ازدواج در اسلام

شرایط یک همسر خوب

محبت به همسر

احترام در سخن

حضور در کنار همسر

تلاش برای معاش

توسعه زندگی

کار و تلاش برای زندگی

مدارا و گذشت

قدردانی از زحمات همسر

نشاط بخشی به خانواده

توجه به نیازهای معنوی

همکاری در خانه

توجه و احترام به فرزندان

عیب جویی از همسر

لجاجت

پرهیز از خشم و غضب

پرهیز از اهانت و تمسخر

پرهیز از سرزنش

دوری از سوءظن

غیرت مندی

پرهیز از دروغ گویی

شوهرداری

خوش اخلاقی و حسن معاشرت

آراستگی زن و شوهر

رعایت بهداشت

اطاعت و پیروی از شوهر

احترام همسر

تعدیل خواسته ها

پرهیز از منت گذاری

بردباری

قهر

خیانت نکردن

دوری از بدخویی و بداخلاقی

عذرخواهی

پرهیز از طلاق

خودخواه نبودن

فرزندخواهی

سفارش اسلام در حق دختران

مهمان نوازی

آداب مهمانی

مقام والدین

خانه سالمندان، جنایتی نابخشودنی

توجه به همسایه

صله رحم

برکات رسیدگی به خویشان

نکوهش قطع رحم

## اهمیت ازدواج در اسلام

اهمیت ازدواج در اسلام

بی تردید، ازدواج نقش تربیتی بسیار بالایی برای انسان دارد. ازدواج، رهایی از خودپرستی، پیش رفتن از خوددوستی به سوی غیردوستی و میدانی واقعی برای تجربه دیگردوستی است. هر یک از زوجین تا پیش از ازدواج، تنها در اندیشه برآوردن نیازها و خواسته های مادی و معنوی خودشان بودند، ولی پس از ازدواج نیازها و خواسته های آنان رنگ اشتراک می گیرد. افزون بر این، تجربه نشان داده است، انسان های زاهدی که به منظور تهذیب نفس تا آخر عمر از ازدواج خودداری کرده اند، باوجود پیشرفت های چشم گیر علمی و معنوی، خامی ها و ناپختگی هایی در رفتار آنان به چشم می خورد و حتی خودشان در اواخر عمر از این تصمیم اظهار پشیمانی کرده اند. بنابراین، تنها در سایه ازدواج، شخصیت انسان کامل می شود.

ازدواج در فرهنگ اسلام، امری بسیار مقدس و عبادتی کم نظیر و در برخی موارد واجب شرعی است. خانواده، محبوب ترین و عزیزترین نهاد اسلام نزد خداوند معرفی شده است. دو رکعت نماز شخص ازدواج کرده، از هفتاد

رکعت نماز انسان مجرد برتر است. (۱) شخصی به نام عکاف به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد. حضرت از او پرسید: ازدواج کرده ای؟ وی پاسخ منفی داد. پیامبر اکرم با توجه به اینکه وی از نظر مالی توانایی داشت، به او فرمود: «ازدواج کن، و گرنه در شمار گناه کاران قرار می گیری.» (۲) آن حضرت در سفارشی به همه جوانان می فرماید:

ای جوانان! هر کدام که می توانید؛ ازدواج کنید، زیرا ازدواج سبب عفت چشم و پاک دامنی می شود و هر کسی که امکان ازدواج ندارد، برای فرونشاندن آتش شهوت خود روزه بگیرد. (۳)

### شرایط یک همسر خوب

شرایط یک همسر خوب

یکی از مهم ترین شرایط همسر خوب، داشتن اصالت خانوادگی است. دختران یا پسرانی که خانواده ای اصیل ندارند، قابل اعتماد نیستند. البته منظور از اصالت خانوادگی، داشتن ثروت یا پست و مقام و امثال آن نیست. خانواده اصیل یعنی خانواده ای که مردم آنها را به نیکی و تدین بشناسند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جوانان را از ازدواج با دختران زیبایی که شرافت خانوادگی ندارند، به شدت برحذر داشته و فرموده است:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُفُّمُ وَ خَضْرَاءُ الدَّمَنِ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ الشُّؤْمِ. (۴)

۱- طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ح ۱۰۴۴.

۲- بحار الانوار، ص ۲۲۱، ح ۵۱۰۰.

۳- احمد بن عبدالعزیز بن قاسم حداد، اخلاق النبی فی القرآن و السنه، بیروت، دارالعرب الاسلامی، ج ۲، ص ۶۹۲.

۴- فروع کافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

ای مردم! از گیاهان سبز و خرمی که در سرگین (فضله حیوانی) رشد کرده اند، پرهیزید!

گفته شد ای رسول خدا! منظور از خضرءالدمن چیست؟ فرمود: دختر زیبایی که در خانواده ای بد رشد کرده باشد.

یکی دیگر از شرایط همسر خوب، برخورداری از تقواست. در ازدواج باید تقوا و تدین ملاک باشد، نه زیبایی های ظاهری و ثروت و مقام و شهرت؛ زیرا همه اینها ممکن است در حادثه ای نابود شوند و آنچه باقی می ماند، تقوای الهی است. امام صادق(ع) می فرماید:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَ لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ. (۱)

اگر مردی به دلیل زیبایی یا ثروت با زنی ازدواج کند، خداوند او را به همان ها واگذار می کند؛ ولی اگر معیار او در انتخاب همسرش، دین او باشد، خداوند زیبایی و ثروت را نیز به او می بخشد.

مردی به محضر امام حسن(ع) آمد و عرض کرد: دختری دارم که زمان ازدواجش فرا رسیده است، او را به چه کسی بدهم؟ امام حسن(ع) فرمود:

به کسی که تقوای الهی دارد؛ زیرا اگر او را دوست داشته باشد، عزیزش می دارد و اگر او را خوش ندارد به او ستم نخواهد کرد. (۲)

### محبت به همسر

محبت به همسر

محبت ورزی زن و شوهر به یکدیگر، عامل بقا و استواری پایه های خانواده است و کوتاهی در این امر، بنای خانواده را سست می کند، به ویژه ابراز محبت مرد به همسرش، فضیلت بیشتری دارد. امام صادق(ع) می فرماید:

۱- فروع کافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴.

الْعَبْدُ كُلَّمَا إِزْدَادَ فِي النِّسَاءِ حُبًّا إِزْدَادَ فِي الْإِيمَانِ فَضْلًا. (۱)

هر گاه بنده ای بر محبتش به زنان بیفزاید، بر فضیلت ایمان وی افزوده می شود.

ایشان در روایتی دیگر، این شیوه را سنت رسولان دانسته و فرموده است: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) حُبُّ النِّسَاءِ؛ دوست داشتن زنان، از اخلاق پیامبران است». (۲)

مهر و محبت در خانواده، پذیرش دشواری ها و مشکلات زندگی و تلاش برای رفع آنها را آسان تر می سازد. خانه تهی از مهر، ویرانه ای خشک و بی روح و خانه سرشار از مهر، کاشانه ای باصفا و نورانی است. به قول صائب تبریزی:

به هر صورت که باشد عشق، دل را می دهد تسکین

که بهر کوهکن از سنگ، شیرین می شود پیدا

## احترام در سخن

احترام در سخن

احترام گذاشتن، صورت های گوناگونی دارد که یکی از آنها، سلام کردن است. سلام کردن، بر مهر و محبت دو طرف می افزاید. در قرآن مجید می خوانیم:

فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ. (نور: ۶۱)

وقتی به خانه ای وارد شدید، بر خودتان سلام کنید و این تحیتی است پاک و مبارک از جانب پروردگار.

البته اخلاق همسررداری ایجاب می کند که در این سنت نبوی بر یکدیگر پیشی گیرند؛ چراکه امام صادق (ع) در روایتی می فرماید: «الْبَادِي بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ نزدیک ترین مردم به خدا و رسول، کسی است که ابتدا سلام کند». (۳)

۱- فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، باب ۸، فصل ۱.

۲- فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، باب ۸، فصل ۱.

۳- سید محمد شیرازی، الفقه الاجتماع، ص ۹۷.

احوال پرسی و سخن نیکو، نیز راهی است که انسان می تواند با آن شریک زندگی خود را راضی نگه دارد و بدون صرف سرمایه ای، محبت او را جلب کند.

از سوی دیگر بدزبانی و سخن ناروا، به دلیل کاستن از ارج و قرب آدمی، به شدت نکوهش شده و رسول رحمت و ائمه هدی با بیان های گوناگون، مردم را از این کار بازداشته است. رسول گرامی اسلام می فرماید: «الْجَنَّةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ أَنْ يَدْخُلَهَا؛ بهشت بر همه کسانی که بدزبان و زشت گو هستند، حرام است».(۱)

ایشان در روایتی دیگر فرمود: «يَاكُمْ وَ الْفُحْشَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُحْشَ وَ لَا التَّفَحُّشَ؛ از بدزبانی و زشت گویی پرهیزید؛ زیرا خداوند انسان بدگو و بدزبان را دوست ندارد».(۲)

### حضور در کنار همسر

حضور در کنار همسر

یکی از مشکلات اساسی بعضی خانواده ها، به ویژه زوج های جوان، بی توجهی مرد به همسرش است. گاه جوانانی که پیش از ازدواج برای خود دوستانی داشته اند و با آنها به گشت و گذار و تفریح می پرداختند، پس از ازدواج نیز همچنان می خواهند در جمع دوستانشان باشند؛ غافل از اینکه اینک برای خود شریک زندگی برگزیده و با هم پیمان بسته اند که در غم و شادی در کنار یکدیگر باشند. بنابراین، شایسته آن است که پس از ازدواج، از هم نشینی با دوستان خود بکاهند و بیشتر به زندگی مشترک و همسر خود توجه کنند. تا می توانند در کنار او باشند، تنهایش نگذارند، شب نشینی با دوستان را فراموش کنند و بهترین یاور خود را همسر خود بدانند. لحظه ای با خود بیندیشند که

۱- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، دفتر نشر انتشارات اسلامی، ج ۲، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، دفتر نشر انتشارات اسلامی، ج ۲، ج ۵، ص ۲۱۵.



اگر همسرشان نیز چنین رابطه ای با دوستان پیشینش داشته باشد، زندگی مشترک آنان به کجا خواهد انجامید؟ شب نشینی ها، مسافرت های پی در پی و طولانی و چشم انتظار گذاشتن همسر و فرزند، در هیچ عرف و فرهنگی پذیرفته نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا. (۱)

نشستن مرد در خانه و در کنار خانواده خود، در پیشگاه خداوند محبوب تر از اعتکاف در مسجد من است.

آنان که به جای همراهی با همسر، وقت خود را صرف دوستان دوران مجرد می کنند، به همسرشان ستم می کنند و به نوعی او را می آزارند.

رسول گرامی اسلام درباره آزرده شدن همسر می فرماید:

مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يُقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا. (۲)

هر مردی که زن خود را بیازارد، نه نمازش پذیرفته است و نه کار نیکی از او پذیرفته می شود.

همچنین درباره نادیده گرفتن حقوق خانواده می فرماید:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ يَوْمٍ (۳)

ملعون است ملعون، کسی که حقوق خانواده خود را نادیده بگیرد.

## تلاش برای معاش

تلاش برای معاش

مردی که ازدواج می کند، وظیفه دارد به اندازه توان، وسایل رفاه و آرامش را برای خانواده فراهم آورد.

در روایتی دیگر امام صادق (ع) می فرماید:

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

ثَلَاثَةٌ هِيَ مِنَ السَّعَادَةِ... وَالرِّزْقُ يُرْزَقُ مَعِيشَتَهُ يَغْدُو عَلَىٰ إِصْلَاحِهَا وَيُرْوَحُ عَلَىٰ عِيَالِهِ. (۱)

سه چیز از خوش بختی است... (یکی از آنها) رزق و روزی است که برای گذران زندگی صرف می شود. مرد، صبح گاهان برای بهبود روزی بیرون می رود و شبان گاهان به سوی خانواده اش بازمی گردد.

در آموزه های روایی آمده است که امام صادق (ع) در تفسیر آیه «وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيَتَّقِ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» فرمود:

إِذَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَىٰ أَمْرَاتِهِ مَا يُقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ الْكِسْوَةِ وَالْإِفْرَاقَ بَيْنَهُمَا. (۲)

هرگاه مرد، نفقه زن خود را به میزانی که برای او کفایت کند بپردازد و پوشاکش را نیز فراهم آورد، وظیفه اش را (در مسئولیت اقتصاد خانواده) انجام داده است، و گرنه آن دو از هم جدا می شوند.

رسول گرامی اسلام نیز در اهمیت تلاش مرد برای تأمین مخارج زندگی می فرماید:

أَلْكَأُ عَلَىٰ عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۳)

کسی که برای روزی حلال خانواده اش بکوشد، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است.

نیز فرموده است:

خَيْرُ رِجَالِكُمْ مَنْ لَا يُلْجِيْ عِيَالَهُ إِلَىٰ غَيْرِهِ. (۴)

بهترین مردان شما کسی است که نگذارد عیالش دست نیاز به سوی دیگری دراز کند.

۱- فروع کافی، ج ۵، ص ۲۵۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۷۴.

۳- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۲۴.

۴- لئالی الاخبار، ج ۳، ص ۲۶۷.

حضرت علی علیه السلام نیز در سفارشی مشابه می فرماید:

مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقَيِّمَ عَلَى عِيَالِهِ. (۱)

از سعادت و نیک بختی مرد آن است که قیّم بر خانواده خود باشد.

### توسعه زندگی

توسعه زندگی

پیشوایان معصوم ما، به پیروان خود سفارش می کردند افزون بر تأمین نیازهای ضروری، با تلاشی دوچندان، آسایش و رفاهی نسبی برای خانواده خود فراهم آورند. امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید:

حُسْنُ الْخُلُقِ فِي ثَلَاثٍ: اجْتِنَابِ الْمَحَارِمِ وَ طَلَبِ الْحَلَالِ ... وَ التَّوَسُّعِ عَلَى الْعِيَالِ. (۲)

حُسن خلق در سه چیز است، دوری از حرام، طلب روزی حلال... و ایجاد توسعه در زندگی برای خانواده.

امام رضا (ع) می فرماید: «صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى عِيَالِهِ؛ كَسَى كَ نِعْمَتِ دَارِهِ، بَرَاوِ وَاجِبِ اسْتِآنِ رَا بَرِ خَانَوَادِهِ خُودِ تَوْسِعِهِ بَخْشِدِ». (۳)

امام سجاد (ع) می فرماید:

لَإِنْ أَدْخَلَ الشُّوقَ وَ مَعِيَ دَرَاهِمُ أَتْبَاعٍ بِهِ لِعِيَالِي لَحْمًا وَ قَدْ قَرِمُوا إِلَيْهِ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً. (۴)

اگر به بازار روم و پول همراه داشته باشم و برای خانواده گوشت بخرم و برای آنان ببرم، این کار را بیشتر از آزاد کردن بنده در راه خدا دوست می دارم.

نیز می فرماید:

۱- لثالی الاخبار، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، قم، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ماده «خُلُق».

۳- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، قم، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۶۸.

۴- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۶.

«... وَإِنَّ أَرْضَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشَبُّكُمْ عَلَى عِيَالِهِ؛ مورد رضایت ترین افراد در پیشگاه خدا کسی است که زمینه های آسایش خانواده خود را آبرومندانه تر سازد» (۱).

امام صادق (ع) نیز در سخنی ارزشمند درباره توسعه زندگی به فراخور حال می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْخُذُ بِأَدَبِ اللَّهِ إِذَا وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ اتَّسَعَ وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ. (۲)

مؤمن در مکتب خدا پرورش یافته است، وقتی خداوند وسعتی به او ببخشد، او نیز به دیگران وسعت می بخشد و هنگامی که خدا از دادن نعمت خودداری کند، او نیز دریغ می ورزد.

بنابراین، فراهم کردن زمینه آسایش و آرامش بیشتر و بهتر در خانواده، کانون خانواده را شاداب تر و زندگی را زیباتر می سازد. البته توسعه بخشیدن به زندگی، به معنای ایجاد دردسر و تحمل هزینه های سنگین مادی نیست، بلکه به معنای تلاش بیشتر برای فراهم آوردن امکانات به قدر توانایی است. بنا بر روایات، هر گونه سخت گیری در امور مادی خانواده، ناپسند است و اعضای خانواده نیز آن را بر نمی تابند.

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لئَلَّا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ. (۳)

شایسته است مرد، زندگی را بر خانواده خود فراخ کند و آن را گسترش دهد تا آنها مرگ او را طلب نکنند.

۱- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، عن آل الرسول، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ هـ. ق، ص ۲۰۱.

۲- لئالی الاخبار، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳- لئالی الاخبار، ج ۳، ص ۲۶۸.

## کار و تلاش برای زندگی

کار و تلاش برای زندگی

محمد بن منکدر نقل می کند: در یکی از ساعات گرم روز به اطراف مدینه رفتم. در آنجا به امام باقر علیه السلام برخوردم، نزدیک رفتم و سلام کردم. ایشان نفس زنان و در حالی که عرق از سرورویش می ریخت، پاسخ سلام را داد. گفتم: خداوند خیرتان دهد! شما یکی از بزرگان قریش هستید که در این هوای گرم در طلب دنیا هستید. اگر در این وضعیت مرگ به سراغ شما بیاید، چه خواهید کرد؟ حضرت فرمود:

لَوْ جَاءَنِي وَاللَّهِ الْمَوْتُ وَأَنَا فِي هَذِهِ الْحَالِ لَجَاءَنِي وَ أَنَا فِي طَاعَةٍ مِنْ طَاعَاتِ اللَّهِ أَكْفُ بِهَا نَفْسِي عَنْكَ وَ عَنِ النَّاسِ وَإِنَّمَا كُنْتُ أَخَافُ الْمَوْتَ لَوْ جَاءَنِي وَأَنَا عَلَى مَعْصِيَةٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ. (۱)

به خدا سوگند، اگر در چنین حالی مرگ به سراغم آید، در حالی می میرم که مشغول انجام یکی از طاعات الهی هستم و با این کار، خود را از تو و دیگر مردم بی نیاز می کنم. من از آن بیم دارم که در حال معصیت، مرگ من فرارسد.

از این روایت درمی یابیم که پیشوایان معصوم (ع) در عین حال که رهبر جامعه بودند، در برآوردن نیازهای مادی خود، کار و تلاش می کردند و با تحمیل مخارج به مردم، مخالف بودند. آن حضرت

همچنین فرموده است:

إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَمَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ. (۲)

از تنبلی و تنگ دلی پرهیز؛ چرا که این دو، کلید هر بدی هستند. کسی که تنبلی کند، حقی را ادا نمی کند و کسی که تنگ دل باشد، بر حق صبر نمی کند.

۱- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۰.

۲- تحف العقول، ص ۲۱۶.

همچنین فرمود: «الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا؛ تَنْبَلِي بِهِ دِينَ وَ دُنْيَايَ آدَمِي زِيَان مِي رِسَانِد.»<sup>(۱)</sup> البته این هم شایسته نیست که مؤمن خود را به کار خارج از توان گرفتار کند. در روایت ها آمده است:

لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُدِلَّ نَفْسُهُ قِيلَ لَهُ وَ كَيْفَ يُدِلُّ نَفْسُهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ.<sup>(۲)</sup>

شایسته نیست مؤمن، ذلت پذیر باشد. سؤال شد ذلت پذیر چگونه است؟ امام فرمود: اینکه انسان خود را در گیر کاری کند که توانش را ندارد.

## مدارا و گذشت

### مدارا و گذشت

رفتار مهرآمیز و مدارا با شریک زندگی و بخشودن خطای او، قوام بخش زندگی است. زندگی مشترک با تمام شیرینی هایش گاه با تلخی هایی روبه رو می شود که در این حال تنها خطاپوشی می تواند آرامش را به کانون خانواده بازگرداند. به ویژه زوج های جوان در هنگام مشاهده خطاهای یکدیگر باید با آرامش و سعه صدر پرده پوش خطاهای همدیگر باشند. صبر و شکیبایی، چشم پوشی از خطاها، تحمل و سازش همراه با ایثار و فداکاری اعضای خانواده و به ویژه پدر، عامل ثبات و پایداری در خانواده است.

در روایتی آمده است:

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمِيَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ كَانَ مُخْسِبَةً نَأَى قَالَ يُشْبِعُهَا وَ يَكْشُوها وَ إِنْ جَهَلَتْ غَفَرَ لَهَا.<sup>(۳)</sup>

۱- تحف العقول، ص ۳۰۰.

۲- کافی، ج ۵، ص ۶۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰.

اسحاق بن عمار (از اصحاب امام صادق علیه السلام) می گوید به آن حضرت عرض کردم: حق زن بر مرد چیست که اگر آن را به جا آورد خوب است؟ حضرت فرمود: او را غذا بدهد و بپوشاند و اگر اشتباه کرد وی را ببخشد.

پیامبر گرامی اسلام نیز می فرماید:

لَوْ كَانَ الرَّفْقُ خَلْقًا يُرَى مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْهُ وَمِمَّا اصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَحْظَمَهُمَا أَجْرًا وَ أَحَبُّهَا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ. (۱)

اگر مدارا یکی از آفریده های خداوند باشد، خداوند، چیزی بهتر از آن نیافریده است. دو نفر با هم یار و همدم نمی شوند مگر اینکه بهترین اجر و پاداش از آن کسی است که با هم نشین خود بیشتر مدارا کند.

عفو و مدارا در سیره امامان ما، جایگاه ویژه ای داشته است. آنها از خطای دیگران چشم می پوشیدند و پیروان خود را نیز به این خصلت شایسته سفارش می کردند. امام سجاده (ع) می فرمود: «حَقُّ مَنْ أَسَاءَكَ أَنْ تَغْفُوَ عَنْهُ؛ حق کسی که بر تو بدی کرده این است که از او درگذری.» (۲) اصولاً در پرتو گذشت و بخشودن، زمینه اصلاح دیگران فراهم می آید و قلب ها به هم نزدیک تر می شود.

### قدردانی از زحمات همسر

قدردانی از زحمات همسر

قدردانی از زحمات همسر، اشتیاق او را برای ادامه زندگی مشترک، افزون و روحیه اش را در رویارویی با مشکلات خانه و خانواده تقویت می کند. اسلام در امور خانواده، وظیفه دشواری بر عهده زنان قرار نداده است، ولی بر اساس آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی، زن اموری را در خانه بر عهده می گیرد و مرد باید قدردان زحمات او باشد. امام سجاده (ع) می فرماید:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲- صدوق، خصال، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۸۹ هـ. ق، ص ۵۷.

أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

حق کسی که بر تو خوبی می کند، این است که از او قدردانی کنی و نیکی های او را به یاد آوری و با سخن خوب او را شاد و در حق او بین خود و خدا دعا کنی.

برای حفظ نشاط خانواده و تداوم یافتن زندگی خانوادگی، اعضای خانواده، به ویژه زن و شوهر باید قدردان زحمات و خدمات یکدیگر باشند. یکی از راه های قدردانی از همسر، تهیه هدیه مناسب است. هدیه دادن، به دوستی استواری می بخشد و بر طول عمر آدمی می افزاید. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

تَهَادُوا تَحَابُّوا، تَهَادُوا فَإِنَّهَا تَدْهَبُ بِالضَّغَائِنِ. (۲)

هدیه بدهید. با همدیگر دوستی کنید؛ چون هدیه کینه ها را از بین می برد و دوستی می آورد.

### نشاط بخشی به خانواده

نشاط بخشی به خانواده

تفریح و نشاط، لازمه زندگی و نیاز خانواده است و خانواده سالم، خانواده ای است که بانشاط باشد. از این رو، در برآوردن این نیاز نباید کوتاهی ورزید. در این راستا، پدر خانواده باید بخشی از اوقات خود را به اعضای خانواده اختصاص دهد و با گشاده رویی و حضور پرنشاط خود در جمع خانواده و فراهم ساختن زمینه تفریح های سالم، روح آرامش و شادی را در کانون خانواده بدمد. برای مثال، در اوقات فراغت با همراهی خانواده به دیدار اقوام و آشنایان برود.

۱- خصال، ص ۵۶۸.

۲- بهاءالدین خرمشاهی، پیام پیامبر، تهران، نشر جامی، ۱۳۷۶، ص ۷۶۶.



امام حسین علیه السلام فرمود:

سَيَأْتِي أَبِي عَن دُحُولِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: وَكَانَ إِذَا أَوَى إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَأً دُخُولَهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ جُزْءٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جُزْءٌ لِأَهْلِهِ وَجُزْءٌ لِنَفْسِهِ ثُمَّ جُزْءٌ جُزْءُهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ. (۱)

از پدرم درباره وضع داخلی رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم. فرمود: به منزل رفتنش در اختیار خودش بود. وقتی به منزل می رفت، اوقاتش را به سه قسمت تقسیم می کرد: قسمتی را برای عبادت، قسمتی را برای خانواده اش و قسمت سوم را به کارهای شخصی خود اختصاص می داد و آن را بین خود و مردم تقسیم می کرد.

امام موسی بن جعفر (ع) نیز فرموده است:

اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ لِمُنَاجَاتِ اللَّهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ.. وَ سَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. (۲)

بکوشید که اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم کنید: قسمتی را برای عبادت، قسمتی را برای کار، قسمتی را برای هم نشینی با دوستان خوب و قسمتی را برای انجام تفریحات حلال.

بنابراین، شایسته است مرد اسباب آرامش اهل خانه و همسر را فراهم سازد و از سخت گیری های بی مورد و نامعقول بپرهیزد. همچنین، ناراحتی های بیرون از منزل را با خود به خانه نیاورد، بلکه با چهره ای گشاده وارد خانه شود تا برای اهل و عیال خود الگوی آرامش باشد.

۱- مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۱.

۲- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۳۳.

## توجه به نیازهای معنوی

توجه به نیازهای معنوی

در کنار تأمین نیازهای مادی، زمینه سازی برای برآوردن نیازهای معنوی نیز در اسلام اهمیت ویژه ای دارد. سرپرست خانواده باید همواره این آموزه قرآنی را به یاد داشته باشد که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. (تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خاندان خویش را از آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ خارا، آتش افروزان آن هستند، حفظ کنید. از آتشی که فرشتگانی سخت گیر و درشت خو بر آن گمارده شده اند که نافرمانی خدا را نکنند و آنچه به آنها دستور داده شده انجام دهند.

شایسته است سرپرست خانواده، هدایت گرا اعضای خود به مسیر کمال معنوی باشد و آنان را به فراگیری دانش هایی تشویق کند که در رشد معنوی و مادی نقش دارند. در روایتی از امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً وَعَظَ نَفْسَهُ وَ وَعَظَ آخَاهُ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فَقَالَ يَا أَهْلَاهُ صَلِّوْا تَكُمُ صَلِّوْا تَكُمُ. (۱)

خداوند رحمت کند مردی که خود را پند دهد و برادر و خانواده خود را نصیحت کند و بگوید: ای اهل خانه! نمازتان، نمازتان.

امام حسین علیه السلام نیز می فرماید:

أَوْصَانِي أَبِي (ع) بِحِفْظِهِ وَ تَعْظِيمِهِ... وَ أَنَّ أَعْلَمَهُ أَهْلِي وَأَحْتَنَّهُمْ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَلْفُ اسْمٍ وَ اسْمُ دُعَاءِ الْجُوشَنِ الْكَبِيرِ. (۲)

۱- محمد مهدی تاج لنگرودی، اخلاق زن و شوهر، ص ۱۳۹.

۲- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۳۸۲.

پدرم، حضرت علی(ع)، تأکید می کرد دعای جوشن کبیر را (که جبرئیلبر پیامبر نازل کرده بود) حفظ کنم و گرامی بدارم... و آن را به خانواده ام بیاموزم و آنها را در مورد آن تشویق کنم؛ دعای جوشن کبیر مشتمل بر هزار اسم خداوند است.

بنابراین، سرپرست خانوار باید در تأمین نیازهای معنوی خانواده بکوشد و بداند شادمانی و خرسندی در خانواده هایی که به مسائل معنوی ارج می نهند، بسیار بیشتر است.

## همکاری در خانه

### همکاری در خانه

در زندگی خانوادگی که روح انسانیت و عاطفه بشری بر آن حاکم است، زن به عنوان کدبانوی خانه، امور داخلی خانواده را اداره می کند تا همسرش بتواند با خیالی آسوده به فعالیت های اجتماعی خود در بیرون از منزل پردازد. درعین حال، اسلام به مرد سفارش می کند در هر فرصتی، به همسر خود در انجام کارها یاری رساند و نگذارد تمام بار خانه بر عهده او باشد. در سایه این همکاری، زندگی معنا می یابد و لذت بخش می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنان را به خانه داری تشویق می کرد و می فرمود:

مَهْنَةُ إِحْدَاكُنَّ فِي بَيْتِهَا تُدْرِكُ جِهَادَ الْمُجَاهِدِينَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (۱)

(ای زنان!) هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش (اگر خدا بخواهد) پاداش مجاهدان را خواهد یافت.

همچنین می فرمود:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ. (۲)

۱- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۲۸۹۲.

۲- شیخ صدوق، امالی، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ هـ. ق، ص ۴۱۱.

هر زنی که در خانه همسر خود کاری انجام دهد و چیزی جابه جا کند و هدف او اصلاح امور خانواده باشد، خداوند نظر (رحمت) بر او می افکند و خدا به هر کس نظر رحمت افکند، هرگز عذابش نخواهد کرد.

آن حضرت از سوی دیگر، مردان را نیز به همکاری با زنان سفارش می کرد و می فرمود:

يَا عَلِيُّ! لَا يَخْدُمُ الْعِيَالِ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱)

ای علی! به همسرش خدمت نمی کند، مگر راست گو یا شهید یا کسی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او بخواند.

همچنین امام صادق (ع) می فرمود:

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَحْتَبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ (س) تَطْحَنُ وَتَعْجِنُ وَتَخْبِزُ. (۲)

حضرت علی (ع) هیزم جمع آوری می کرد و آب می آورد و جارو می کرد. حضرت فاطمه (ع) آرد تهیه می کرد و خمیر می ساخت و نان می پخت.

یکی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن حضرت گفته است:

يَخِيطُ ثَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ يَصْنَعُ مَا يَصْنَعُ الرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ. (۳)

لباسش را می دوزد، کفش خود را وصله می کند و آنچه هر مردی در خانواده خود انجام می دهد، او نیز انجام می دهد.

پیامبر خدا خطاب به امیرمؤمنان، علی علیه السلام می فرماید:

يَا عَلِيُّ! مِنْ لَمْ يَأْتَفْ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لِكَبَائِرِهِ وَيُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ... (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۰.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰.

۴- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲.

ای علی! هر کس به خانواده اش خدمت کند، آن کفاره گناهان کبیره اش است و آتش خشم الهی را خاموش می کند.

در روایتی دیگر از آن بزرگوار نقل است: «خدمت به عیال، گناهان بزرگ انسان را می پوشاند، غضب خدا را خاموش می کند، بر نیکی های او می افزاید و درجاتش را بالا می برد».<sup>(۱)</sup>

بنابراین، در خانواده اسلامی، مردان مسئولیت های داخل خانه را نیز برعهده می گیرند و تنها به امور خارج و فعالیت های اجتماعی بسنده نمی کنند.

## توجه و احترام به فرزندان

توجه و احترام به فرزندان

فرزندان، روشنی بخش زندگی هستند که وجودشان سبب هم دلی و نزدیکی بیشتر والدین می شود. آنها امانت های پروردگارند و بر گردن پدر و مادر حق دارند. از جمله حقوق آنها، برخورد احترام آمیز والدین با ایشان و تکریم شخصیتشان است. پسر و دختر، هر یک جایگاه ویژه ای دارند و احترامشان باید حفظ شود. افزون بر این، در برخورد با فرزندان باید عدالت را نیز رعایت کرد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

إِتَّقُوا اللَّهَ - وَ أَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُبْرَوْكُمْ.<sup>(۲)</sup>

از خدا بترسید و بین فرزندان با عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند.

همچنین از ایشان روایت شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ؛ خداوند دوست دارد میان فرزندان با عدالت را رعایت کنید، حتی در بوسیدن آنان».<sup>(۳)</sup>

۱- لئالی الاخبار، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲- علاءالدین متقی بن حسام الدین هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۶، ص ۴۴۵.

۳- علاءالدین متقی بن حسام الدین هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۶، ص ۴۴۵.

سیره رسول الله صلی الله علیه و آله در احترام نهادن به کودکان مثال زدنی است آن حضرت می فرمود:

خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ... وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَانِ لِيَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي. (۱)

پنج چیز است که تا دم مرگ آنها را ترک نمی کنم... یکی از آنها سلام کردن به کودکان است تا این روش پس از من در میان مسلمانان به یادگار بماند.

نکته دیگر در برخورد با کودکان این است که در حضور جمع از آنها عیب جویی نشود؛ زیرا این کار شخصیت آنها را خرد می کند. روایت شده که یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله در حضور جمع از فرزند خود عیب جویی کرد. حضرت او را از این کار بازداشت و فرمود:

فرزندت تیری است از تیردان تو. باید از آن مواظبت کنی و او را ضایع نگردانی که در آینده، یار و پشتیبان توست. پس او را خرد نکن. (۲)

بهترین دعا درباره فرزند و خانواده، همان است که در قرآن کریم می خوانیم:

### عیب جویی از همسر

عیب جویی از همسر

از عواملی که سبب ایجاد شکاف و رخنه در بنیان خانواده و سرآغاز پیدایش کینه ها و کدورت ها می شود، عیب جویی زوجین از یکدیگر است. به ویژه بسیاری از زوج های جوان، مدتی پس از ازدواج، گرفتار این آفت می شوند. البته عیب جویی غیر از انتقاد سازنده است که عیب ها را برطرف می سازد. در انتقاد و راهنمایی، هر یک از زوجین با مشاهده ضعف همسرش در زندگی، آن را تذکر می دهد و او را در رفع آن راهنمایی و یاری می کند، ولی در

۱- ورام بن ابی فراس اشعری، مجموعه ورام، تهران، چاپخانه حیدری، ص ۳۹۵.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۸۴.

عیب جوئی برای به رخ کشیدن نقاط ضعف شخص تلاش می شود. اگر این خصلت ناپسند در میان خانواده ها رایج شود، آرامش از خانه رخت برمی بندد.

بی شک، هیچ کس کامل به دنیا نیامده است و همگان اصول و روش زندگی کردن را از بزرگ ترها یا از راه تجربه می آموزند. بنابراین، انسانی که خود کامل نیست، چگونه در پی ظاهرسازی عیب های دیگران است؟

امام علی (ع) می فرماید:

تَتَّبِعُ الْعُيُوبَ مِنْ أَفْبَحِ الْعُيُوبِ وَ شَرُّ السَّيِّئَاتِ (۱)

پی گیری عیب های دیگران و کنجکاوی در نقص افراد، از زشت ترین عیب ها و بدترین گناهان است.

رسول گرامی اسلام نیز پیروان خود را از این اخلاق ناپسند بازمی دارد و می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَنْظُرَ مِنَ النَّاسِ إِلَى مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ وَيُعَيِّرُ النَّاسَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ تَرْكُهُ وَيُؤْذِي جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَغْنِيهِ (۲)

انسان را همین یک عیب کافی است که در پی عیب مردم می رود و این عیب را در خود نمی بیند و چیزی را بر مردم زشت می داند که خود در ترک آن درمانده است و هم نشین خود را با آنچه خود بدان توجه ندارد، می آزارد.

## لجاجت

### لجاجت

بگومگوهای بیهوده، سرسختی و پافشاری بر عقیده ای خاص و به کرسی نشاندن سخن خود، جز مقابله به مثل طرف مقابل، حاصلی ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۲۰۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۲۰۸.

إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرُهَا نَدَامَةٌ. (۱)

از لجاجت و سرسختی پرهیزید؛ زیرا آغاز آن نادانی و پایانش ندامت است.

راه درمان لجاجت، افزایش آگاهی و آشنایی با وظایف انسانی است. انسان لجوج، بی تدبیر است و از شر پیروی می کند. او بر مرکبی سوار است که وی را به سوی بلا و نادانی می برد. بنابراین، این اخلاق، شایسته همسران نیست. آنان باید همواره این سخن مولا علی(ع) را به یاد داشته باشند که فرمود:

لَيْسَ لِلْجُوجِ تَدْبِيرٌ اللَّجَاجُ يُفْسِدُ الرَّأْيَ اللَّجَاجُ بَذْرُ الشَّرِّ اللَّجُوجُ يُنْبِجُ الْحُرُوبَ وَ يُوعِزُّ الْقُلُوبَ. (۲)

انسان لجوج در زندگی تدبیر ندارد. او رأی و نظر خود را فاسد می کند. لجاجت تخم شر است که جز جنگ و اختلاف و ویرانی دل ها، نتیجه ای ندارد.

### پرهیز از خشم و غضب

پرهیز از خشم و غضب

خستگی های روزانه و فشارهای عصبی، زمینه ساز ایجاد ناراحتی و عصبانیت در افراد است و گاه کوچک ترین تنش در درون خانه، عاملی برای اظهار این خشم می شود. همسران دین مدار با تدبیر و خویشتن داری، خشم خود را کنترل و با روشی منطقی با مشکلات برخورد می نمایند. آنها برای رهایی از خشم انباشته خویش، اشکال تراشی و بهانه جویی نمی کنند و نیک می دانند که با فوران خشم، ایمانشان نابود می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این مورد فرمود: «الْعُصْبُ يُفْسِدُ الْإِيْمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ؛ خشم، فاسدکننده ایمان است؛ آن گونه که سرکه، عسل را فاسد می کند». (۳)

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۴.

۲- فهرست غرر الحکم.

۳- پیام پیامبر، ص ۷۲۲.



امام صادق(ع) نیز می فرماید:

أَلْعَضْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ أَلْعَضْبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ، مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ. (۱)

خشم، کلید هر شر و بدی است و دل انسان خردمند را ویران می کند. کسی که مالک خشم خود نباشد، بر عقل خویش تسلطی ندارد.

بنابراین، شایسته است انسان در حال غضب تصمیمی نگیرد، بلکه اندکی صبر کند و پس از آنکه به حالت عادی بازگشت و آتش غضبش فروکش کرد، با حوصله و بردباری مشکل را برطرف سازد. پیامبر گرامی اسلام فرمود:

إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنْ ذَهَبَ عَنْهُ الْغَضَبُ وَإِلَّا فَلْيَضْطَجِعْ. (۲)

هنگامی که یکی از شما خشم می گیرد؛ اگر ایستاده است، بنشیند. پس اگر خشمش فرو نشست (مقصود حاصل شده است) و در غیر این صورت بخوابد.

### پرهیز از اهانت و تمسخر

پرهیز از اهانت و تمسخر

از دیگر عواملی که پایه های زندگی را سست می کند، تمسخر یکدیگر است. خداوند متعال اجازه چنین کاری را به بندگانش نداده است و در قرآن می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ. (حجرات: ۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگز نباید قومی، قوم دیگر را مسخره کند؛ چه بسا قومی که مسخره می شوند، بالاتر باشند و زنان، زنان دیگر را مسخره نکنند، چه بسا زنان مسخره شده بالاتر و بهتر باشند.

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۲۶۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۲۶۹.

برخوردهای تمسخرآمیز در محیط خانواده و به ویژه با همسر، در زندگی مشترک شکاف ایجاد می کند و همان گونه که یک ظرف چینی شکسته شده اگر هم پیوند بخورد، باز آثار شکستگی در آن باقی خواهد ماند، فاصله ایجاد شده در زندگی مشترک نیز به سختی از میان می رود و اثر آن باقی می ماند..

پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

إِنَّ الْمُسِيئَةَ تَهْرِيئِينَ يُفْتَحُ لِأَخِيذِهِمْ بَابُ الْجَنَّةِ، فَيَقَالُ: هَلُمَّ فَيَجِئِي ۚ بَكَرْبِهِ وَغَمِّهِ فَاذَا جَاءَ أُغْلِقَ دُونَهُ ثُمَّ يُفْتَحُ لَهُ بَابُ آخِرٍ... فَمَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُفْتَحُ لَهُ الْبَابُ فَيَقَالُ لَهُ: هَلُمَّ هَلُمَّ فَمَا يَأْتِيهِ. (۱)

در آخرت، دری از بهشت به روی مسخره کنندگان گشوده و گفته می شود که وارد شو. پس با ناراحتی و اندوه می آید. وقتی نزدیک در می رسد، در بسته می شود. آن گاه در دیگری گشوده می شود و... پس این امر همچنان ادامه دارد تا اینکه برای او دری گشوده می شود و به او می گویند وارد شو، وارد شو. او (از ترس اینکه بار دیگر تمسخر شود) دیگر حرکت نمی کند.

نکته عبرت آمیز این است که کسانی که دیگران را مسخره می کنند، در دنیا خود گرفتار کیفر همان اعمال می شوند. برخوردهای تمسخرآمیز، صمیمیت و صداقت را از میان می برد و کدورت و کینه را جای گزین آن می سازد؛ زیرا هر کس، شخصیتی دارد و دوست ندارد به شخصیت او اهانت شود. اهانت به هر شکلی باشد، چه با رفتار و چه با زبان، ناپسند است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

نَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ مَنْ أَهَانَ عِبْدِي الْمُؤْمِنَ فَقَدْ اسْتَقْبَلِي بِالْمَحَارِبِ. (۱)

جبرئیل بر پیامبر وارد شد و عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه و آله! خدایت می فرماید: هر کس به بنده مؤمن من اهانت کند، با ستیز و جنگ به استقبال من آمده است.

در حدیثی دیگر پیامبر می فرماید: «أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ؛ ذَلِيلٌ تَرِينُ مَرْدَمِ كَسَى اسْتِ كِه بَه دِیْگَرَانِ اِهَانَتِ كَنْد.» (۲)

### پرهیز از سرزنش

پرهیز از سرزنش

کوتاهی در امور زندگی یا ضعف در رفتار شخصی همسر، دلیل مناسبی برای سرزنش وی نیست، بلکه او در این موارد به راهنمایی و هم فکرنیاز دارد.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

... وَكَانَ لَا يُلُومُ أَحَدًا عَلَى مَا لَا يَجِدُ الْعُذْرَ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ اعْتِدَارَهُ. (۳)

در گذشته برادری داشتم که کسی را که عذر نداشت، سرزنش نمی کرد تا عذرش را می شنید.

آنچه زندگی را زیبا می کند، گذشت و صمیمیت همسران در محیط خانواده است. آنان باید عیب های یکدیگر را پوشانند نه اینکه با برجسته سازی آنها، به خرده گیری و شماتت همدیگر پردازند که در این صورت امنیت و آرامش از خانه می رود و کینه و کدورت به وجود می آید.

۱- بروجردی، جامع احادیث شیعه، قم، ۱۳۹۹ هـ. ق، ج ۱۶، ص ۳۰۷.

۲- نهج الفصاحه، ح ۲۰۲.

۳- تحف العقول، ص ۸۰.

زیاده روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور می سازد که به آسانی مهار نخواهد شد. بنابراین، برای داشتن زندگی باصفا و آرام، باید چشم پوشی در برابر خطای همسر و سرزنش نکردن او سرلوحه امور قرار گیرد.

## دوری از سوءظن

### دوری از سوءظن

بعضی رفتارها و فکرها آفت زندگی هستند. اوهام و خیال هایی که فکر آدمی را مشغول و او را به همسر و فرزندان بدبین و بدگمان می سازد، خطرناک و ویران کننده اند و ریشه روانی دارند. در سایه شوم این بدگمانی ها، گاه رفتارهایی از زوجین سر می زند که جبران ناپذیر است. برای مثال، گاهی با اتکا به گمان و احتمال، آبروی آبرومندی برده می شود و با این عمل، خانواده ها متلاشی و دوستان صمیمی از یکدیگر جدایی شوند.

امام علی علیه السلام می فرماید: «لَا يَعْدِمُكَ مِنْ حَبِيبِ سُوءِ الظَّنِّ؛ مراقب باش سوءظن، دوستت را از تو نستاند». (۱)

ایشان در سخنی دیگر می فرماید: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يُتْرَكْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلِيلِ صُلْحًا؛ هر کس که سوءظن بر او چیره گردد، میان او و دوستش سازش و رفاقتی باقی نمی ماند». (۲)

به دلیل پی آمدهای ویرانگر سوءظن رسول گرامی اسلام از پیروانش می خواهد: «إِنْ ظَنَنْتُمْ فَلَا تُحَقِّقُوا؛ اگر ظنی یافتید، آن را دنبال نکنید». (۳)

۱- تحف العقول، ص ۸۰.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۹۳.

۳- کنز العمال، ح ۷۵۸۷.

این آموزه نبوی ریشه در آموزه قرآنی دارد. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ؛ ای ایمان آورندگان، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید». (حجرات: ۱۲)

گمان‌بد، زندگی را برای آدمی تلخ و وی را به نزدیک‌ترین یار و به ویژه به کسی که با او زیر یک سقف زندگی می‌کند، بی‌اعتماد می‌سازد. دغدغه‌های فکری، خاطر او را می‌آزارد و روزگار را بر خود و اطرافیانش سیاه می‌کند. برای اثبات درستی گمان خود، هر رفتاری را در دشمنی با خود تفسیر می‌کند. اطرافیانش را در محکمه خود، محکوم و حکم غیابی برایشان صادر و بی‌هیچ توضیحی مجازاتشان می‌کند. به راستی در این شرایط، چگونه می‌توان انتظار داشت آرامش و آسایش در کانون خانواده باقی بماند؟

### غیرت مندی

#### غیرت مندی

غیرت، از شریف‌ترین فضیلت‌های اخلاقی و در اصطلاح به معنای دفاع از چیزهایی است که محافظت از آنها لازم است. اهل لغت، غیرت را به ناموس پرستی معنا کرده‌اند؛ یعنی انسان به ناموس خود تعصب داشته باشد. غیرت نه فقط در مسائل جنسی و ناموسی، بلکه در مسائل دینی و تربیت فرزندان و امثال آن نیز هست. این فضیلت از آثار و لوازم شجاعت و بزرگ‌منشی است؛ یعنی از کرامت نفس و شجاعت فرد سرچشمه می‌گیرد. امیرمؤمنان، علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «تَمَرَةُ الشَّجَاعَةِ الْغَيْرَةُ؛ ثمره و میوه شجاعت، غیرت است».<sup>(۱)</sup>

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۵۹.

بزرگان اخلاق گفته اند کسی که این فضیلت را نداشته باشد، در حقیقت از مردان به حساب نمی آید. (۱) امام صادق علیه السلام می فرماید: غیرت، یکی از اوصاف خداوند است. «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ؛ خداوند غیور است و تمام غیرتمندان را دوست دارد». (۲) و به سبب همین صفت و ویژگی است که زشتی های درونی و بیرونی را تحریم کرده است. (۳)

همچنین در سخنی پرمعنا می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغِرْ وَ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ. (۴)

خداوند برای مؤمن غیرت می ورزد. پس مؤمن نیز باید غیرت ورزد و هر کس غیرت نورزد، قلبش واژگون شده است.

رسول رحمت نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْغَيُورُ؛ به درستی که خداوند بندگان باغیرت خویش را دوست دارد». (۵)

غیرت جنسی، نوعی نگهبان و محافظ است که خداوند برای مشخص ماندن و مختلط نشدن نسل ها در وجود بشر نهاده است. (۶) به تعبیر دیگر، خداوند به مردان سلاح غیرت داده است تا از آلودگی نسل ها به فساد و انحراف و از آلودگی های جنسی جلوگیری کنند. البته زیاده روی در غیرت روا

۱- محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

۳- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۵.

۴- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۵.

۵- کنز العمال، ح ۷۰۷۰.

۶- شهید مطهری، مجموعه آثار حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱۹، صص ۴۱۴ و ۴۱۵.

نیست؛ چرا که به بدگمانی کشیده می شود. امام علی علیه السلام در نامه خود به امام حسن علیه السلام می نویسد:

إِيَّاكَ وَ التَّغَايِرِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُوا الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ. (۱)

از غیرت نابجا پرهیز که این کار، درست کار را به نادرستی و پاک دامن را به بدگمانی خواهد کشاند.

انسان غیرتمند درباره وضعیت ظاهر و آراستگی ناموس خود در بیرون از منزل حساس است. نبی مکرم اسلام می فرماید:

الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَرَيِّنَةً مَتَعَطَّرَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لِرِزْوَجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٍ فِي النَّارِ. (۲)

هنگامی که زنی آرایش کرده و معطر از در خانه خارج شود و شوهرش نیز به این کار راضی باشد، به ازای هر قدمی که بر می دارد، خانه ای در آتش برای شوهر بنا می شود.

امام علی علیه السلام در شماتت کسانی که در برابر نوامیس خود سهل انگاری می کردند، فرمود:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ بُبْتُ أَنْ نِسَاءَ كَمْ يُوَفِّينَ (يُدَافِعْنَ) الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ وَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ مَن لَّا يَغَارُ. (۳)

ای اهل عراق! باخبر شده ام که زن های شما در راه (کوچه و خیابان) با مردها دوستی می کنند (هنگام راه رفتن شانه به شانه یکدیگر می زنند) آیا حیا نمی کنید؟ و فرمود: خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

۱- نهج البلاغه، ص ۳۰۷، نامه ۳۱.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

۳- بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۵.

## پرهیز از دروغ گویی

### پرهیز از دروغ گویی

هیچ چیز به اندازه دروغ گفتن، انسان را خوار نمی کند. دروغ گفتن به شریک زندگی، موجب بی اعتمادی همسر می شود. بنابراین، تنها راه استواری و استحکام خانواده، صداقت است. امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «حُطَّتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكُذِبُ؛ همه پلیدی ها در یک خانه جمع شده اند و کلید آن دروغ است».<sup>(۱)</sup>

از نظر رسول گرامی اسلام، دروغ گویی منشأ روانی دارد. ایشان می فرماید: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَابَةِ نَفْسِهِ عَلَيْهِ؛ دروغ گو، دروغ نمی گوید، مگر به دلیل حقارتی که در نفس خود می بیند».<sup>(۲)</sup>

راست گویی، ویژگی انسان های عزت مند و عاقل است که برای خود احترام و ارزش قائل هستند. در برابر آنها، افراد پست به طناب پوسیده دروغ چنگ می زنند و اعتماد دیگران را به خود باز می ستانند. امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ التَّقَةُ بِهِ؛ هر کس به دروغ شناخته شود، اعتماد مرد به او کم می شود».<sup>(۳)</sup>

## شوهرداری

### شوهرداری

زنی که به عنوان همسر وارد زندگی مرد می شود باید روحیه هم زیستی داشته باشد و شیوه برخورد با همسرش را بداند. احترام به شوهر و خدمت به او، محبت زن را در قلب همسرش جاودانه می سازد و پیوند خانوادگی را استواری می بخشد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۷۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۷۶.

۳- غرر الحکم، ص ۱۰۹.



ثَلَاثَةٌ لَا تَمْسُهُمُ النَّارُ الْمَرْأَةُ الْمُطِيعَةُ لِزَوْجِهَا وَالْمَرْئَةُ الصَّابِرَةُ عَلَى عُسْرِ زَوْجِهَا وَالْبَارُ لَوَالِدَيْهِ. (۱)

آتش جهنم به سه گروه نمی رسد: زنی که در برابر [خواستہ های مشروع] شوهرش تسلیم باشد، زنی که در برابر تنگ دستی شوهرش صبور باشد و زنی که به پدر و مادر شوهر خود نیکی کند.

در نهج البلاغه نیز آمده است: «جِهَادُ الْمَرْئَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، نیکو شوهرداری کردن است.» (۲) در حقیقت شوهرداری مدبرانه و فرزندپروری شایسته، جزو وظایف خانه داری است. اهمیت خانه داری بدان حد است که پاداش آن، پاداش جهاد در راه خدا بیان شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «فاطمه علیها السلام کارهای داخلی را بر عهده داشت و امیرمؤمنان، علی علیه السلام کارهای بیرون خانه را انجام می داد.» (۳) در روایتی ارزنده از نبی مکرم اسلام آمده است:

حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْئَةِ إِنْ أَرَاهُ السَّرَّاحَ وَاصْلَاحَ الطَّعَامِ وَ أَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَبَ بِهِ وَ أَنْ تُقَدِّمَ إِلَيْهِ الطَّشْتَ وَالْمِنْدِيلَ وَ أَنْ تُؤَضِّئَهُ وَ أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلِّهِ. (۴)

حق شوهر بر زن آن است که خانه را روشن نگاه دارد، غذا فراهم کند، از شوهر استقبال کند و به او خوش آمد گوید و فوراً آب و حوله برای شست و شوی سر و روی او مهیا سازد و خود را بدون عذر موجه از دسترس وی دور ندارد.

۱- مشکینی، مواظظ العددیه، ص ۶۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۰۷ از امام کاظم علیه السلام هم نقل شده است.

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۱.

۴- سفینه البحار، ماده قنع.

شایسته نیست که زن در برابر خدماتی که در منزل شوهر انجام می دهد ممتی بگذارد؛ چرا که پاداش آن را از پروردگار خود دریافت می کند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلاَحًا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ. (۱)

هر زنی در خانه شوهرش چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد تا کاری را سامان دهد، خداوند متعالی به آن زن توجه می کند و هر کس مورد توجه خدا قرار گیرد، عذاب نمی شود.

همچنین از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

مِمَّنِ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا. (۲)

پاداش زنی که شوهر خود را با شربت آب سیراب سازد، بالاتر از پاداش عبادت یک سال است که روزها روزه بدارد و شب ها شب زنده داری کند.

بنابراین، زنی که به اصلاح امور خانه همسرش می پردازد و به شوهرش خدمت می کند، پاداشی همچون پاداش به جا آوردن عبادت های واجب و مستحب را برای خود ذخیره می کند.

### خوش اخلاقی و حسن معاشرت

خوش اخلاقی و حسن معاشرت

یکی از فضیلت های اخلاقی به ویژه در کانون خانواده، خوش خلقی است. در کانون خانواده، زن می تواند با خوش رفتاری، جایگاهی والا و مانا در قلب همسر خود بیابد. مرد نیز می تواند با این خوی پسندیده، شادمانی را به اعضای

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

خانواده هدیه دهد. امام صادق علیه السلام در خصوص وظایف شوهر در برابر همسر خویش می فرماید:

در ارتباط زناشویی، مرد باید سه ویژگی داشته باشد: مدارا و خوش رفتاری با زن، تا محبت و علاقه اش را جلب کند... (۱). از امام صادق علیه السلام درباره حسن خلق پرسیدند، فرمود: «تَلِينُ جَانِبِكَ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرِ حَسَنٍ؛ رفتارت را ملایم کن، کلامت را پاکیزه ساز و از برادرت با گشاده رویی استقبال کن.» (۲). امام حسن علیه السلام در سخنی می فرماید: «إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ؛ بهترین و نیکوترین زیبایی ها، حُسن خلق است.» (۳).

هر رفتار و سخنی که مورد پسند خداوند باشد، شایسته و نیک و با طبع انسان نیز سازگار است. در برابر حسن خلق، بدخلقی قرار دارد که طبع انسان از آن متنفر و گریزان است. حسن خلق، زندگی را برای اعضای خانواده شیرین و رویارویی با سختی ها را آسان می سازد. رسول گرامی اسلام فرمود:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرِّقَقَ فِي الْمَعِيشَةِ وَحُسْنَ الْخُلُقِ. (۴)

هرگاه خداوند بخواهد به خانواده ای خیر برساند، گذران زندگی را بر آنان آسان می کند و اخلاق نیکو به آنان می دهد.

امام علی علیه السلام یکی از نشانه های خوش رفتاری را چنین بیان می دارد:

إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِهِ، يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. (۵)

هرگاه یکی از شما به منزل خود وارد می شود، به خانواده اش سلام کند و بگوید: سلام و درود بر شما (اهل خانه).

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۷.

۲- معانی الاخبار، ص ۲۵۳.

۳- خصال، ص ۲۹.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۴.

۵- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۴.

در آموزه های دینی نیز سفارش شده است که در دعاهاى خود، خوش رفتاری با خانواده را از خدا بخواهید:

وَيُسْتَحَبُّ أَنْ تَدْعُوَ عَقِيبَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ عَلَى التَّكْرَارِ... وَ أَصْلِحْنِي لِنَفْسِي وَ أَصْلِحْنِي لِأَهْلِي. (۱)

مستحب است بعد از هر نماز دو رکعتی مکرر دعا کنید که: ... خدایا! مرا برای خود و خانواده ام اصلاح کن.

## آراستگی زن و شوهر

آراستگی زن و شوهر

امام صادق علیه السلام فرمود:

در روابط بین زن و شوهر، برای مرد سه ویژگی لازم است که یکی از آنها داشتن ظاهر آراسته در برابر دیدگان زن است و برای زن نیز سه ویژگی لازم است که یکی از آنها آراستگی در برابر شوهر است. (۲)

همچنین آن حضرت می فرماید:

وَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ النَّسَاءَ بِالْخَضَابِ ذَاتِ الْبُعْلِ وَ غَيْرِ ذَاتِ الْبُعْلِ، أَمَا ذَاتُ الْبُعْلِ فَتَزِينُ لِرُؤُوسِهَا. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زنان مجرد و متأهل سفارش کرد که موی سر خود را رنگ کنند؛ و اما زنان متأهل برای شوهرانشان، خود را زینت کنند.

امام باقر علیه السلام نیز در روایتی می فرماید:

النِّسَاءُ يُحِبْنَ أَنْ يُزَيَّنَ الرَّجَالُ فِي مِثْلِ مَا يُحِبُّ الرَّجَالُ أَنْ يَرَى فِيهِ النِّسَاءَ مِنَ الزَّيْنَةِ. (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۴۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۷.

۳- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۲.

۴- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۱.

همان گونه که مردها دوست دارند زن خود را زینت شده ببینند، زن ها نیز دوست دارند شوهر خود را آراسته ببینند.

همچنین در روایتی آمده است:

دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَرَأَوْهُ مُخْتَضِبًا، فَسَأَلُوهُ فَقَالَ: إِنِّي رَجُلٌ أَحِبُّ النِّسَاءَ فَأَنَا أَتَصَبَّغُ لَهُنَّ. (۱)

گروهی نزد امام باقر علیه السلام آمدند و دیدند که ایشان خضاب کرده است (موی سر خود را رنگ کرده است). از آن حضرت در این مورد پرسیدند، فرمود: من مردی هستم که زنان (همسرانم) را دوست دارم و برای ایشان، خود را آراسته می‌کنم.

حسن زیات می‌گوید: روزی همراه با دوستم نزد امام باقر علیه السلام رفتیم. آن حضرت در اتاقی آراسته نشسته بود، در حالی که لباسی خوش رنگ بر تن داشت و ریش خود را کوتاه کرده و سورمه کشیده بود. ما از آن حضرت چند سؤال کردیم و پس از شنیدن پاسخ‌ها برخاستیم. حضرت فرمود: «حسن، فردا با دوستت نزد من بیا.» فردای آن روز که نزد ایشان رفتیم، در اتاقی بسیار ساده نشسته بود که تنها حصیری در آن دیده می‌شد و خود نیز لباسی خشن بر تن داشت. پس به دوست من رو کرد و فرمود: «دیروز که شما نزد من آمدید، من در اتاق همسرم بودم. دیروز، روز او بود و اتاق و وسایل درون آن نیز متعلق به او بود، من نیز خود را برای او آراسته بودم؛ زیرا بر من لازم است همان گونه که او خود را برای من آرایش می‌کند، من نیز خود را برای او بیارایم. پس گمان خطا مکن.» دوست من

عرض کرد: قربانت گردم! به خدا سوگند در ذهنم تصور خطایی ایجاد شده بود، ولی اکنون خداوند آن تصور را از میان برد و دانستم که حق در کلام شماست. (۱)

از سیره پیشوایان دیگر نیز، چنین شیوه‌هایی را نقل کرده‌اند، چنان‌که ذروان مدائنی می‌گوید: بر امام رضا علیه السلام وارد شدم، اتفاقاً ایشان مشغول خضاب کردن بود. گفتم: فدایت شوم، شما خضاب کرده‌اید؟ فرمود: «بله، خضاب کردن پاداش بسیاری دارد، آیا نمی‌دانی که آراستن ظاهر، بر عفت و پاک‌دامنی زنان می‌افزاید؟ آیا برای تو خوشایند است که وقتی ناآراسته بر همسرت وارد می‌شوی او را چون خود، بدون آمادگی و ناآراسته ببینی؟» گفتم: نه. فرمود: «دلیل [کار من] همین است». (۲)

یکی از صفات زن خوب نیز، زینت کردن برای شوهر است. در حدیثی از نبی مکرم آمده است:

خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، أَلْحَصَانُ عَنْ غَيْرِهِ. (۳)

بهترین زنان شما کسی است که برای شوهرش زینت کند؛ اما در برابر دیگران خود را بپوشاند.

البته آراستگی زن، باید در محدوده درون خانه و حریم شخصی و اختصاصی خانواده باشد، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به این امر سفارش فرموده است:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ تُطِيبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طِيبِهَا... .

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۴۸.

۲- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۰.

۳- مکارم الاخلاق، باب ۸، فصل ۲.

هر زنی که خود را برای غیرشوهر خوش بو سازد و زینت بخشد، نمازی از او پذیرفته نیست تا زمانی که آن بوی عطر و زینت را با شستن از خود دور کند.

آن حضرت در سفارش به دختر خود، فاطمه زهرا علیها السلام می فرماید:

يَا فَاطِمَةُ مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَزَيَّنَتْ حُسْنَهُ وَ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِأَحْسَنِ مَلْبُوسٍ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهَا النَّاسُ إِلَّا لَعَنَهَا مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَ كَانَتْ فِي غَضَبِ اللَّهِ حَتَّى تَمُوتَ وَ يُؤْمَرُ بِهَا النَّارُ. (۱)

دخترم! هر زنی که خود را به زینتی بیاراید یا با بهترین لباسش از خانه بیرون رود تا مردم او را نگاه کنند، فرشتگان آسمان ها و زمین او را لعنت می کنند و او پیوسته در غضب خداوند است تا اینکه بمیرد و او را به آتش اندازند.

پیامبر رحمت در روایتی دیگر فرمود:

بهترین زنان شما کسی است که فرزند آور، مهربان و پوشیده و عفیفه باشد و در میان خانواده، عزیز و سنگین، ولی در برابر شوهرش مطیع باشد. خود را برای شوهر بیاراید و در مقابل بیگانه خود را حفظ کند. (۲)

## رعایت بهداشت

رعایت بهداشت

پاکیزگی و نظافت خانه و بدن و زدودن هر آنچه تنفر آدمی را برمی انگیزد، از ویژگی های پسندیده و فطری بشر است. در کانون خانواده نیز، اینوظیفه همه اعضای خانواده است و زن به دلیل لطافت طبعش بیش از همه در این امر باید تلاش کند. آلودگی و رعایت نکردن بهداشت در محیط خانواده سبب برانگیخته شدن تنفر دیگران به ویژه همسر می شود. اسلام نیز نظافت را جزو

۱- علی قائمی، در مکتب فاطمه، ص ۲۴۹.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۰.

ایمان شمرده است. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ؛ خداوند توبه کاران و کسانی را که به طهارت و پاکیزگی توجه می کنند، دوست می دارد». (بقره: ۲۲۲)

از مظاهر رعایت بهداشت، مسواک زدن است که در اسلام سفارش زیادی به آن شده است. رسول رحمت می فرماید:

لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِالسُّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ. (۱)

اگر بر امت من مشکل نبود، به آنها امر می کردم هنگام هر نماز مسواک کنند.

در روایتی دیگر، از سیره رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است: «أَنَّه لَا يَنَامُ إِلَّا وَالسُّوَاكُ عِنْدَ رَأْسِهِ فَإِذَا نَهَضَ بَدَأَ بِالسُّوَاكِ؛ آن حضرت نمی خوابید مگر اینکه مسواکی بالای سرش بود که وقتی برخاست مسواک بزند». (۲)

زن و مرد باید هر دو به نظافت اهمیت بدهند و بهداشت را رعایت کنند. بی توجهی به این مسائل، سبب ایجاد دل مردگی و پژمردگی روح و جسم می شود. امام علی علیه السلام در تأیید این مطلب می فرماید:

النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ وَهُوَ طَهُورٌ لِلصَّلَاةِ. (۳)

نظافت و زدودن آلودگی از لباس، غم و اندوه را از بین می برد و آن طهارت برای نماز است.

جابر بن عبدالله یکی از یاران رسول الله صلی الله علیه و آله می گوید:

۱- نهج الفصاحه، ح ۲۳۵۷.

۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۳.

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۴۴.



أَتَانَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَأَى رَجُلًا شَعِنًا قَدْ تَفَرَّقَ شَعْرُهُ فَقَالَ: أَمَا كَانَ يَجِدُ هَذَا مَا يُسْكُنُ بِهِ شَعْرُهُ وَرَأَى رَجُلًا آخَرَ وَ عَلَيْهِ ثِيَابٌ وَسِخَةٌ فَقَالَ: أَمَا كَانَ هَذَا يَجِدُ مَاءً يَغْسِلُ بِهِ تَوْبَهُ... (۱)

پیامبر نزد ما آمد و مردی را دید که پزمرده و ژولیده مو بود. فرمود: آیا این مرد چیزی نیافته که موهایش را تمیز کند و شانه بزند؟ و مرد دیگری را دید که لباسش چرک و کثیف بود. فرمود: آیا این مرد آبی نیافته که لباسش را بشوید.

آلودگی های ظاهری بدن و محیط، از شخصیت و موقعیت اجتماعی انسان می کاهد و سبب دوری دیگران از او می شود.

## اطاعت و پیروی از شوهر

اطاعت و پیروی از شوهر

اطاعت بی چون و چرا تنها در برابر خداوند متعالی معنا دارد و هیچ کس نمی تواند دیگری را به پذیرش دستورهای خود مجبور سازد. حکومت کردن بر خانواده و به کرسی نشاندن سخن باطل خود، ستمی بر خانواده است که باید از آن پرهیز کرد؛ چرا که تحکم نابخردانه، با روح زندگی مشترک هم خوانی ندارد. ولی اگر خواسته های مرد، مشروع، منطقی و به سود خانواده باشد، زن باید مطیع او باشد. پیروی کردن با این شرایط، نه تنها از مقام و منزلت زن نمی کاهد، بلکه مهر او را در قلب مرد جا می دهد.

امام صادق علیه السلام درباره زنان مطیع و زنان نافرمان می فرماید:

مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَ تَعْمُهُ... سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ. (۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

ملعون است، ملعون، زنی که شوهر خود را بیازارد و او را اندوهگین سازد و خوش بخت است، خوش بخت، زنی که شوهرش را اکرام کند و او را نیازارد و در همه احوال مطیع او باشد.

## احترام همسر

### احترام همسر

حضرت فاطمه علیها السلام درباره احترام به زنان می فرماید: «خياركم أليَنكم مناكبه و أكرمهم لنسائهم، بهترین شما کسانی هستند که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشند و زنان خویش را بیشتر تکریم کنند». (۱)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «ما أكرم النساء إلا كريمٌ ولا أهانهن إلا لئيمٌ؛ تکریم نمی کنند زنان را مگر افراد بزرگوار، و تحقیر نمی کنند آنها را مگر فرومایگان». (۲)

آن حضرت می فرماید:

کسی که همسر خود را می آزارد، نماز و روزه اش قبول نیست تا رضایت او را به دست آورد و همچنین است همسر در برابر شوهر خود. (۳)

همچنین فرمود: «مَنْ ضَرَبَ امْرَأَتَهُ بِغَيْرِ حَقٍّ فَأَنَا خَصْمُهُ؛ من دشمن کسی خواهم بود که همسر خود را به ناحق کتک بزند». (۴)

دل انسان، جایگاه لطف و مهر است و احترام به همسر در فرهنگ اسلامی و ملی، از نوعی رابطه محبت آمیز حکایت دارد. احترام زوجین به یکدیگر، در حقیقت، احترام به خودشان است و هرگونه بی احترامی، مقام و منزلت آنان را

۱- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر للمطبوعات، ص ۷.

۲- نهج الفصاحه، ص ۳۱۸.

۳- نهج الفصاحه، ص ۱۱۶.

۴- دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۲۹۱.

پایین می آورد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «خوش بخت است، خوش بخت زنی که به شوهر خود احترام می کند».<sup>(۱)</sup>

وظیفه انسانی نیز حکم می کند که انسان در تقویت عشق و احترام به همسر خود کوتاهی نکند. اگر زن یا مرد، محبت خود را از یکدیگر دریغ کنند، رفته رفته سبب افسردگی و دل سردی می شود. بدین ترتیب، همان طور که وقتی گلی آب نخورد پژمرده می شود و بر اثر این بی مهربی به اندک نسیمی که از جای دیگر به او برسد، بدان سو گرایش می یابد، زندگی مشترک نیز دچار چنین آسیبی می شود. امام صادق علیه السلام از قول پدر بزرگوار خود می فرماید:

مِنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا فَإِنَّمَا امْرَأَةٌ أَحَدِكُمْ لِعَبْتِهِ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يُضَيِّعُهَا. (۲)

هر که زن می گیرد، باید او را تکریم کند. همانا زن هر کس، عامل خوشی اوست، پس نباید او را (با بی حرمتی) ضایع کند.

### تعدیل خواسته ها

تعدیل خواسته ها

خواسته های زوجین از یکدیگر، باید منطقی، معقول و به اندازه توان همسر باشد. برای مثال، شایسته نیست زن بیش از حقوق مسلم خود از مرد توقع داشته باشد. تحمیل مخارج اضافی یا خواسته های بی جا که شوهر رضایتی بدان ندارد، ستمی ناروا بر او و سبب ایجاد ناراحتی می گردد؛ هرچند از نظر اخلاقی خوب است مرد برای تأمین رفاه و توسعه زندگی بیشتر بکوشد و به نیازهای مادی همسر پاسخ مثبت بدهد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۴۳.

أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَدْخَلْتُ عَلَى زَوْجِهَا فِي أَمْرِ النِّفَقَةِ وَكَلَّفْتُهُ مَالًا يُطِيقُ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهَا صِدْقًا وَلَا عِدْلًا إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجَعَ وَتَطْلُبَ مِنْهُ طَاقَتَهُ. (۱)

هر زنی که بیش از اندازه خرجی منزل، به شوهر خویش تحمیل کند که او از عهده آن برنیاید، خداوند متعالی هیچ یک از نیک های او رانمی پذیرد مگر آنکه توبه کند و از شیوه خود برگردد و به اندازه توان شوهر از وی بطلبد.

مرد نیز نباید بیش از توان همسر خویش از او توقع انجام کار داشته باشد؛ با توجه به اینکه زن به لحاظ شرعی مسئولیتی در برابر بیشتر کارهای خانه ندارد و آنها را به لحاظ اخلاقی و استحکام زندگی خانوادگی انجام می دهد.

به هر حال باید مراقب بود که زندگی مشترک به دلیل بعضی خواسته های نامعقول دچار تزلزل نشود؛ زیرا ارزش خانواده بیشتر از این مسائل کوچک است. اگر زوجین همه دنیا را داشته باشند، ولی آنها را به قیمت کدورت قلبی و آزردهی همسر به دست آورده باشند، هیچ ارزشی ندارد. زن و شوهر مانند سکان داران کشتی اند که ناسازگاری شان، این کشتی را به ساحل مقصود نخواهد رساند.

### پرهیز از منت گذاری

پرهیز از منت گذاری

منت گذاری، از ارزش کار می کاهد و طرف مقابل را اندوهگین می سازد. زنی که در منزل شوهر، کدبانوگری می کند و مدیریت خانه را برعهده دارد، اگر برای کار خود بر شوهر منت گذارد، پاداش زحماتش را به دست خود نابد می سازد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مَا مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا ثُمَّ ضَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ، تَقُولُ: مَنْ أَنْتَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي حَبِطَ عَمَلُهَا وَلَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجَعَ وَتَعْتَدِرَ إِلَى زَوْجِهَا. (۱)

اگر زنی تمام طلاها و نقره ها را به خانه شوهر خود ببرد، آن گاه روزی بر سرش منت گذارد و بگوید: تو چه کاره ای؟ مال از آن من است، عمل وی نابود می گردد، گرچه عابدترین مردم باشد؛ مگر اینکه توبه کند و از کار خود بازگردد و از شوهر خود عذر بخواهد.

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «الْمَنْ يَهْدِمُ الصَّنِيعَةَ؛ منت گذاری، نیکوکاری را تباه می سازد.» (۲) کار خالصانه و بی منت، به زندگی مشترک شیرینی می بخشد و در پیشگاه خداوند نیز ارزشمند و مستحق پاداش است. بنابراین، انسانی که با ریاکاری و منت گذاری، ارزش کار خود را از بین برده است، نباید انتظار پاداش داشته باشد. رسول کرامت می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَلَا مَنَّانٌ وَلَا بَخِيلٌ؛ هیچ منت گذار و بخیلی وارد بهشت نمی شود.» (۳)

## بردباری

### بردباری

زندگی مشترک، فراز و نشیب هایی دارد که گاه این ناملایمات، مادی و زمانی روحی و اخلاقی است. زوج های متدین و خردمند کسانی اند که در برابر این سختی ها صبر پیشه می کنند. زنان معمولاً در برابر مشکلات مالی بردبارند، ولی در برابر بدخویی ها و کج خلقی های همسر تحمل از کف می دهند؛ البته

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲.

۲- غررالحکم، ص ۸۴.

۳- خرمشاهی، پیام پیامبر، ص ۸۱۲.

شایسته تر آن است که برای حفظ کیان خانواده، در این موارد نیز شکیبایی پیشه کنند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةِ بِنْتِ مُرَاحِمٍ. (۱)

هر زنی در برابر بداخلاقی شوهر بردباری کند، خداوند متعالی پاداشی همچون پاداش آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) را به وی می دهد.

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

ثَلَاثَةٌ لَا تَمْسُهُمُ النَّارُ الْمَرْأَةُ الْمُطِيعَةُ لِزَوْجِهَا وَالْمَرْئَةُ الصَّابِرَةُ عَلَى عُسْرِ زَوْجِهَا وَالْبَارُّ لِوَالِدَيْهِ. (۲)

سه گروه را به جهنم نمی برند: زنی که در برابر خواسته های مشروع شوهرش تسلیم باشد، زنی که در برابر تنگ دستی های زندگی شوهر، صبور باشد و زنی که به پدر و مادر شوهر خود نیکی کند.

ایشان همچنین رابطه ایمان و صبر را چنین بیان می کند: «الْإِيمَانُ نِصْفَانِ نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَنِصْفٌ فِي الشُّكْرِ؛ (۳) نصف ایمان بردباری است و نصف دیگرش شکر». (۴) نیز می فرماید: «بردباری در دنیا و آخرت، بزرگواری است».

## قهر

### قهر

در طول زندگی مشترک، ممکن است مسائلی پیش آید که خوشایند زوجین نباشد، ولی هر مسئله ناخوشایندی را نباید با مجازات سنگین و برخورد تند برطرف ساخت. قهر از همسر نیز راه خوبی برای حل این معضلات نیست، مگر اینکه همه راه های معقول امتحان شده باشند. قهر کردن و خارج شدن از خانه،

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷.

۲- مواظ العبدیه، ص ۶۱.

۳- بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۶۴.

۴- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۳.

آغازگر فاصله در زندگی مشترک، سبب افزایش ناراحتی‌ها و غیرمنطقی‌ترین راه برای حل مشکل است. در چنین موقعیت‌هایی این سخن و توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله را از یاد نبریم که فرمود:

أَيُّمَا مُسْلِمِينَ تَهَاجَرَ أَفَمَكْنَا ثَلَاثًا لَا يَصْطَلِحَانِ إِلَّا كَانَا خَارِجِينَ مِنَ الْأِسْلَامِ. (۱)

اگر دو نفر مسلمان سه روز با یکدیگر قهر کنند و در این مدت آشتی نکنند، از اسلام بیرون می‌روند.

گاهی بانوی خانه می‌پندارد که با قهر طولانی می‌تواند حرف خود را به کرسی بنشانند یا شوهر خود را متقاعد سازد که خواسته او را برآورد، ولی چه بسا چنین برخوردهایی نتایج عکس بدهد و برخلاف انتظار او هیچ‌گاه شوهر نزد وی نرود و ناخواسته سبب متلاشی شدن کانون خانواده شود. در روایات اسلامی نیز این رویه به شدت نکوهش شده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

سَمِعْتُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ يَقُولُ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ هَجَرَتْ زَوْجَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَتَرْجِعَ. (۲)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر زنی با شوهر خود به ناحق قهر کند، در روز قیامت با فرعون و قارون در آخرین طبقه آتش جهنم محشور می‌شود، مگر آنکه توبه کند و بازگردد.

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۸.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲.

## خیانت نکردن

### خیانت نکردن

ازدواج، پیمان مقدسی است که در دایره شریعت میان زن و مرد بسته می شود و محکم ترین و عالی ترین پیمان هاست که وفای به آن واجب است. بر اساس این میثاق، مرد امور خارج از منزل را به عهده می گیرد و زن نیز برای وفاداری به این پیمان، زندگی مشترک را مدیریت می کند و تربیت و پرورش فرزندان را می پذیرد. کیان خانواده و بالاتر از آن، شخصیت خود زوجین، با این وفاداری استحکام می یابد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يَعْمُرْ بِالْبَرِّ كَهَ، الْخِيَانَةِ وَالسَّرِقَةِ هُوَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَالزَّوْنَا. (۱)

چهار چیز است که وارد خانه ای نمی شود مگر اینکه آن خانه را ویران کند و برکتش را ببرد: خیانت، دزدی، شراب خواری و زنا.

مصادیق خیانت فراوان است، یکی از مهم ترین آنها در زندگی زناشویی، وفاداری به همسر از جنبه عفت است. مردی که به غیر از همسر خویش به زنان دیگر چشم داشته باشد و با آنها رابطه پنهانی داشته باشد و همچنین زنی که در غیاب همسر و دور از چشم او روابط نامشروع داشته باشد، در حق یکدیگر خیانت می کنند و مدتی نمی گذرد که استحکام و رشته زندگی آنها از هم می پاشد؛ ولی شخصیت تربیت یافته زن و مرد مسلمان در برابر آنها مصون است؛ زیرا اسلام با مجموعه احکام و دستوراتش جنبه الهی و معنوی پیروانش



را تقویت می کند. انسان پیمان شکن هیچ گاه نمی تواند شخصیتی متعالی داشته باشد. خیانت در هر شکل، آغاز سقوط به پرتگاه انحراف های اخلاقی است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا شَرُّ مَعْصِيَةٍ وَإِنَّ الْخَائِنَ لَمُعَذَّبٌ بِالنَّارِ عَلَى خِيَاتِهِ إِذَا ظَهَرَتِ الْخِيَانَاتُ اِرْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ. (۱)

از خیانت پرهیز که بدترین گناه است و خائن به خاطر خیانتش همیشه در عذاب و آتش است. خیانت، برکت ها را از بین می برد.

بنابراین از خطرناک ترین وسوسه های شیطان که کانون خانواده را متلاشی می سازد، خیانت زوجین به یکدیگر است. در این میان، زن وفادار و صالح، بهترین و مؤثرترین نقش را می تواند در پاسداری از اینحریم پاک داشته باشد. حضرت امام صادق علیه السلام چه نیکو فرمود:

چیزی برای انسان پرفایده تر از زن صالحه نیست؛ زنی که وقتی انسان به او نگاه کند، خوش حال شود. وقتی چیزی از او بخواهد، اطاعت کند و زمانی که خود در منزل نیست، اموال او را حفظ کند. (۲)

## دوری از بدخویی و بداخلاقی

دوری از بدخویی و بداخلاقی

درشت گویی، برخورد های تند و نامعقول و بهانه جویی های واهی، همه از مصادیق آشکار بدخویی است که اگر به خانه ای راه یابد، آن را به جهنمی سوزان تبدیل می کند و زندگی مشترک را به خطر می اندازد. اصولاً هنر انسان در زندگی آن است که بتواند منشأ خوبی ها و مایه خیر و برکات باشد و به

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۳۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹.

دور از دغدغه و ایجاد دلهره، خانواده اش را بدون تنش اداره کند. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيُبْلَغُ مِنْ سُوءِ خُلُقِهِ أَسْفَلَ دَرَكِ جَهَنَّمَ سُوءَ الْخُلُقِ ذَنْبٌ لَا يُعْفَرُ، الْخُلُقُ السَّيِّئُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ. (۱)

بدخلقی، انسان را به بدترین مکان جهنم پرتاب می کند و گناهی نابخشودنی است. همان طور که سرکه عسل را فاسد می کند، بدخلقی نیز عمل و کارهای خوب انسان را نابود می سازد.

بدخلقی و بدزبانی، زندگی را تیره می سازد، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

ثَلَاثَةٌ تُكَدِّرُ الْعَيْشَ؛ السُّلْطَانُ الْجَائِرُ وَالْجَارُ السُّوْءُ وَالْمَرْأَةُ الْبَدِيْهَةُ. (۲)

سه چیز زندگی را تیره و تار می کند: سلطان ستم گر، همسایه بد، زبدهان و فحاش.

همچنین می فرماید:

شومی و بدی در سه چیز است، یکی از آنها زنی است که مهریه اش زیاد باشد و با شوهرش بدرفتاری کند. (۳)

پیامبر گرامی اسلام در روایتی فرمود:

ثَلَاثَةٌ هُنَّ أُمَّ الْفَوَاقِرِ... وَ زَوْجُهُ إِنْ شَهِدَتْ لَمْ تَقَرَّ عَيْنُكَ بِهَا وَإِنْ غَبَتْ لَمْ تَطْمَئِنَّ إِلَيْهَا. (۴)

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۰۶.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۴.

۳- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۹۸.

۴- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۱.

سه چیز از بلاهای بزرگ و کمر شکن به شمار می آید، از جمله همسری که چون او را ببینی، مایه فرح و شادمانی ات نگردد و در زمان غیبت نتوانی به او اعتماد کنی.

آن حضرت، با تشویق خانواده ها به تحمل و بردباری در برابر بدخلفی ها می فرماید:

وَمَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ احْتِسَابًا اَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ مَرَّةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا اَعْطَى اَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَلَائِهِ فَكَانَ عَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِثْلَ رَمْلِ عَالِجٍ، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ تُعَيَّنَهُ وَ قَبْلَ أَنْ يَرْضَى عَنْهَا، حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنكُوسَةً مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ. (۱)

کسی که بر بد اخلاقی زنش صبر کند، خداوند متعالی پاداشی همچون پاداش صبر ایوب علیه السلام بر بلایش به او عطا می کند و گناهان آن زن در هر روز و شب مانند جمع شدن شن، انباشته می گردد و اگر پیش از آنکه بامرد هم دلی کند و او را راضی سازد، بمیرد، در روز قیامت همراه با منافقان، در حالی که واژگون است محشور و به پایین ترین درجه جهنم روانه می شود.

## عذرخواهی

### عذرخواهی

هر انسانی در زندگی خود دچار اشتباه می شود. رنج ها و مشقت ها و پیچ و خم های زندگی گاه زوجین را وادار می کند سخنی ناخوشایند بر زبان آورد یا عملی ناشایست انجام دهد که سبب آزردهی طرف مقابل می شود. در این حال، باید خطای خود را جبران و با اظهار پشیمانی از کرده خود، به خاطر آن عذرخواهی کند؛ زیرا هیچ چیز مانند عذرخواهی، دردهای روحی و آزردهی خاطر را التیام نمی بخشد. البته طرف مقابل نیز باید این عذرخواهی را بپذیرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَنْقَضُ النَّاسَ عَقْلًا مَنْ ظَلَمَ دُونَهُ وَلَمْ يَصْفَحْ عَمَّنِ إِعْتَدَرَ إِلَيْهِ. (۱)

سفیه ترین مردم، کسی است که به زیر دست خود ستم کند و عذرخواهی [مردم] را نپذیرد.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «أَعْظَمُ الْوِزْرِ مَنَعُ قَبُولِ الْعُذْرِ؛ بزرگ ترین گناه قبول نکردن عذر است.» (۲) بنابراین در کنار عذرخواهی که وظیفه هر انسان خطاکاری است، طرف مقابل نیز باید عذرپذیر باشد تا زندگی مشترک ادامه یابد.

### پرهیز از طلاق

پرهیز از طلاق

شیرین ترین و دل نشین ترین پیوند، پیوند ازدواج و تشکیل خانواده و بالاترین هنر، خشود نگه داشتن اعضای خانواده و حفظ این کانون آرامش از متلاشی شدن است. طلاق نباید نخستین راه برای حل کردن مشکلات همسران باشد. اسلام تنها در جایی طلاق را مجاز دانسته که هیچ راهی برای رسیدن به تفاهم وجود نداشته باشد و با این حال، آن را از مبعوض ترین حلال ها می داند. زن و مرد باید هر دو بکوشند زندگی مشترک را که با خوشی و شیرینی آغاز شده، با طلاق و جدایی به پایان نرسانند، بلکه راه خوب زیستن و شکیبایی در برابر دشواری ها را بیاموزند. آنها باید بدانند که در برابر فرزندان، جامعه و در پیشگاه خداوند متعالی مسئولند. کسی که به بهانه های واهی در پی جدایی است، باید بداند که با چنین شیوه ای تنها خواهد ماند و با هر کس دیگری ازدواج کند، پایانی

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۸۵۹.

۲- غرر الحکم.

جز طلاق نخواهد داشت. رسول گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الطَّلَاقَ؛ خداوند از طلاق خشمگین می شود.» (۱)

همچنین می فرماید:

مَا مِنْ شَيْعٍ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِنَّمَا وَكَّدَ فِي الطَّلَاقِ وَكَرَّرَ الْقَوْلَ فِيهِ مِنْ بَعْضِهِ الْفُرْقَةَ. (۲)

در اسلام هیچ چیز نزد خدا منفورتر از بنیانی که به واسطه جدایی ویران شود، نیست. همانا خداوند بارها و بارها نفرت خود را از طلاق مطرح کرده است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

بَلَغَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ أَبَا أَيُّوبَ يُرِيدُ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ طَلَاقَ أُمِّ أَيُّوبَ لَحُبُّ أَيْ إِثْمٍ. (۳)

پیامبر خبردار شد که ابا ایوب می خواهد همسر خود را بدون آنکه خطایی کرده باشد، طلاق دهد. آن حضرت فرمود: همانا طلاق آن زن گناه است.

از سوی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلْتَ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ مِنْ غَيْرِ مَا بَأْسَ فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ. (۴)

زنی که بی دلیل از شوهر خود تقاضای طلاق کند، بوی بهشت بر او حرام است.

امام باقر علیه السلام نیز روایت می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید و از او پرسید: ازدواج کرده ای؟ گفت: آری. پس از آن پرسید: با زنت چه کردی؟ [رفتارت با او چگونه است؟] گفت: طلاقش دادم. سؤال فرمود: بدون جهت؟ گفت: آری. حضرت فرمود: خداوند خشم می گیرد و لعنت می کند هر مرد و

۱- نهج الفصاحه، ص ۳۰۲، ح ۷۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۸.

۴- نهج الفصاحه، ص ۲۰۵، ح ۱۰۲۳.

زنی را که ذواق باشند و وسیله ناراحتی و ملال خاطر یکدیگر را به وسیله جدایی فراهم کنند. (۱)

### خودخواه نبودن

خودخواه نبودن

بسیاری از درگیری‌ها و تنش‌ها در کانون خانواده، در خودخواهی همسران ریشه دارد. آنها باید بدانند زندگی مشترک بر پایه کنار نهادن خودخواهی‌ها بنا می‌شود. دو نفر که هم فکر و هم دین و هم رأی هستند، باید بکوشند با نزدیک شدن به یکدیگر و پررنگ کردن نقاط اشتراک و وفاق، جمعی بزرگ‌تر از «من»، یعنی «ما» را تشکیل دهند. اگر خودخواهی در این میان رشد کند، چون آفتی، درخت «هم‌دلی» و «ما» را می‌خشکاند. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ؟ كُلُّ جَعْظَرِيٍّ جَوَاطِ مُشْتَكِبِرٍ جَمَاعٍ مُنَوِّعٍ. (۲)

آیا تو را از اهل جهنم آگاه نکنم؟ هر کس که خودپسند و خودخواه و متکبر و حریص و بخیل باشد، اهل دوزخ است.

همچنین می‌فرماید:

لَوْ لَمْ تُدْتَبِئُوا لَخَشِيتُ عَلَيْكُمْ بِأَشَدِّ مِنْ ذَلِكَ الْعُجْبِ الْعُجْبِ. (۳)

اگر گناه نمی‌کردید از چیزی بدتر از آن بر شما بیمناک بودم. (از خودخواهی، (از خودخواهی!

### فرزندخواهی

فرزندخواهی

وجود فرزند در زندگی مشترک، شادی بخش کانون خانواده و آرزوی فطری هر انسانی است. فرزند، مایه استحکام زندگی است و اولاد صالح، خیر

۱- غرر الحکم.

۲- نهج الفصاحه، ص ۲۰۵، ح ۴۵۵.

۳- نهج الفصاحه، ص ۲۰۵، ح ۲۲۵۱.

دنیا و آخرت را نصیب والدین خود می کند. بنابراین، کوتاهی در این امر جایز نیست. امام صادق علیه السلام نقل می کند:

إِنَّ فُلَانًا رَجُلٌ سَيِّئٌ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ زَاهِدًا فِي الْوَلَدِ حَتَّى وَقَفْتُ بِعَرَفَةَ فَمَازَا إِلَى جَنَبِي غُلَامٌ شَابٌّ يَدْعُو وَيَبْكِي وَيَقُولُ: يَا رَبِّ وَالِدَيَّ وَالِدَيَّ فَرَعَّنِي فِي الْوَلَدِ حِينَ سَمِعْتُ ذَلِكَ. (۱)

مردی گفت: من از اینکه صاحب فرزند شوم، جلوگیری می کردم تا اینکه در عرفات جوانی را دیدم که دعا می کرد و با گریه می گفت: «خدایا! پدر و مادرم، پدر و مادرم» پس از مشاهده این صحنه آرزو کردم فرزندی داشته باشم.

البته بر جنسیت، یعنی پسر یا دختر بودن فرزند، نباید اصرار داشت؛ زیرا هر دو در پیشگاه خداوند منزلت و جایگاه ویژه خود را دارند. یحیی بن زکریا به امام هادی علیه السلام (در نامه ای) نوشت که همسرم حامله است، دعا بفرمایید خدا پسری به من عطا کند. حضرت در پاسخ نوشت: چه بسا دختر از پسر بهتر باشد. اتفاقاً فرزندش دختر بود. (۲)

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ؛ از سعادت مرد آن است که فرزندانی داشته باشد تا از آنها یاری جوید.» (۳) همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ قَدَّمَتْ ثَلَاثَةَ أَوْلَادٍ فَهِيَ حِجَابٌ يَشْتُرُونَهُ مِنَ النَّارِ؛ زنی که سه فرزند داشته باشد، آنها برایش حجابی می شوند که او را از آتش می پوشانند.» (۴)

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۵.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۶.

۴- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۱۵.

## سفارش اسلام در حق دختران

سفارش اسلام در حق دختران

ابراز محبت به فرزندان، نیاز عاطفی و فطری آنهاست و نباید از آن دریغ شود و برآوردن این نیاز، وظیفه والدین است. در دین اسلام درباره محبت به دختر سفارش و تأکید بیشتری شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبِنَاتُ الْمُحَدَّرَاتُ؛ بهترین فرزندان شما دختران هستند.» (۱) امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

الْبِنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالْبُنُونَ نِعْمٌ وَالْحَسَنَاتُ يُثَابُ عَلَيْهَا وَالنِّعْمُ مَسْئُولٌ عَنْهَا. (۲)

دختران حسنه و پسران نعمت هستند. در حسنات پاداش و در نعمت ها سؤال و بازخواست است.

پیامبر رحمت با در نظر داشتن روحیه حساس دختران و عواطف‌رشار آنان، در روایتی دیگر می فرماید:

مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحَفَّهُ فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَهُ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِيحَ وَ لِيُيَدَّ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ وَمَنْ أَقْرَعَيْنِ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (۳)

کسی که داخل بازار شود و هدیه ای برای خانواده اش بخرد، مانند کسی است که به گروهی از نیازمندان صدقه داده باشد. پس باید هدیه را نخست به دختران بدهد، زیرا کسی که دخترش را خوش حال کند، چنان است که گویی از فرزندان اسماعیل بنده ای را آزاد کرده باشد و کسی که پسری را خوش حال کند، مثل این است که از ترس خدا گریسته است.

در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس سرپرستی سه دختر یا سه خواهر خود را برعهده گیرد، بهشت بر او واجب می شود». سؤال شد: اگر دو دختر یا دو خواهر باشند چه طور؟ حضرت فرمود: «اگر دو نفر

۱- کافی، ج ۶، ص ۶.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۰۶.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۲۲۱.



باشند نیز چنین است». سؤال شد: اگر یکی بودند چه؟ حضرت فرمود: «حتی اگر یک دختر یا خواهر باشد» (۱).

## مهمان نوازی

### مهمان نوازی

پذیرایی از مهمان، از سنت های ملی و مذهبی ماست و از سخنان رایج در فرهنگ ما این است که: «مهمان حبیب خداست». خداوند منان از مهمان داری حضرت ابراهیم علیه السلام چنین یاد می کند:

هَيْلُ أَتَاكَ حَيْدِيْتُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ، إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ  
فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ. (ذاریات: ۲۴ \_ ۲۷)

آیا داستان مهمانان گرامی حضرت ابراهیم را شنیده ای که چون بر او وارد شدند سلام کردند و او گفت: سلام بر مهمانان ناشناس، پس نزد خانواده خویش رفت و گوساله فربه ای آورد و نزد آنان گذاشت و گفت: چرا نمی خورید؟

یکی از اخلاق های حسنه خانواده متدین، مهمان نوازی و دوست داشتن مهمان است.

پیامبر گرامی اسلام در اهمیت پذیرایی از مهمان می فرماید: «الضَّيْفُ يَنْزِلُ بِرِزْقِهِ وَيَتَحَلُّ بِدُنُوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ مهمان با روزی خود وارد می شود و با گناهان اهل خانه می رود (باعث بخشودگی گناهان اهل خانه می شود). (۲).

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶۱.

نقل شده است که روزی علی علیه السلام محزون نشسته بود. چون دلیل حزن آن حضرت را پرسیدند، فرمود: «هفت روز است برای ما مهمان نیامده است».(۱)

از مهمان باید به هر صورت ممکن پذیرایی کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَخُوكَ فَأَعْرَضَ عَلَيْهِ الطَّعَامَ فَإِذَا لَمْ يَأْكُلْ فَأَعْرَضْ عَلَيْهِ الْمَاءَ فَإِنْ لَمْ يَشْرِبْ فَأَعْرَضْ عَلَيْهِ الْوُضُوءَ.(۲)

هنگامی که برادرت بر تو وارد شد، برایش غذا بیاور. اگر نخورد، آبیآور و اگر نخورد، امکانات وضو گرفتنش را فراهم ساز.

برکت زندگی، در آمدن مهمان و پذیرایی از اوست. پیامبرخاتم صلی الله علیه و آله در کلامی ارزشمند می فرماید: «كُلُّ بَيْتٍ

لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ؛ در هر خانه که مهمان بر آن وارد نشود، فرشتگان نیز داخل نمی شوند».(۳)

مهمان داری افزون بر پاداشی که در آخرت برای میزبان دارد، در افزایش صفا و صمیمیت میان مؤمنان نیز نقش بسزایی ایفا می کند. از این رو، پیشوایان معصوم علیهم السلام گاه در دیدار با مؤمنان از این مهم پرس و جو می کردند. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: حضرت به من فرمود: آیا برادرانت را دوست می داری؟ گفتم: بلی. فرمود: به نیازمندان ایشان سودی می رسانی؟ گفتم: آری! پس فرمود:

أَمَا أَنَّهُ يَحِقُّ عَلَيْكَ أَنْ تُحِبَّ مَنْ يُحِبُّ اللَّهُ أَمَا وَاللَّهِ لَا تَنْفَعُ مِنْهُمْ أَحَدًا حَتَّى تُحِبَّهُ.

۱- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۷۲۱.

۳- جامع الاخبار، ص ۳۷۸.

بر تو سزاوار است کسی را که خدا دوست می دارد، دوست بداری. به خدا سوگند تا فردی از آنها را دوست نداشته باشی، سودی به او نمی رسانی.

سپس پرسید: آیا آنها را به منزلت دعوت می کنی؟ به این پرسش امام علیه السلام نیز پاسخ مثبت دادم و گفتم: من غذا نمی خورم، مگر اینکه با من دو یا سه نفر یا بیشتر غذا بخورند. (۱)

امام علی علیه السلام می فرماید: «لَعَذَّةُ الْكِرَامِ فِي الْإِطْعَامِ وَ لَعَذَّةُ اللَّثَامِ فِي الطَّعَامِ؛ لذتبرگواران در خوراندن است و لذت فرومایگان در خوراک». (۲)

از آنچه گذشت در می یابیم که مهمان داری از ثمره های درخت سخاوت است و در ایجاد مودت و دوستی میان مؤمنان و ارتقای روحی و معنوی مهمان نواز، اثر فراوانی دارد.

## آداب مهمانی

### آداب مهمانی

میهمان و میزبان، وظایفی در برابر یکدیگر دارند که عمده این وظایف براساس بی تکلفی استوار است؛ یعنی میزبان از مرز توان خویش فراتر نرود و مهمان نیز بیش از توانایی میزبان از او انتظار نداشته باشد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

الْمُؤْمِنُ لَا يَحْتَشِمُ مِنْ أَخِيهِ وَ مَا أَدْرَى أَيُّهُمَا أَعْجَبُ؟ الَّذِي يُكَلِّفُ أَخَاهُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ أَنْ يَتَكَلَّفَ لَهُ أَوْ الْمُتَكَلِّفُ لِأَخِيهِ. (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۵۹.

۲- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۱۳۲.

۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۵۹.

مؤمن از برادرش رودربایستی ندارد. نمی دانم کدام عجیب تر است؟ آن که برادرش را و او می دارد تا وقتی بر او وارد شد برایش به زحمت افتد یا آن که به خاطر برادر (میهمانش) خود را به رنج می افکند؟

شایسته است، میزبان با روی گشاده به استقبال مهمان برود. در طول مهمانی با سخنانی خوش او را مسرور سازد. وسایل آسایش و راحتی وی را آن گونه که رسم است، فراهم آورد. مهمان را به کار نگیرد. رفتاری نکند که مهمان احساس مزاحمت کند. در بهداشت و پاکیزگی غذا، ظرف ها و محل پذیرایی از مهمان دقت کند. در فراهم کردن اسباب بازگشت او شتاب نرزد، ولی اگر خودش تصمیم به رفتن گرفت، بدرقه اش کند.

رسول گرامی اسلام فرمود:

مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ. (۱)

از جمله حقوق مهمان این است که همراه او بروی و تا در خانه ات او را بدرقه کنی.

همچنین میزبان باید با مهمان غذا بخورد. برای پذیرایی، غذای کافی و مناسب فراهم آورد. پیش از مهمان شروع به خوردن غذا کند و پس از او از آن دست بکشد.

## مقام والدین

مقام والدین

در قرآن، مقام والدین و به ویژه مادر به گونه ای است که لزوم احسان به ایشان در کنار عبادت خدا مطرح شده است و پرستش خدا با نیکی به پدر و مادر کامل می شود. امام رضا علیه السلام می فرماید:

خداوند فرمان داده است که بندگانش از او و پدر و مادرشان شکرگزاری کنند. پس کسی که پدر و مادرش را سپاس نگوید، از خدا هم سپاس‌گزاری نکرده است. (۱)

استواری و قوام جامعه در گرو پیوند محکم خانواده است و استواری خانواده نیز در سایه احترام به پدر و مادر به دست می‌آید. خانواده‌ای که در آن وجود پدر و به ویژه مادر نادیده گرفته شود، از زحمات آنها سپاس‌گزاری نشود، نقش پدر و مادر کم‌رنگ گردد، به آنها بی‌احترامی شود و هنگام بیماری و پیری به شایستگی پرستاری نشوند، متزلزل و سست بنیان خواهد شد و این همان بلایی است که امروز دنیای غرب گرفتار آن شده است. نهاد خانواده در غرب، متلاشی شده، روابط عاطفیان بین رفته و معاشرت‌های فامیلی بی‌معنا شده و واژه پدر و مادر، مفهوم و جایگاه خود را از دست داده است.

امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از نیکی به پدر و مادر پرسید. حضرت سه بار فرمود به مادرت نیکی کن! سپس سه بار فرمود به پدرت نیکی کن! (۲) و بدین سان نیکی به مادر را مقدم داشت.

### خانه سالمندان، جنایتی نابخشودنی

خانه سالمندان، جنایتی نابخشودنی

پدر و مادر با گذشت زمان و بر اثر مشکلات زندگی و سختی‌های پرورش فرزند، پیر می‌شوند. پس باید در این دوران تلاش‌های مخلصانه آنها را بیش از

۱- صدوق، عیون اخبار الرضا، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

گذشته ارج نهمیم و با نگاه تند و سخنان درشت دلشان را نیاز داریم که خدا و پیامبر درباره آنها سفارش ها کرده اند.

در قرآن، سفارش به قدردانی و سپاس از پدر و مادر و احترام و اکرام آنها در کنار عبادت خدا آورده شده و بی احترامی به هر کدام، کیفر دنیوی و اخروی دارد. در زندگی ماشینی امروز و در فرهنگ تهی از عاطفه و انسانیت غرب زدگان، والدین، به خانه سالمندان سپرده می شوند؛ خانه ای که افرادی هم درد و رنجور در آن گرد آمده اند و به گذشته مشقت بار و آینده مبهم خود می اندیشند. آنان بر بی توجهی فرزندان خویش تأسف می خورند، تمامی آرزوهای خود را نقش بر آب می بینند و چه بسا بر اثر بی مهری فرزندان، به افسردگی و بیماری های روانی مبتلا می شوند. حقیقت آن است که بیشتر فرزندان برای راحتی خود و نه از سر توجه و دل سوزی به والدینشان، آنها را از خانه می رانند و به خانه سالمندان می سپارند. در آسایشگاه سالمندان، به لحاظ مادی به آنان رسیدگی می شود، ولی به لحاظ روحی و روانی در عذابند. آنها آرزو می کنند روز و شب را در کنار فرزندان و نوادگان باشند. پس بیاییم بیش از گذشته قدردان زحمات آنان باشیم و در میان خود، از آنان مراقبت کنیم.

### توجه به همسایه

توجه به همسایه

گرامی داشت و احترام به همسایه، از سفارش های اکید اسلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَيَّ الْاِنْسَانِ كَحُرْمَةِ اُمِّهِ؛ احترام به همسایه، مانند احترام به مادر بر انسان لازم است».<sup>(۱)</sup>

امام سجاد علیه السلام یکی از حقوق همسایگان را بر یکدیگر، رازداری می داند و می فرماید: «فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سُوءاً سَتَرْتَهُ عَلَيْهِ؛ چنانچه بر عیب همسایه ات آگاه شدی، باید آن را مخفی داری» (۱).

ارتباط خوب همسایگان با یکدیگر، سرچشمه برکات فراوانی است. یکی از این برکات آبادانی شهرها و طول عمر انسان است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «حُسْنُ الْجَوَارِ يَعْمُرُ الدِّيَارَ وَيَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ؛ همسایه داری نیکو، شهرها را آباد و عمرها را طولانی می کند» (۲).

ایشان در جای دیگر، خوش رفتاری با همسایه را سبب افزایش روزی می داند و می فرماید: «حُسْنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ همسایه داری نیکو، روزی را زیاد می کند» (۳).

آمزش گناهان نیز پاداش کسانی است که همسایه از آنان راضی باشد. پیامبر خدا می فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَهُ جِيرَانٌ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ رَاضُونَ عَنْهُ غُفِرَ لَهُ؛ هر کس بمیرد، در حالی که سه همسایه داشته باشد و همگی از او راضی باشند، آمرزیده می شود» (۴).

غفلت از حال همسایگان و بی توجهی به حقوق آنان در اسلام نکوهش شده است. پیامبر رحمت در این باره می فرماید: «مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ وَ جَارُهُ جَائِعٌ؛ به من ایمان نیاورده است کسی که با شکم سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه است» (۵).

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۷.

۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳.

۴- حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ. ق، چ ۲، ج ۸، ص ۴۲۲.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۸.

## صله رحم

## صله رحم

صله رحم، پیوند با خویشان است؛ خواه محرم باشند و خواه نامحرم. اسلام به منظور استواری پیوندهای خویشاوندی و روابط خانوادگی، صله رحم و احسان به بستگان را ارزش اسلامی قرار داده و در اهمیت آن، همین بس که خدای متعالی آن را در ردیف پرستش خویش و نیکی به والدین قرار می دهد و می فرماید:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ - وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ. (نساء: ۳۶)

و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشان نیکی کنید.

در جای دیگر می فرماید:

وَ اتَّقُوا اللَّهَ - الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ - كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا. (نساء: ۱)

بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید. همانا خداوند مراقب شماست.

پیامبر گرامی اسلام نیز درباره اهمیت صله رحم می فرماید:

أَوْصِي السَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَ الْغَائِبَ مِنْهُمْ وَ مَنْ فِي أَصْيَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَ إِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرِهِ سَنَةٌ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ. (۱)

به حاضران و غائبان امتم و به آنان که از صلب های مردان و رحم های زنان تا روز قیامت به دنیا می آیند، سفارش می کنم که صله رحم کنند، گرچه مستلزم پیمودن یک سال راه باشد؛ زیرا صله رحم از (مسائل مهم) دین است.



حضرت علی علیه السلام نیز به فرزندش درباره صله رحم سفارش می کند و می فرماید:

أَكْرِمَ عَشِيرَتِكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَضْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ. (۱)

خویشانت را گرامی بدار؛ زیرا آنان بال و پر تو هستند که با آنان پرواز می کنی و اصل و ریشه تو هستند که به ایشان باز می گردی و دست تو هستند که با آنها حمله می کنی.

یاری خویشان و بستگان، در فطرت انسان ریشه دارد و اسلام نیز بر این امر فطری تأکید فراوانی کرده است. حمایت از خویشاوندان اقسامی دارد. یک نوع آن کمک جانی است که بزرگ ترین مرتبه صله رحم به شمار می آید و آن، فداکاری برای نجات جان بستگان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ لِيَصِلَ رَحِمَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَعَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ مَاءٍ شَهِيدٍ. (۲)

هر کس با جان و مالش صله رحم کند، خدای متعالی اجر صد شهید به او می دهد.

پس از این مرتبه، رسیدگی مالی به خویشان قرار دارد. اگر در میان بستگان افرادی نیازمند باشند، رسیدگی مالی به ایشان واجب و از اهمیت بالایی برخوردار است. تا آنجا که قرآن کمک به بستگان را جزو حقوق مالی قرار

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۳۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۷.

می دهد و آن را حقی واجب ذکر کرده است و می فرماید: «وَأْتِ ذَاقُ رَبِّي حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ؛ حقوق خویشاوندان و مسکین را ادا کن». (اسراء: ۲۶)

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز می فرماید: «فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ قَرَابَتَهُ؛ کسی که خدا ثروتی به او داده است، باید از بستگان خویش دست گیری کند». (۱)

از دیگر اقسام حمایت از خویشان، کمک فکری به بستگانی است که به راهنمایی نیاز دارند. نوع دیگر، حمایت عاطفی است. در حقیقت هدف از صله رحم، همین برقراری ارتباط و پیوند عاطفی با خویشاوندان است که از راه های گوناگونی امکان پذیر است؛ رفتن به منازل خویشان، سلام و احوال پرسی، تلفن زدن و نامه نوشتن محبت ایجاد می کند و سبب دل جوایی از ایشان می شود. امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِالتَّسْلِيمِ؛ با بستگان خود صله رحم کنید، گرچه با سلام کردن باشد». (۲)

### برکات رسیدگی به خویشان

برکات رسیدگی به خویشان

صله رحم، برکت های فراوانی دارد که یکی از آنها طول عمر است. امام رضا علیه السلام در این باره فرمود:

يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَصِيرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. (۳)

چه بسا مردی که تنها سه سال از عمرش باقی مانده است، ولی خدا به خاطر صله رحم، باقی مانده عمرش را به سی سال می رساند و خدا آنچه می خواهد، انجام می دهد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲، ص ۴۳۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

شخصی به نام مَیْسِر نقل می کند که امام باقر یا امام صادق علیهما السلام به او فرمود: «ای مَیْسِر! گمان می کنم به خویشان خود نیکی می کنی؟» گفتم: آری فدایت شوم! من در نوجوانی در بازار کار می کردم و دو درهم مزد می گرفتم. یک درهم آن را به عمه و درهم دیگر را به خاله ام می دادم. امام فرمود: «به خدا سوگند تاکنون دوبار مرگت فرا رسیده، ولی به دلیل صله رحم به تأخیر افتاده است.» (۱)

از دیگر برکات صله رحم، فراوانی روزی است. حضرت سجاد(ع) می فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ وَ أَنْ يَنْسُطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ. (۲)

هر کس دوست دارد خدا عمرش را طولانی کند و روزی اش را افزایش دهد، باید صله رحم کند.

صله رحم در خوش خویی آدمی نیز نقش دارد؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «صَلِّهِ الْأَرْحَامَ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ؛ رسیدگی به خویشان، اخلاق را نیکو می کند.» (۳)

حساب رسی آسان در محکمه عدل الهی نیز از دیگر برکت های صله ارحام است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

صِلَّةُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... وَ تَقِي مَصَارِعَ الشُّوْءِ. (۴)

رسیدگی به خویشان، حساب روز قیامت را آسان... و از مرگ بد جلوگیری می کند.

نکته پایانی اینکه امام باقر علیه السلام می فرماید: «صَلِّهِ الْأَرْحَامَ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوْءَ؛ رسیدگی به خویشان، اعمال را پاک می کند و بلا را دور می سازد.» (۵)

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۶۴.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۶.

۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۴.

۴- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۴.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.

## نکوهش قطع رحم

### نکوهش قطع رحم

قطع رحم و رسیدگی نکردن به خویشان و بستگان، در اسلام به شدت نکوهش شده است و خداوند متعالی کسانی را که با خویشاوندان خود قطع رابطه می کنند، لعن و نفرین کرده است. در قرآن مجید می خوانیم:

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ (محمد: ۲۲ و ۲۳)

پس آیا باز هم امید دارید؟ اگرچه از فرمان خدا روی گردان شوید، یا در زمین فساد کنید و قطع رحم نمایید. آنها کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده است.

امام صادق(ع) از قول جد بزرگوارش امام سجاد(ع) چنین نقل کرده است:

إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْقَاطِعِ لِرَحْمِهِ فَإِنَّهُ وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي ثَلَاثِ مَوَاضِعَ (۱).

از هم نشینی و دوستی با کسی که با بستگانش قطع رابطه کرده پرهیز؛ زیرا چنین کسی را در سه جا (۲) از کتاب خدا لعن شده یافته ام.

ایشان در جای دیگر می فرماید:

نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي يُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ تَقَرَّبُ الْأَجَالَ وَ تُحَلِّي الدِّيَارَ وَ هِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْعُقُوقُ وَ تَوَكُّ الْبِرِّ (۳).

به خدا پناه می بریم از گناهایی که مایه تسریع نابودی است و مرگ ها را نزدیک و سرزمین ها را از سکنه خالی می سازد و آن گناهان، قطع رحم، عاق پدر و مادر و ترک احسان و نیکی است.

بر اساس آنچه گذشت، در می یابیم که قطع رحم از جمله گناهان کبیره به شمار می آید.

۱- نک: سفینه البحار، ج ۱، ماده رحم.

۲- بقره: ۲۷؛ رعد: ۲۵؛ محمد: ۲۲ و ۲۳.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۴.



## فصل سوم: اخلاق اجتماعی

### اشاره

فصل سوم: اخلاق اجتماعی

زیر فصل ها

پرهیز از بخل

گذشت

حدود عفو و بخشش

خشم و پی آمدهای آن

روش های فروبردن خشم

وفای به عهد

پی آمدهای پیمان شکنی

اهمیت نظم و انضباط

برکات نظم و انضباط

پی آمدهای بی نظمی

عدالت ورزی

پرهیز از مقابله به مثل در بدی ها

پیشی جستن در کار خیر

استفاده از محضر دانشمندان

اصلاح ذات البین و میانجی گری

برآورده ساختن نیاز مردم

سلام کردن به دیگران

آداب سلام کردن

عزت خواهی

خدمت به دیگران

حلم ورزی

بردباری، زینت مدیران

اهمیت هم نشین

پرهیز از غیبت

مزاح و شوخی

صدقه دادن

پر حرفی

چاپلوسی

خیانت

مردم آزاری

دروغ گویی

چشم چرانی

دخالت در کار دیگران

خودبزرگ بینی

حسد

استهزا و تحقیر

سنجیده گوئی

شکیبایی

میانہ روی در زندگی

دوری از تہمت

استبداد

دوستان حقیقی

اطاعت ناپسند

سعه صدر، مایہ سروری

صبر و ظفر

فروختن دین بہ دنیا

مراقبت از زبان

افشای نیکی ہا و پوشاندن زشتی ہا

نرم خوئی و فروتنی

حق گوئی و حق گرای

عزت خواهی و دوری از تکبر

ریاست طلبی

کینہ توزی

پرهیز از قہر

نیرنگ بازی



## پرهیز از بخل

### پرهیز از بخل

یکی از صفات ناپسند اجتماعی، «بخل» است. بخل یعنی ندادن آنچه باید داد یا خودداری کردن از بخشش در جایی که باید بخشید. (۱) قرآن مجید در نکوهش بخل می فرماید:

کسانی که (در ادای) آنچه خدا از فضل خود به ایشان عطا فرموده، بخل می ورزند به گونه ای که گمان نکنند این خیر ایشان است. بلکه این شرّ است از برای ایشان و زود باشد که در روز قیامت آنچه را بخل کرده اند، طوق شود و بر گردن ایشان افتد. (آل عمران: ۱۸۰)

خداوند متعالی نیاز نیازمند را در ثروت و دارایی ثروتمندان قرار داده است. از این رو، توانگران باید دست نیازمندان را بگیرند و به آنان کمک رسانند و این گونه از نعمت ثروت شکرگزاری کنند. سعدی در دوری از بخل و رو آوردن به بخشندگی می سراید:

نشته است بر گور بهرام گور

که دست کرم به ز بازوی زور

بنابراین، بزرگی در دنیا و سعادت آخرت، در وانهادن بخل و گام برداشتن به سوی سخاوت و بخشندگی است و به قول سعدی:

نماند حاتم طائی ولیک تا به ابد

بماند نام بلندش به نیکویی مشهور

زکات مال به در کن که فضله زُر را

چون باغبان بزند، بیشتر دهد انگور

امام علی علیه السلام می فرماید: «بخل، از بدگمانی به خداوند سرچشمه می گیرد»؛<sup>(۱)</sup> چرا که بخیل گمان می کند، اگر انفاق کند مالش کم می شود و خداوند دوباره قادر به افزایش مال او نیست. امام محمدباقر علیه السلام می فرماید:

مَا مِنْ عَبْدٍ يَخْلُ بِنَفَقِهِ يُنْفِقُهَا فِيْمَا يُرِضِي اللَّهَ إِلَّا ابْتُلِيَ بِأَنْ يُنْفِقَ أَضْعَافُهَا فِيْمَا أَسَخَطَ اللَّهَ. (۲)

هر کس از انفاق در جاهایی که مورد رضایت خداوند است، بخل بورزد، ناچار می شود چندین برابر آن را در آنچه مورد خشم خداوند است، خرج کند.

بخیل همانند منبع آبی است که آب را جمع می کند، ولی پخش نمی کند و مورد نفرت همه اطرافیان قرار می گیرد. از این رو، امام علی علیه السلام می فرماید: «بخل، صاحب خود را حقیر و بی ارزش می کند و عرض و آبروی انسان را بر باد فنا می دهد».<sup>(۳)</sup>

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- سفینه البحار، ماده بخل.

۳- معراج السعاده، ص ۳۸۹.

بخل ورزیدن فقط در مال و ثروت نیست، بلکه هر نعمتی که خداوند به انسان بخشیده است، ممکن است به آن بخل شود. چه بسیار عالمان و دانشمندان که می توانستند دیگران را از دانش خویش بهره مند سازند، ولی بخل ورزیدند و آموخته های خویش را به دیگران منتقل نکردند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

در کتاب علی علیه السلام خواندم که نوشته بود: خدا از نادانان پیمانی برای طلب علم نمی گیرد تا آنکه از علما پیمان گیرد که به آنها علم آموزند؛ زیرا علم بر جهل مقدم است. (۱)

## گذشت

### گذشت

یکی از صفات بسیار پسندیده، گذشت در برابر لغزش دیگران است. در قرآن کریم، گذشت از کسانی که سخنان تند بر زبان می آورند، ستایش شده است:

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ. (بقره: ۲۶۳)

گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونت های آنان)، از بخششی که آزاری در پی آن باشد، برتر است و خداوند، بی نیاز و بردبار است.

گذشت، از مکارم اخلاق و به گفته امام علی علیه السلام تاجی زینت بخش بر سر همه آنهاست: «الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ؛ گذشت، زینت بزرگواری هاست.» (۲) این خصلت پسندیده، روح و روان را شاد و عواطف و احساسات انسان دوستانه را زنده می کند، کینه ها و دشمنی ها را می زداید و سبب می شود که دشمن دست از دشمنی بردارد و به دوستی و محبت روی آورد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

۱- همان، ح ۲.

۲- شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴۰.

«إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ؛ اِذَا بَرَّ دَشْمَنَتَ چیره گشتی، بخشیدن وی را سپاس چیرگی بر او قرار بده» (۱).

قرآن مجید به مؤمنان سفارش می کند که حتی در برابر لغزش کافران و منکران قیامت، خویشتن دار باشند و اگر مفسده نداشته باشد، از آنان درگذرند و کار آنها را به خدا واگذارند:

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ . (جاثیه: ۱۴)

به آنان که ایمان آورده اند بگو: کسانی را که روزهای (واپسین) خدا را امید ندارند، عفو کنند.

پیشوایان بزرگوار اسلام در سیره عملی خود، انسان های با گذشت و بزرگواری بودند. برخورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشرکان در فتح مکه، الگویی شایسته برای همیشه تاریخ است. آن حضرت چنان بزرگوارانه از سرسخت ترین دشمن خود یعنی ابوسفیان و زن خون خوار او هند درگذشت، که همگان را به شگفتی واداشت. ایشان نه تنها آنان را که قاتل عزیزترین عمو و یارش یعنی حمزه سیدالشهدا بودند بخشید، بلکه خانه شان را نیز پناه گاه اعلام کرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ مُرَوِّتِنَا الْعَفْوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا؛ ما خاندانی هستیم که جوان مردی مان، گذشت از کسی است که بر ما ستم کرده است» (۲).

آنان پیروان خویش را نیز به گذشت فرامی خواندند، چنان که امام علی علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر می نویسد:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۱.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۰۱.

فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ. (۱)

آنان (مردم) را از عفو و چشم پوشی خویش برخوردار ساز، به گونه ای که دوست می داری خداوند تو را از عفو و چشم پوشی خود برخوردار سازد.

گذشت، احساس شخصیت و بزرگی به انسان می بخشد و بر قدرت روحی او می افزاید و کنترل خشم و غضب، قدرت تصمیم گیری انسان را بالا می برد. انتقام گیر، همواره احساس رنج و عذاب می کند و تلاش های انتقام جویانه او، در واقع سرپوشی بر احساس درونی اش است. فرق انسان با گذشت و انسان انتقام جو در آن است که اولی به هدایت و اصلاح مخالف خود می اندیشد و دومی به مخفی کردن احساس نیاز و کمبود خود. اولی از توان مندی و قدرت خود اطمینان خاطر دارد و دومی تردید؛ از این رو، با انتقام در پی کسب قدرت برای خویش است.

### حدود عفو و بخشش

حدود عفو و بخشش

پیشوایان بزرگوار اسلام به همان اندازه که بر بخشش اشخاص لایق تأکید کرده اند، پیروان خود را از گذشت در حق فرومایگان بازداشته اند.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره فرمود:

الْعَفْوُ يُفْسِدُ مِنَ اللَّئِيمِ بِقَدْرِ إِصْلَاحِهِ مِنَ الْكَرِيمِ. (۲)

گذشت به همان اندازه که بزرگوار را اصلاح می کند، فرومایه را تباه می سازد.

همچنین، امام زین العابدین علیه السلام در رساله حقوق خود می فرماید:

۱- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص ۹۹۳.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۱۹.

وَحَقُّ مَنْ سَاءَ كَأَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ يَضُرُّ ائْتَصَرْتَ. (۱)

حق کسی که به تو بدی کرده، آن است که از او بگذری، ولی اگر عفو وی را زیان بار دانستی، می توانی عقوبتش کنی.

آن حضرت کسی را که از روی دانش و آگاهی مرتکب جرمی شده، شایسته عفو نمی داند و می فرماید: «الْمُذْنِبُ عَلَى بَصِيرَةٍ غَيْرٍ مُسْتَحِقٌّ لِلْعَفْوِ؛ آن که با بصیرت بر زشتی گناه، مرتکب آن می شود، سزاوار عفو نیست». (۲)

نکته دیگر آن است که اگر به حقوق جامعه تجاوز شود، چون به حدود الهی و سعادت عمومی مربوط است، ناگزیر باید حدود، اجرا و حقوق، ادا گردد. قانون و حرمت مال، جان، عرض و ناموس مردم، همچون مرز و حصار است که گرداگرد جامعه کشیده شده تا مردم در پناه آن در امنیت و آسایش زندگی کنند. اگر این مرز بشکند و قانون با عنوان هایی همچون عفو و گذشت اجرا نگردد، زمینه هرج و مرج و ناامنی فراهم و ادامه زندگی برای مردم دشوار خواهد شد. از این رو، قرآن کریم در کنار سفارش های فراوان به گذشت و چشم پوشی، وقتی به اجرای حدود الهی و ادای حقوق اجتماعی می رسد، چنین ترحم هایی را نابجا می داند و به صراحت از آن نهی می کند و می فرماید: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ؛ در اجرای حکم خداوند بر آنان، گرفتار عاطفه و نازک دلی بیجا نشوید». (نور: ۲)

## خشم و پی آمدهای آن

خشم و پی آمدهای آن

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹.

۲- شرح غررالحکم، ح ۱، ص ۳۹۱.

یکی از غرایز نیرومند در آدمی، خشم است. این غریزه، نیروی دفاعی انسان را در برابر عواملی که حیات و سلامت او را تهدید می کند، دوچندان می سازد. با برانگیخته شدن غریزه خشم، تغییراتی در جسم و روح آدمی روی می دهد که بر اثر آن، نیروی شخص خشمگین و قدرت دفاعی او تا حد زیادی افزایش می یابد. از خشم، در بعضی روایات به آتش تعبیر شده است. این تعبیر لطیف، هم ضرورت وجود خشم را در آدمی نشان می دهد و هم درباره پی آمدهای تلخ رهاساختن و کنترل نکردن این نیروی سترگ هشدار می دهد. این غریزه برای حیات بشر، هم ضروری و سودمند است و هم نیازمند مراقبت شدید و جدی؛ چرا که اگر بی قیدوبند و آزادانه اعمال گردد، ریشه های سعادت فرد و جامعه را می سوزاند و دین و دنیای آدمی را بر باد می دهد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «اِحْدِرُوا الْعُضْبَ فَإِنَّهُ نَارٌ مُحْتَرِقَةٌ؛ از خشم بپرهیزید که آتشی سوزاننده است».<sup>(۱)</sup>

مولوی نیز چنین سروده است:

چون ز خشم، آتش تو در دل ها زدی

مایه نار جهنم آمدی

آشت اینجا چو آدم سوز بود

آنچه از وی زاد، مردافروز بود

خشم تو، تخم سعیر و دوزخ است

هین بکش این دوزخت، کین محنت است

---

۱- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۷۳.

همان گونه که فرماندهان کاردان مراقبند تا حد امکان دیرتر آتش جنگ را برافروزند و زودتر دستور آتش بس بدهند، خردمندان نیز تا می توانند، اعمال خشم را به تعویق می اندازند و اگر غضب کردند، در فرونشاندن آن شتاب می کنند. امام علی علیه السلام می فرماید: «كُنْ بَطِيءَ الْغَضَبِ سَيْرِيحِ الْفَيْءِ مُجِبًّا لِقَبُولِ الْعُذْرِ؛ دیرخشم باش، به سرعت خشم خود را فرو بر و دوست دار پذیرش عذر باش».(۱)

نیروی خشم اگر از حد ضرورت فراتر رود و از کنترل اراده آدمی خارج شود، همچون آتشی سوزان هرچه را بر سر راه خود بیابد، می سوزاند و تباہ می کند و پی آمدهای شومی برای صاحبش و دیگران به بار می آورد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الْغَضَبُ نَارٌ مُوقَدَةٌ مَنْ كَظَمَهُ أَطْفَأَهَا وَمَنْ أَطْلَقَهُ كَانَ أَوَّلَ مُحْتَرِقٍ بِهَا.(۲)

خشم، آتشی سوزنده است؛ هر که آن را فرو خورد خاموشش ساخته و هر که آزادش گذارد، خود او اول کسی است که در شعله اش می سوزد.

تا زمانی که زمام انسان در اختیار عقل است، در مسیر مصلحت خویش گام برمی دارد. زیاده روی در خشم، چراغ روشن عقل را تیره و بی فروغ می سازد و انسان، بی چون و چرا به فرمان خشم خالی از شعور گردن می نهد و دیگر مصلحت را تشخیص نمی دهد تا به سویی گام بردارد. امام علی علیه السلام فرمود: «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ وَيُبْعِدُ مِنَ الصَّوَابِ؛ خشم، خردها را تباہ و آدمی را از مسیر درست دور می سازد».(۳)

۱- شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۶۰۷.

۲- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۷.

۳- شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۷.



پی آمد دیگر کنترل نکردن خشم، پشیمانی است. با فرونشستن شعله های خشم، دیدگان خرد به تدریج به روشنی می گراید و قوه تفکر و اندیشه در فرد به کار می افتد. در این هنگام وی آنچه را در دوره کوتاه حاکمیت خشمش بر او گذشته ارزیابی می کند و حتی اگر محکمه و قاضی و مجازاتی هم در کار نباشد، یادآوری آن سخنان زشت، نسبت های ناروا، پرده دری ها، خارج شدن از چارچوب فضیلت های انسانی و گاه ارتکاب جرم و جنایتی جبران ناپذیر، پیوسته او را عذاب خواهد داد که چرا چنین کرده ام. پس پشیمان می شود، ولی این پشیمانی دیگر سودی ندارد. امام علی علیه السلام در سخنی هشداردهنده می فرماید: «إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأَوَّلُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ؛ از خشم دوری کن که آغازش جنون و پایانش پشیمانی است».<sup>(۱)</sup>

### روش های فروبردن خشم

#### روش های فروبردن خشم

خشم، انسان را در معرض گناهان مهلکی قرار می دهد و چنان عقل و خرد را ضعیف می کند که ممکن است انسان در این حالت به جرم های بزرگ و جبران ناپذیری دست بزند. در چنین شرایطی، به ندرت می توان به خیر و صلاح اندیشید و راه درست را در پیش گرفت. راه جلوگیری از پی آمدهای شوم خشم، کظم غیظ یعنی فرونشاندن هیجان درونی است.

برای مهار خشم نابجا، باید عواملی را که سبب پیدایش خشم یا تشدید آن می شوند، بشناسیم. این عوامل بسیارند، ولی می توان آنها را به دو گروه کلی تقسیم کرد. نخست عوامل درونی است که به خود شخص بازمی گردد و از درون وجود او سرچشمه می گیرد؛ مانند کبر، عجب، حرص، حسد و دومین

گروه، عوامل بیرونی است که از خارج خشم انسان را برمی انگیزد؛ مثل زیاده خواهی، لجاجت، دشمنی و تعصب نابجای دیگران.

عوامل درونی را می توان با خودسازی و تزکیه نفس ریشه کن ساخت، ولی عوامل خارجی را به دلیل آنکه هم گسترده اند و هم در اختیار شخص نیستند، کمتر می توان کنترل کرد. با وجود این، با کنترل عوامل درونی و تهذیب نفس می توان بر عوامل بیرونی نیز چیره شد. برای این منظور، انسان باید اراده خود را چنان تقویت کند و بر غریزه خشم خود به اندازه ای مسلط شود که این غریزه در هر موقعیتی پیرو عقل و اراده او شود، نه حاکم بر آن.

راه دیگر کنترل خشم و غضب، توجه به روایاتی است که درباره فضیلت فروخوردن خشم و پاداش این عمل نقل شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ؛ آن که خشم خود را بازدارد، خداوند عذاب خود را از او باز خواهد داشت».<sup>(۱)</sup>

راه دیگر، به یاد آوردن شدت عذاب الهی، قدرت عظیم و حاکمیت مقتدرانه اوست و اینکه قدرت انسان بر کسی که بر او خشم گرفته در برابر قدرت بی پایان خداوند ناچیز است و نیاز او به عفو و چشم پوشی الهی، به مراتب بیشتر از نیاز مردم به عفو اوست. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا يَا ابْنَ آدَمَ اذْكُرْنِي حِينَ تَغْضَبُ، اذْكُرْكَ عِنْدَ غَضَبِي.<sup>(۲)</sup>

در تورات نوشته شده: ای فرزند آدم! مرا هنگام خشمت به یاد آور تا تو را هنگام خشم خود به یاد آورم.

۱- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۳۰۸.

۲- کافی، چ ۲، ص ۳۰۴.

سکوت و آرامش نیز در فرونشاندن خشم مؤثر است. امیرمؤمنان، علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «وَدَاوُوا الْعُضْبَ بِالصَّمْتِ؛ خشم را با سکوت درمان کنید.»<sup>(۱)</sup> در برخی روایات نیز تغییر حالت از ایستاده به نشسته و برعکس سفارش شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَإِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيَقُمْ.<sup>(۲)</sup>

هر که در حال ایستاده خشمگین شد، بنشیند. با این کار وسوسه شیطان از بین می رود و اگر نشسته است نیز زود برخیزد.

امام سجاد علیه السلام فروخوردن خشم و خاموش کردن آتش غضب را زیور صالحان و زینت تقوای پیشگان می داند و توان چنین کاری را از خداوند می طلبد و عرض می کند:

حَلْنِي بِحَلِيهِ الصَّالِحِينَ وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسِطِ الْعَدْلِ وَكَظْمِ الْغَيْظِ وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ.<sup>(۳)</sup>

بارالها، مرا به زیور صالحان بیارای و زینت متقین را بر من بپوشان تا عدل را بگسترانم و خشم را فروشانم و شعله های سوزان دشمنی را خاموش سازم.

امام محمد باقر علیه السلام درباره پاداش فروخوردن خشم فرموده است:

مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِمْضَائِهِ حَشَى اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنَا وَإِيمَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>(۴)</sup>

هر کس خشم خود را فرونشاند، در حالی که می تواند آن را اظهار کند، خداوند در روز قیامت قلب او را از ایمنی و ایمان پر می کند.

۱- شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۴.

۳- صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق.

۴- بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۰۳.

## وفای به عهد

وفای به عهد

وفای به عهد و پیمان، یکی از اصول اساسی زندگی اجتماعی است که در آموزه های اسلامی بسیار بر آن تأکید شده است. خداوند متعالی در قرآن کریم، خود را وفادارترین عالم معرفی می کند: «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؛ چه کسی به پیمانش وفادارتر از خداست؟» (توبه: ۱۱)

همچنین احتمال پیمان شکنی را درباره خود قاطعانه رد می کند: «فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ؛ خداوند هرگز پیمان شکنی نمی کند». (بقره: ۸۰)

از سوی دیگر، بارها بندگان مؤمن خویش را نیز به وفاداری و پای بندی به تعهداتشان دعوت می کند و از پیمان شکنی و بی وفایی باز می دارد و به ستایش از وفاداران به عهد و پیمان می پردازد: «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ؛ کسانی که به عهد الهی وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند». (رعد: ۲۰)

خداوند در آیه دیگری از مؤمنان می خواهد، به هر پیمانی که می بندند وفا کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها وفا کنید». (مائده: ۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز وفای به عهد را از شرایط اساسی ایمان و سرپیچی از آن را در حکم بی دینی و بی ایمانی می داند و می فرماید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَاعَهْدَ لَهُ؛ کسی که به پیمانش وفادار نیست، دین ندارد.» (۱)

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر، وفای به عهد را عمومی ترین قانون اجتماعی معرفی می کند و می فرماید:

اگر با دشمن پیمان بستنی تا او را در پوشش پناه خویش بگیری، به پیمان خویش وفادار بمان و ذمه ات را با امانت کامل پاس دار و جان خود را سپر عهد و پیمان خویش قرار ده که در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفای به عهد مورد اتفاق عموم مردم جهان، با وجود تمام اختلاف هایی که با هم دارند، نیست تا آنجا که مشرکان نیز پیش از اسلام در روابط خود بدان پای بند بودند؛ چرا که خاطرات تلخی از پیمان شکنی داشتند. (۱)

### پی آمدهای پیمان شکنی

پی آمدهای پیمان شکنی

اسلام، به همان اندازه که بر وفاداری به عهد و پیمان تأکید می ورزد، پیمان شکنی و بی وفایی را نکوهش می کند. قرآن کریم بیشترین زیان های پیمان شکنی را متوجه شخص پیمان شکن می داند و می فرماید: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ؛ هر کس پیمان شکنی کند، در حقیقت به زیان خویش پیمان شکنی کرده است». (فتح: ۱۰)

از پی آمدهای پیمان شکنی، بی اعتمادی عمومی است. احساس اعتماد متقابل، محکم ترین پشتوانه برای فعالیت های اجتماعی و همکاری های وسیع مردمی است. روزی که وفای به عهد از میان جامعه بشری رخت بر بندد و پیمان ها یکی پس از دیگری شکسته شود، جامعه به ظاهر متشکل نیز به اجزایی پراکنده و ناتوان تبدیل خواهد شد؛ زیرا بزرگ ترین سرمایه اش، یعنی اعتماد عمومی، به غارت رفته است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَىٰ مَوَدَّةِ مَنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ؛ بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی کند، اعتماد مکن». (۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۹۵۴.

۲- شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۲۸۳.

پیمان شکن، در دنیا از ارزش و اعتبار خود می کاهد و چنان خوار می شود که نه دشمن از او حساب می برد و نه دوست به پیمان هایش اعتماد می کند. در آخرت نیز گرفتاری های بزرگی در پیش دارد و جایگاه ویژه ای در جهنم در انتظار اوست. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود:

إِنَّ فِي النَّارِ لَمَدِينَةً يُقَالُ لَهَا الْحَصِينَةُ أَفَلَا تَسْأَلُونِي مَا فِيهَا؟ فَقِيلَ لَهُ مَا فِيهَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ فِيهَا أُيْدِي النَّاكِثِينَ. (۱)

همانا در جهنم شهری است که به آن حصینه (دژ مستحکم) می گویند. آیا از من نمی پرسید که در آن شهر چیست؟

سؤال شد: ای امیر مؤمنان! در آن شهر چیست؟ فرمود: دست های پیمان شکنان.

حافظ چه زیبا می سراید:

پیر پیمانه کش من که روانش خوش باد

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

### اهمیت نظم و انضباط

اهمیت نظم و انضباط

نظم شگفت آور عالم هستی که هر اندیشمندی را به حیرت وامی دارد، هنر خداوند حکیم و مدبر است. خدای حکیمی که این عالم پهناور و عظیم آفرینش را به نظم آراسته، آن را در زندگی فردی و روابط اجتماعی انسان نیز می پسندد. آیات قرآن که درباره قوانین و مقررات حاکم بر فرد و جامعه اسلامی نازل شده، نظم دهنده زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. آیین

اسلام همواره پیروان خویش را به داشتن برنامه ای منظم دعوت کرده و از آنان خواسته است که به اصول و موازین دین پای بند باشند و براساس برنامه ای که خداوند برایشان تنظیم کرده زندگی کنند. اولیای بزرگوار اسلام نیز بر رعایت نظم و انضباط در کارها تأکید کرده اند. علی علیه السلام در وصیت نامه خود خطاب به دو فرزند بزرگوارش امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرماید:

أَوْصِيكُمَا وَجَمِيعِ وُلْدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ. (۱)

شما و همه فرزندانم و خانواده ام و هر کس را که نامه ام بدو رسد، را به ترس از خدا و نظم در کارهایتان سفارش می کنم.

امام خمینی رحمه الله نیز نظم را از واجبات الهی می دانست و می فرمود: «و البته باید همه امور بر نظام و نظم باشد. حفظ نظم از واجبات الهی است.» (۲) از سوی دیگر، نگاهی گذرا به حجم انبوه کتاب های قانون، سرمایه گذاری های کلان در امر قانون گذاری و اجرای آن و توجه و تأکید ملت های جهان به اجرای قانون در کارها، اهمیت نظم و انضباط را در زندگی فردی و اجتماعی بشر بیش از پیش آشکار می سازد.

## برکات نظم و انضباط

برکات نظم و انضباط

برنامه ریزی دقیق و نظم در کارها، آثار و برکات فراوانی برای فرد و جامعه دارد؛ از جمله استفاده بهینه از اوقات زندگی و جلوگیری از هدر رفتن سرمایه و استعداد. فردی که برای اوقات شبانه روز خود برنامه ای تنظیم کرده و کارهای شخصی و اجتماعی اش را براساس آن انجام می دهد، سود بیشتری به خود و

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۹۷۷.

۲- امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت ارشاد، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۱۵.

دیگران خواهد رساند. از این رو، امام کاظم علیه السلام در سفارش به برنامه ریزی در کارها و استفاده صحیح از وقت می فرماید:

بکشید که وقت خود را چهار قسمت کنید؛ بخشی برای مناجات با خدا، بخش دیگری برای امرار معاش، بخش سوم برای هم نشینی با برادران قابل اعتمادی که عیوبتان را به شما می گویند و در دل به شما اخلاص می ورزند و بخش چهارم برای لذت ها و کام جویی های مشروع، تا برای سه بخش دیگر نیرو بگیرید. (۱)

شاگردان امام خمینی رحمه الله درباره نظم ایشان در کارها می گویند: تمام اوقات شریفشان را برای کارهای شبانه روزی منظم و مرتب کرده بودند که این برای ما خیلی مفید بود و تا انسان در آموزش منظم نشود، هیچ کاری را نمی تواند پیش ببرد. (۲)

از دیگر آثار نظم و انضباط، بهتر نتیجه دادن کارهاست. با حاکم کردن نظم بر کارها، هر کاری بجا و به موقع انجام می شود و نتیجه بهتر و سود بیشتری خواهد داشت. امیرمؤمنان، علی علیه السلام با توجه به اثر نظم در نتیجه کارها، بر انجام امور روزانه در وقت خود سفارش می کند و می فرماید: «وَأَمِّضْ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَافِيهِ؛ کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا برای هر روز کار خاصی است». (۳)

۱- تحف العقول، ص ۳۰۲.

۲- رضا شهرباف، سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۶، ص ۸۰.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۲۲.



کسی که در تمام کارهایش به نظم پای بند است، افکارش نیز از طبقه بندی و نظم خاصی برخوردار می شود و با داشتن این امتیاز راه رشد و کمال را سریع تر خواهد پیمود.

امام خمینی رحمه الله نظم فکری را نتیجه نظم در رفتار دانسته و فرموده است:

اگر در زندگی مان به رفتار و حرکاتمان نظم بدهیم، فکرمان هم بالطبع نظم می گیرد. وقتی فکر نظم گرفت، یقیناً از آن نظم فکری کامل الهی برخوردار خواهد شد. (۱)

از دیگر برکات نظم، هدر نرفتن عمر دیگران است. کسی که در زندگی خود منظم است و کارهایش را براساس برنامه انجام می دهد، در برخورد با دیگران نیز نظم را رعایت و از تلف شدن وقت و عمر آنان جلوگیری می کند. دیگران هم از مدت زمانی که با او هستند، بیشترین بهره را می برند، بدون آنکه فرصتی را بیهوده از دست دهند.

امام راحل نیز با برنامه ریزی دقیق در تمام کارها، وقت و عمر خود و دیگران را محترم می داشت و از هدر رفتن حتی لحظه ای از آن جلوگیری می کرد. یکی از یاران نزدیک ایشان می گوید: با توجه به اینکه امام سالیان درازی تدریس می کردند، هر روز در همان لحظه ای که باید، برای تدریس حاضر می شدند و سر ساعت حضور می یافتند. (۲)

۱- مصطفی وجدانی، سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله، ج ۴، ص ۴۹.

۲- ستوده، پای به پای آفتاب، ج ۲، ص ۲۵۸.

افراد منظم که زندگی، رفتار و حتی فکرشان را به زیور نظم آراسته اند، الگوی مناسبی برای دیگران خواهند بود و آنان را نیز به اجرای نظم و انضباط در کارها تشویق می کنند. یکی از شاگردان امام می گوید: امام کلیه برنامه هایشان منظم بود و این می توانست برای آنها که ناظر اعمال امام بودند و از نزدیک می دیدند، درسی باشد و این خصلت را از امام بیاموزند.<sup>(۱)</sup>

### پی آمدهای بی نظمی

#### پی آمدهای بی نظمی

به همان اندازه که نظم و انضباط سرچشمه برکات است، بی نظمی در رفتار فردی و اجتماعی نیز پی آمدهایی دارد؛ از جمله ایجاد هرج و مرج و نابسامانی در کارها که انسان را از دست یابی به نتیجه دلخواه باز می دارد. کسی که برنامه ریزی ندارد، به رفت و آمدش با دیگران نظم نمی دهد، به موقع در جلسات سخنرانی یا درس حاضر نمی شود و بدون هماهنگی و وقت قبلی مزاحم دیگران و به ویژه شخصیت های برجسته می شود. چنین شخصی همواره در زندگی آشفته و سردرگم است و جامعه را نیز به این سو خواهد کشاند.

امام خمینی رحمه الله بی نظمی را آفتی بزرگ و سبب فساد در کارها می دانست و می فرمود: «بدون نظم هیچ امری تحقق پیدا نمی کند؛ یعنی فاسد می شود».<sup>(۲)</sup>

انسان، موجودی اجتماعی و نیازمند داد و ستد، رفت و آمد و نشست و برخاست با دیگران است و برای اینکه بتواند عضوی مفید و محترم در جامعه باشد، باید در عملکرد خود دقت و شخصیت و اعتبار اجتماعی اش را حفظ کند. از جمله عواملی که شخصیت اجتماعی انسان را خدشه دار می سازد،

۱- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۶، ص ۱۲۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۶.

بی‌نظمی در کارها و در برخورد با دیگران است؛ زیرا افراد جامعه، فرد بی‌انضباط را عامل هرج و مرج در کارها و هدر رفتن وقت و عمر و مانع پیشرفت و ترقی‌شان می‌دانند. به همین دلیل، او را از جمع خود می‌رانند و ارزش چندانی برایش قائل نمی‌شوند.

بنابراین، انسان بی‌نظم، با این ویژگی ناپسند، شخصیت خود را پایین می‌آورد و خود سبب خواری و حقارت خویش می‌شود، چنان‌که امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «مَنْ يَدُلَّ عِرْضَهُ دَلًّا؛ کسی که به آبرویش بی‌اعتنایی کند، پست می‌گردد».<sup>(۱)</sup>

پای‌مال شدن حقوق دیگران نیز از پیامدهای بی‌نظمی است. شخص بی‌نظم به دلیل بی‌نظمی و تأخیر در انجام کارها، فرصت ملاقات و حضور به موقع بر سر قرارها و کلاس درس و... را از دست می‌دهد. پس به حقوق دیگران تجاوز می‌کند و به آنان ستم روا می‌دارد. امیرمؤمنان، علی علیه السلام بی‌توجهی به حقوق دیگران را از جمله دلایل تنهایی و بی‌یاوری انسان معرفی می‌کند: «مِنْ دَلَائِلِ الْخِذْلَانِ الْإِسْتِهَانَةُ بِحُقُوقِ الْإِخْوَانِ؛ از دلایل تنهایی و درماندگی انسان، سبک شمردن حقوق برادران دینی است».<sup>(۲)</sup>

بی‌نظمی، سرمایه‌ها را نیز هدر می‌دهد. امام علی علیه السلام با توجه به تأثیر بی‌نظمی در از دست رفتن سرمایه‌ها می‌فرماید: «سُوءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفُقْرِ؛ بی‌تدبیری (و بی‌نظمی در کارها)، کلید فقر و تهی‌دستی است».<sup>(۳)</sup>

۱- شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۱۴۳.

۲- شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۳۹.

۳- شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۱۳۲.

## عدالت ورزی

### عدالت ورزی

انسان به طور طبیعی و فطری و براساس عقل و اندیشه، عدالت خواه است و به خوبی درک می کند که گرفتن حق خویش، ادای حق دیگران و رعایت عدالت در تمام کارها، امری پسندیده است و در مقابل، ستم به دیگران، پای مال کردن حقوق ضعیفان و تبعیض در اجرای قانون، زشت و نکوهیده است. امام علی علیه السلام که خود، شهید راه عدالت است، رفتار عادلانه را از نشانه های عقل می داند و می فرماید: «مِنْ عِلْمَاتِ الْعَقْلِ الْعَمَلُ بِشَيْئِنَا الْعَدْلُ؛ از نشانه های عقل، رفتار به روش عادلانه است.»<sup>(۱)</sup>

انسان عادل در تمام شئون زندگی به عدالت پای بند است، وظیفه خود را درباره دیگران درست انجام می دهد، با هر کس در خور شأن او رفتار می کند. حق اطرافیان را می پردازد و از هرگونه توهین و ستم به ممنوع خود دوری می جوید. آراسته شدن افراد جامعه به زیور عدالت، سبب می شود فعالیت های اجتماعی با همکاری و هم دلی بیشتری انجام پذیرد. امام صادق علیه السلام عادل ترین مردم را چنین معرفی می فرماید:

أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ.<sup>(۲)</sup>

عادل ترین مردم کسی است که آنچه برای خود می پسندد، برای مردم نیز پسندد و آنچه بر خود روانمی دارد، بر مردم نیز روا ندارد.

۱- جلال الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ج ۶، ص ۴۴.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ج ۷۵، ص ۲۵.

جامعه ای که افراد آن ستم نکنند، دروغ نگویند و به وعده هایشان وفا کنند، به طور قطع مورد لطف و محبت پروردگار قرار خواهد گرفت و از نعمت های بی پایانش بهره مند می شود. امیرمؤمنان، علی علیه السلام فزونی برکات در جامعه را نتیجه پای بندی به عدالت می داند و می فرماید: «بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ؛ عدالت سبب زیاد شدن برکت هاست.»<sup>(۱)</sup> و به کسی که با مردم به عدالت رفتار کند، وعده رحمت الهی را می دهد و می فرماید:

مَنْ عَدَلَ فِي الْبِلَادِ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ. (۲)

کسی که در سرزمین ها به عدالت رفتار کند، خداوند رحمتش را بر او منتشر می سازد.

آن حضرت، بالا رفتن قدر و منزلت فرد را نیز از برکت برخوردارهای عادلانه می داند: «مَنْ عَدَلَ عَظُمَ قَدْرُهُ؛ کسی که به عدالت رفتار کند، قدر و منزلتش نزد مردم بالا می رود.»<sup>(۳)</sup>

امام رضا علیه السلام اجرای عدالت را سبب ادامه یافتن نعمت های الهی می داند و می فرماید:

اسْتِعْمَالُ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ مُؤَدِّنٌ بِدَوَامِ النِّعْمَةِ. (۴)

عدالت ورزی و احسان، از پایداری و دوام نعمت خیر می دهد.

۱- شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۲۰۵.

۲- شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۷.

۳- شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۱۹۳.

۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۶.

بنابراین، هر مسلمانی باید به زیور عدالت آراسته باشد و در برخورد با دیگران، گفتار و رفتار عادلانه در پیش گیرد تا جامعه از آثار و برکات ارزشمند آن بهره مند شود.

### پرهیز از مقابله به مثل در بدی ها

پرهیز از مقابله به مثل در بدی ها

امامان معصوم علیهم السلام هیچ گاه در برابر ستم یا بی ادبی دیگران مقابله به مثل نمی کردند و در آنچه به مسائل شخصی مربوط می شد، گذشت داشتند، مگر آنجا که به احکام الهی بی اعتنایی می شد. به راستی که در عفو لذتی هست که در انتقام نیست.

پیشوای متقیان، امام علی علیه السلام، به امام حسن علیه السلام فرمود:

وَلَا تَطْلُبَنَّ مُجَازَاةَ أَخِيكَ وَإِنْ حَثَّ التُّرَابَ بِفِيكَ. (۱)

فرزندم! در پی انتقام جویی از برادرت مباش، گرچه به دهانت خاک بپاشد.

همچنین فرمود:

وَأَطِعْ أَخَاكَ وَإِنْ عَصَاكَ وَصَلِّهُ وَإِنْ جَفَاكَ. (۲)

و از برادرت اطاعت کن، گرچه نافرمانی تو را کرده باشد و با او پیوند داشته باش، اگرچه به تو جفا کرده باشد.

آن حضرت در سفارش دیگری خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

إِحْمِلْ نَفْسَكَ مَعَ أَخِيكَ عِنْدَ صِرْمِهِ عَلَى الصَّلَةِ وَعِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللُّطْفِ وَالْمَسِيئَةِ وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدْلِ وَعِنْدَ تَبَاعُدِهِ عَلَى الدُّنُوِّ وَعِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى

۱- شیخ مفید، الاختصاص، قم، ص ۳۳۳.

۲- تحف العقول، ص ۸۲.

الَّذِينَ وَعَدَ جُزْمَهُ عَلَى الْأَعْدَاءِ حَتَّى كَانَتْ لَهُ عِبْدٌ وَكَانَتْ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ وَإِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ وَأَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ. (۱)

چون برادرت از تو ببرد، خود را به پیوند با او وادار کن و چون از تو روی گردانند، با لطف و درخواست دوستی به او روی آور و هنگامی که بخل نشان دهد، تو بخشش و احسان کن و چون دوری کند، تو خود را نزدیک کن و چون به تو درستی ورزد، تو نرمش کن و چون درباره تو خطایی مرتکب شود، از او عذرخواهی کن؛ چنان که گویا تو بنده او هستی و او ولی نعمت توست، و مبادا این خوش رفتاری را نابجا به کارگیری و با کسی که اهل آن نیست، چنین رفتار کنی.

### پیشی جستن در کار خیر

پیشی جستن در کار خیر

در قرآن مجید و کلام و سیره امامان معصوم علیهم السلام، بر سبقت در کار خیر تأکید بسیاری شده است. امیرمؤمنان، علی علیه السلام با دست خویش قنات حفر می کرد، نخلستان پرورش می داد و همه را در راه خدا بین فقرا تقسیم می کرد. آن حضرت و فرزندان شبانه به صورت ناشناس نان و غذا به فقرا می رساندند. در قرآن مجید می خوانیم:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. (مائده: ۲)

در راه نیکی و تقوا به یکدیگر کمک کنید و بر گناه و دشمنی هم یارینداشته باشید.

امام صادق علیه السلام از قول پدرش فرمود:

إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ. (۲)

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۴.

اگر اراده کردی کار خیری انجام دهی، فوراً انجام بده؛ زیرا نمی دانی بعد چه اتفاقی می افتد.

علی بن جعفر نیز از برادرش امام موسی کاظم علیه السلام نقل می کند که فرمود: روزی پدرم دست مرا گرفت و فرمود: فرزندم! روزی پدرم محمد بن علی همان گونه که دست تو را گرفته ام، دستم را گرفت و فرمود که پدرش علی بن الحسین دست او را گرفته و فرموده است:

فرزندم! هر کس از تو کار خیری خواست برایش انجام بده [تو در پذیرش انجام آن بر دیگران سبقت بگیر] اگر او اهل آن باشد، تو به مقصود رسیده ای و اگر اهلش نباشد، تو خود شایسته و اهل آن خواهی بود. (۱)

امام صادق علیه السلام نیز به فرزند خود فرموده است:

يَا بُنَيَّ! اجْعَلْ مَعْرُوفَكَ فِي أَهْلِهِ وَكُنْ فِيهِ طَالِبًا لِثَوَابِ اللَّهِ وَكُنْ مُقْتَصِدًا وَلَا تُمْسِكْهُ تَقْتِيرًا وَلَا تُعْطِهِ تَبْذِيرًا. (۲)

فرزندم! نیکی و احسان خود را به اهل آن بکن و در این کار جویای رضا و پاداش الهی باش. در کارهای خیر میانه رو باش، نه به شدت خودداری و خست نشان ده و نه اسراف و تبذیر کن.

### استفاده از محضر دانشمندان

استفاده از محضر دانشمندان

امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندش امام حسین علیه السلام می فرماید: «وَمَنْ خَالَطَ الْعُلَمَاءَ وَقُرَّ؛ هر که با دانشمندان هم نشینی داشته باشد، با وقار شود.» (۳) لقمان حکیم نیز به فرزندش چنین سفارش می کند:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۲۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۰.

۳- تحف العقول، ص ۸۴.



يَا بُنَيَّ صَاحِبِ الْعُلَمَاءِ وَجَالِسِهِمْ وَزُرُّهُمْ فِي بُيُوتِهِمْ لَعَلَّكَ أَنْ تُشَبِّهَهُمْ فَتَكُونَ مِنْهُمْ. (۱)

فرزندم! با دانشمندان دوست و هم نشین باش و در منزلشان به دیدار آنها برو. امید است که به آنان شباهت پیدا کنی و از آنان شوی.

همچنین در سخنی دیگر می فرماید:

جَالِسُ الْعُلَمَاءِ وَزَاوَاهُمْ بِرُكْبَتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحْيِي الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي الْأَرْضَ بِوَابِلِ السَّمَاءِ. (۲)

با دانشمندان رفت و آمد داشته باش و دو زانو (مؤدبانه) در کنارشان بنشین؛ زیرا خداوند قلب ها را به نور حکمت زنده می گرداند، همان گونه که زمین را به وسیله باران های درشت آسمان زنده می گرداند.

بی شک، منظور از این همه تشویق و ترغیب به حضور در محفل دانشمندان و هم نشینی با آنها و انتخاب ایشان به عنوان الگوی عملی، فراگرفتن حقایق دین، حل ندانسته ها، آموختن راه و رسم زندگی و رسیدن به سرچشمه جوشان معارف الهی از راه وجود پرفیض آنان است.

لقمان حکیم در سفارشی دیگر به فرزندش می فرماید:

فرزندم! حکمت را بیاموز که با آن شرافت و بزرگی خواهی یافت؛ زیرا آموختن حکمت، نشانه دین داری آدمی است و حکمت و معرفت است که بنده را بر آزاد، و فقیر و بیچاره را بر ثروتمند برتری می بخشد و کوچک را بر بزرگ مقدم می دارد و فقیر را در جای پادشاهان می نشاند و بر شرافت شریفان و عظمت بزرگان می افزاید و توانگران را مجد و بزرگی عطا می کند. فرزندم!

۱- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۳۲.

۲- مجموعه ورام، ص ۵۹.

چگونه فرزند آدم گمان می کند نیاز دین و معاش او بدون حکمت برایش آماده و فراهم می گردد، در حالی که هیچ گاه خداوند امر دنیا و آخرت را بدون حکمت برای کسی آماده نمی کند. (۱)

### اصلاح ذات البین و میانجی گری

#### اصلاح ذات البین و میانجی گری

یکی از زیباترین اخلاقیات اجتماعی، اصلاح میان افراد است. بی تردید در زندگی اجتماعی، گاه کدورت ها و دلخوری هایی میان افراد پدید می آید. گاهی دو برادر بر سر مسئله ای با یکدیگر اختلاف پیدا می کنند یا رابطه میان همسایگان و دوستان به دلایلی سرد می شود. در اینجا وظیفه اخلاقی دیگران این است که آنان را آشتی دهند و نگذارند اختلافی جزئی به کدورتی عمیق تبدیل شود. در اسلام پاداش اصلاح ذات بین، از پاداش نماز و روزه و صدقه دادن نیز بالاتر و برتر دانسته شده است.

پیامبر گرامی اسلام فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ. (۲)

آیا به شما خبر ندهم از چیزی که درجه آن برتر و بالاتر از نماز و روزه و صدقه است؟ آن اصلاح ذات البین است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَقَارُبٌ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا. (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۵۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

صدقه ای که خداوند آن را دوست دارد، اصلاح بین مردم است؛ زمانی که به فساد گراییده اند و نزدیک ساختن آنان به هم است؛ زمانی که از یکدیگر دوری گزیده اند.

حضرت علی علیه السلام نیز در وصیت نامه جاودانه خویش، به فرزندان بزرگوارش و همه کسانی که تا همیشه تاریخ این وصیت نامه را می خوانند، چنین سفارش می کند:

شما دو نفر و همه فرزندانم و خانواده ام و تمام کسانی را که وصیت نامه من به آنها می رسد، به تقوا و نظم امورتان و اصلاح بین خودتان سفارش می کنم، چه از رسول گرامی شنیدم که فرمود: «اصلاح ذات البین، از تمام نمازها و روزه ها برتر است»<sup>(۱)</sup>.

ایشان در روایتی دیگر فرمود:

مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صِلَاحِ الْجُمْهُورِ<sup>(۲)</sup>.

از کمال سعادت آدمی، کوشش در اصلاح امور اجتماع است.

دلیل این همه تأکید بر اصلاح ذات البین و اصلاح امور، آن است که اگر در جامعه مسلمانان اختلاف پدید آید، نیروی آنها در راه کشمکش و مبارزه با یکدیگر صرف و در نهایت، اصل اسلام فراموش می شود؛ ولی در شرایط وحدت و محبت میان آنان، حیات دین نیز بیمه می شود. اصلاح ذات البین و به هم پیوستگی مسلمانان، زمینه عمل به احکام و دستورهای اسلامی را فراهم می سازد که ره آورد آن خیر و صلاح مسلمانان است.

خداوند در قرآن مجید می فرماید:

۱- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، نامه ۳۴۷.

۲- غررالحکم و دررالکم فهرست موضوعی، ج ۶، ص ۳۰.

فَاتَّقُوا اللَّهَ - وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ - وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (انفال: ۱)

پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش کنید و اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

نیز در آیه ای دیگر می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات: ۱۰)

مؤمنان برادر یکدیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

همچنین امام صادق علیه السلام اصلاح میان مردم را نوعی صدقه و محبوب خداوند خوانده است: «اصلاح اختلاف های میان مردم و نزدیک کردن آنان به یکدیگر، صدقه ای است که خداوند آن را دوست دارد». (۱)

### برآورده ساختن نیاز مردم

برآورده ساختن نیاز مردم

برآوردن حاجت مسلمان، وظیفه ای اخلاقی و دینی است و پاداش آن بالاتر و برتر از پاداش بیست حج است که در هر کدام هزاران دینار در راه خدا انفاق شود. (۲) از این رو، به مسلمانان سفارش شده که به محض آگاهی از نیاز یک مؤمن، به وظیفه اخلاقی خود عمل کنند و تا حد امکان، در رفع نیاز او پیش قدم شوند؛ یعنی پیش از آنکه وی نیازش را بیان کند:

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- اصول کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب الاصلاح بین الناس، ح ۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب قضاء حاجه المؤمن، ح ۴.

إِذَا عَلِمَ الرَّجُلُ أَنَّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مُحْتَاجٌ فَلَمْ يُعْطِهِ شَيْئًا حَتَّى سَأَلَهُ ثُمَّ أَعْطَاهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ. (۱)

زمانی که مرد مؤمن بداند که برادر مؤمنش نیازمند است و با این حال به او کمک نکند تا از او درخواست کند و سپس به او کمک کند، برای این کارش پاداشی نخواهد داشت.

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در این باره می فرماید:

سخاوت، پیش از درخواست، بخشیدن است و آنچه به خواهش بخشند، یا از شرم است یا از بیم شنیدن سخن زشت. (۲)

حتی اگر کسی خودش قادر نیست نیاز برادر مسلمانش را برآورد، ولی می تواند از اعتبار و آبروی خود در این کار مایه بگذارد، از نظر اخلاقی موظف است این کار را انجام دهد؛ یعنی باید از هر راهی که می داند و می تواند، برای برآورده ساختن نیاز برادر مسلمانش تلاش کند، هر چند به نتیجه نرسد. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ لِّلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هَيْمَ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سِرُّورًا فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۳)

خداوند بندگانی در زمین دارد که برای برآورده ساختن نیازهای مردم می کوشند. اینان روز قیامت در امانند. هر کس مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می کند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۲.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: شهیدی، حکمت ۵۳، ص ۳۶۹.

۳- الاصول من الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب السعی فی حاجه المؤمن، ح ۲.

از یکی از علمای بزرگ پرسیدند: اگر بدانی چند ساعت به مرگت مانده است در این چند ساعت چه می کنی؟ گفت: روی سکوی در خانه ام می نشینم تا نیازهای مردم را برآورده سازم. شاید کسی بیاید و از من چیزی بخواهد و نیازی داشته باشد، گرچه آن نیاز استخاره باشد. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَلْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُ النَّاسِ إِلَى عِيَالِهِ (۲).

مردم، همگی عیال خداوندند. پس محبوب ترین افراد در نزد خداوند، نیکوکارترین آنها با عیال خداوند است.

### سلام کردن به دیگران

سلام کردن به دیگران

سلام کردن در فرهنگ اسلامی از نشانه های فروتنی است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ؛ از نشانه های فروتنی این است که هر کس را ملاقات کردی، به او سلام کنی». (۳)

سلام دهنده، برای خویش شخصیتی کاذب نمی سازد، خود را بالاتر از دیگران نمی داند، به آسانی با هم کیشانش انس می گیرد، با صفا و صمیمیت با آنها دیدار می کند و بدین وسیله، تکبر را از خود دور می سازد. پس، به رحمت الهی نزدیک تر و از عنایت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا غرور را در خود شکسته و با فروتنی در مقابل برادر خود به خدا تقرب جسته است. از این رو، مورد آمرزش الهی قرار می گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَدْلُ السَّلَامِ وَحُسْنُ الْكَلَامِ. (۴)

۱- محمد اسفندیاری، بعد اجتماعی اسلام، ص ۱۰۴.

۲- احمد ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه، محمد ابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ج ۶، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳.

۴- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱.

سلام و گفتار نیکو، از عوامل آمرزش گناهان است.

سرور شهیدان امام حسین علیه السلام می فرماید: «لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَسْعُ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِئِ وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ؛ سلام کردن، هفتاد حسنه دارد که شصت و نه تا برای سلام کننده و یکی برای پاسخ دهنده آن است».<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

«الْبَادِيُ بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَ بَرَسُولِهِ؛ آغاز کننده سلام، به خدا و رسولش نزدیک تر است».<sup>(۲)</sup> پس بیشترین پاداش از آن کسی است که ابتدا سلام کند. سلام کردن، روح برادری را بر جامعه اسلامی حاکم می کند، بذلر محبت در دل ها می کارد و دوستی به بار می آورد.

به طور کلی، سلام کردن، آسان ترین راهی است که مسلمان می تواند به دیگران ابراز احترام و محبت کند. کسی که در این حسنه کوتاهی کند، به نوعی بخیل است. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ؛ بخیل ترین مردم، کسی است که در سلام کردن، بخل بورزد».<sup>(۳)</sup>

## آداب سلام کردن

### آداب سلام کردن

سلام کردن آدابی دارد که رعایت آنها اثر سلام را بیشتر می کند. بخشی از این آداب را در کلام امام صادق علیه السلام می توان یافت که می فرماید:

يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ وَ الْمَارُّ عَلَى الْقَاعِدِ وَ الْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ.<sup>(۴)</sup>

کوچک به بزرگ سلام کند و ره گذر به نشسته و گروه اندک به گروه بسیار.

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۵.

۳- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۶.

از دیگر آداب سلام، آشکار ساختن سلام است. از آنجا که سلام کردن، از شعارهای اسلامی است و مسلمانان بدان شناخته می‌شد، آشکار کردن آن اهمیتی ویژه پیدا می‌کند.

پیامبر اسلام فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَخْلَاقٍ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِفْشَاءَ السَّلَامِ فِي الْعَالَمِ. (۱)

آیا به شما خبر ندهم که برترین اخلاق اهل دنیا و آخرت چیست؟ عرض کردند: آری، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله . فرمود: آشکار کردن سلام در جهان.

همچنین پاسخ شایسته، از دیگر آداب سلام است. هرچند سلام کننده با آغاز به سلام، بیشترین پاداش را از آن خود می‌سازد، ولی طرف پاسخ دهنده نیز باید با رعایت ادب و دادن پاسخ شایسته، این شعار اسلامی را پاس بدارد. قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا. (نساء: ۸۶)

هرگاه کسی به شما سلام کرد، پاسخی نیکوتر دهید یا همان تحیت را به وی برگردانید.

همچنین شایسته نیست در سلام کردن، تفاوتی میان افراد از نظر دارایی و فقر قائل شد، بلکه باید همه را، به یک چشم نگرست و به آنها یکسان و بدون تبعیض سلام کرد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْعُنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.



هر کس با مسلمان تنگ دستی روبه رو شود و به گونه ای به او سلام کند که با سلام کردن بر دارا تفاوت داشته باشد، روز قیامت که به دیدار خدا می رود، خدا از او خشمگین است.

## عزت خواهی

### عزت خواهی

در آموزه های دینی، عزت نفس اهمیت ویژه ای دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند همه امور مؤمن را به خودش واگذار کرده است جز آنکه اجازه نداده خود را ذلیل کند.» (۱) و پیامبر فرمود: «لَا يَتَّبِعِي لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛ بر هیچ مؤمنی جایز نیست که خود را ذلیل کند.» (۲) امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «الْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا؛ مؤمن پیوسته عزیز و سرافراز است و زبون نیست.» (۳)

امام علی علیه السلام نیز، امام حسن علیه السلام را به عزت نفس فراخواند و از هر گونه ذلت و خودکم بینی بر حذر داشت. (۴)

در دین اسلام، مؤمن جایگاه بلند و ارزشمندی دارد. اسلام بر عزیز بودن او تأکید می کند و خوارشدنش را نمی پذیرد. از این رو، عواملی را معرفی می کند که هم عزت آفرین هستند و هم تداوم بخش آن. عوامل ظاهری مانند مقام و ثروت، نه عزت می آورند و نه آن را حفظ می کنند. در حوزه آموزه های اسلام، بر شاخصه های دیگری تأکید می شود که یکی از آنها ایمان است؛ ایمان به خداوند و اعتقاد به عالم آخرت.

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۶۳.

۲- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۹۳.

۳- کافی، ج ۵، ص ۶۳.

۴- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

عامل دیگر عزت نفس، تقواست. پیامبر اسلام می فرماید: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ؛ کسی که می خواهد با عزت ترین انسان ها باشد، تقوای الهی پیشه کند».(۱)

بی نیازی از دیگران نیز عامل مهم دیگری در ایجاد عزت نفس است که با قناعت و دوری از طمع به دست می آید. انسانی که خود را در برابر دیگران خوار نمی کند و ذلت نمی پذیرد، عزت نفس دارد. از این رو، در آموزه های دینی، مؤمن به بی نیازی از دیگران دعوت و از طمع ورزی نهی شده است. در این راستا، قناعت و رفع نیازها بر پایه حفظ عزت سفارش می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

عَزُّ الْمُؤْمِنِ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ وَفِي الْقَنَاعَةِ الْحُرِّيَّةُ وَالْعِزُّ.(۲)

عزت مؤمن در بی نیازی از مردم است و آزادی و عزت از قناعت به دست می آید.

### خدمت به دیگران

#### خدمت به دیگران

در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام، درباره خدمت به دیگران بسیار سفارش شده است. رسول گرامی اسلام می فرماید:

أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَامًا فِي الْجَنَّةِ.(۳)

هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند در بهشت به تعداد آن گروه، برای او خدمت گزار قرار خواهد داد.

همچنین در روایت دیگری از امام حسین علیه السلام آمده است که فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۸۵.

۲- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- مجموعه ورام، ج ۳، ص ۱۴.

الْمُؤْمِنُونَ خَدَمٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ، قُلْتُ وَكَيْفَ يَكُونُونَ خَدَمَا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؟ قَالَ يُفِيدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. (۱)

بعضی مؤمنان خدمت گزار بعضی دیگرند. (راوی می گوید) پرسیدم چگونه مؤمنان چنین هستند؟ حضرت فرمود: منظور این است که بعضی از آنها به بعضی دیگر سود می رسانند.

همه افراد جامعه اسلامی، در واقع اعضای یک پیکرند. به تعبیر دیگر، یک روح هستند در چند کالبد. از این رو، همگی باید در رفع نیازهای یکدیگر بکوشند که این خود پاداشی بزرگ دارد، تا آنجا که امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که هفت روز یا هفت بار خانه کعبه را طواف کند، خداوند برای او شش هزار حسنه ثبت و شش هزار گناه را محو می کند و شش هزار درجه، مقام او را بالا می برد... ارزش رفع نیاز یک برادر مؤمن، بالاتر از ارزش ده طواف است. (۲)

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

أَخْدِمُ أَخَاكَ فَإِنْ اسْتَخْدَمَكَ فَلَا تَخْدِمُهُ وَلَا كِرَامَةً. (۳)

به برادر خود خدمت کن و اگر تو را به خدمت گرفت، دیگر به او خدمت مکن که کرامت و ارزشی ندارد.

## حلم ورزی

### حلم ورزی

انسان حلیم کسی است که در رویارویی با خطای دیگران خود را کنترل می کند. انسان با تمرین حلم ورزی و تظاهر به صبوری در موقعیت های خاص، می تواند روحیه حلم و صبوری را به دست آورد. امام علی علیه السلام می فرماید:

۱- مجموعه ورام، ج ۳، ص ۱۴.

۲- سید عبدالله شبر، الاخلاق، ص ۱۰۲.

۳- میزان الحکمه، ح ۴۶۳۴.

إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْ شَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ. (۱)

اگر بردبار نیستی، خود را بردبار نشان بده؛ چرا که کمتر کسی است که خود را به قومی شبیه سازد و اندک اندک همانند آنان نشود.

نیز فرموده است: «مَنْ تَحَلَّمَّ حَلْمًا؛ آن کس که در ظاهر خود را حلیم و بردبار نشان دهد، به راستی شکیبیا خواهد شد». (۲)

نبرد در میدان رزم، جهاد اصغر، مبارزه با نفس، جهاد اکبر است. گذشت و خطاپوشی، قله های بلندی هستند که هر کس را توان فتح آنها نیست. از این روست که امام علی علیه السلام می فرماید: «الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ؛ عفو، تاج کرامت ها و بزرگواری هاست». (۳) نیز می فرماید: «شَيْئَانِ لَا يُوزَنُ ثَوَابُهُمَا الْعَفْوُ وَالْعَدْلُ؛ دو چیز است که ثواب و ارزش آن را نمی توان اندازه گرفت؛ عفو و عدالت». (۴)

بعضی می پندارند، عفو کردن و گذشتن از خطای دیگران، نشانه ذلت و ضعف است، ولی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

الْعَفْوُ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَاعْفُوا يُعِزُّكُمْ اللَّهُ. (۵)

عفو و گذشت، جز بر عزت انسان نمی افزاید. پس عفو کنید تا خداوند شما را عزت و سربلندی دهد.

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۶۶.

۴- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۶۸.

۵- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۶۸.

آن حضرت همچین عفو و خطاپوشی را سبب طول عمر دانسته و فرموده است: «مَنْ كَثُرَ عَفْوُهُ مُدَّ فِي عُمُرِهِ؛ کسی که بخشش و گذشتش زیاد باشد، عمرش طولانی می شود» (۱).

## بردباری، زینت مدیران

بردباری، زینت مدیران

حلم و خویشتن داری، از لازم ترین شرایط برای هر مدیر و مسئول است و ماندگاری مدیریت و ریاست، تنها با این شیوه امکان می یابد. مدیر با کفایت کسی است که خود را به زیور بردباری می آراید و این سخن مولاعلی علیه السلام را هرگز از یاد نمی برد که فرمود: «بِالْحِلْمِ تَكْتُرُ الْأَنْصَارُ؛ با بردباری، یاران افزایش می یابند» (۲).

امیرمؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «الْحِلْمُ رَأْسُ الرَّئِيسَةِ؛ نخستین رکن ریاست، بردباری است» (۳) همچین می فرماید: «مَنْ حَلِمَ سَادَ؛ هر کس خویشتن دار باشد، به سیادت و آقایی می رسد» (۴) آن حضرت، شرط دیگری هم برای ریاست معرفی می کند و می فرماید: «آلَةُ الرَّيَاسَةِ سَيْعَةُ الصَّدْرِ؛ ابزار ریاست سعه صدر است» (۵) افراد پرخاشگر و عصبانی، خشم و تندی خود را قاطعیت می خوانند، در حالی که ناسزاگویی و توهین و جسارت، قاطعیت نیست. قاطعیت به معنای سهل انگاری نکردن در اصول کاری است، نه خشونت و سخت گیری های بی مورد. قاطعیت، صفتی پسندیده است، که می تواند همراه با ملایمت و خوش خلقی باشد، ولی خشم و غضب چنین نیست. امام علی

۱- میزان الحکمه، ح ۱۲۸۸۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۲.

۴- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۲.

۵- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰.

علیه السلام می فرماید: «إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأَوْلُهُ جُنُونٌ وَآخِرُهُ نَدَمٌ؛ از خشم و غضب بر حذر باش که ابتدای آن جنون و پایانش پشیمانی است.»<sup>(۱)</sup> و در روایتی دیگر می فرماید:

أَلْحِدَّةُ صَرْبٍ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ.<sup>(۲)</sup>

تندی (خشم و غضب) نوعی دیوانگی است؛ چرا که انسان خشمگین پشیمان می شود و اگر پشیمان نگردد، نشان دهنده این است که دیوانگی اش باقی و جنونش ریشه دار است.

### اهمیت هم نشین

اهمیت هم نشین

دوست و هم نشین به دلیل اثرگذاری بر رفتار و شخصیت انسان، اهمیت ویژه ای دارد. امام علی علیه السلام در اهمیت دوست می فرماید: «سَلِّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ؛ پیش از اینکه در راهی قدم گذاری، نخست از رفیق راه بپرس.»<sup>(۳)</sup>

حضرت، ملاک رفاقت را چنین معرفی می کند:

إِنَّمَا سُمِّيَ الرَّفِيقُ رَفِيقًا لِأَنَّهُ يَرْفُقُكَ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ فَمَنْ أَعَانَكَ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ فَهُوَ الرَّفِيقُ.<sup>(۴)</sup>

رفیق را به خاطر این رفیق می نامند که تو را در جهت مصالح دینی ات همراهی می کند. پس تنها کسی رفیق توست که در این مسیر یاری ات کند.

اثر دوست و هم نشین تا آنجاست که می تواند با تزریق مسلک و مرام خود به ذهن انسان، عقیده و مذهب او را نیز تغییر دهد. پس چه زیبا و پرمعناست، این کلام رسول گرامی اسلام که فرمود:

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ.<sup>(۵)</sup>

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۳۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۳۲.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۷.

۴- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷.

۵- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷.

اعتقاد انسان بر اساس دین و مذهب رفیقش استوار است. پس هریک از شما بنگرد که با چه کسی دوستی و رفاقت دارد.

اثر دوست بر انسان چنان پنهان و نامحسوس است که در دراز مدت آشکار می شود، چنان که پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الْعَطَارِ إِنْ لَمْ يُعْطِكَ مِنْ عَطْرِهِ أَصَابَكَ مِنْ رِيحِهِ وَمَثَلُ الْجَلِيسِ السُّوءِ مَثَلُ الْقَيْنِ إِنْ لَمْ يُحْرِقْ ثَوْبَكَ أَصَابَكَ مِنْ رِيحِهِ. (۱)

هم نشین شایسته، همچون عطر فروش است که اگر عطری به تو نفروشد، بوی عطرش به تو خواهد رسید. هم نشین بد و ناشایست نیز چونان آهن گداخته ای است که اگر آتش کوره اش جامه ات را نسوزاند، باد گرم و نامطبوع آن به تو می رسد.

در پایان به سخن حکیمانه حضرت امیر علیه السلام اشاره می کنیم که فرمود: «الْأَصْدِقَاءُ نَفْسٌ وَاحِدَةٌ فِي جُسُومٍ مُتَفَرِّقَةٍ؛ دوستان و رفیقان در واقع یک فردند، ولی در جسم های گوناگون». (۲)

## پرهیز از غیبت

پرهیز از غیبت

غیبت یعنی عیبی را که در کسی سراغ داری و دیگران از آن بی خبرند، در غیاب او برای آنها باز گو کنی؛ خواه آن عیب جسمانی باشد یا اخلاقی و رفتاری. در آیه ۱۲ سوره حجرات می خوانیم:

وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ...

۱- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۵۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۶.

ای کسانی که ایمان آورده اید! هیچ یک از شما غیبت دیگری را نکند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین، این کار را خوش نمی دارید.

در زشتی غیبت همین بس که خداوند آن را به خوردن گوشت انسان مرده تشبیه فرموده است و شاید حکمت این تشبیه آن باشد که شخصی که غایب است و نمی تواند از خود دفاع کند، همانند آدم مرده است. همان گونه که ضربه زدن بر مرده نشانه قساوت قلب و پستی نفس است، بردن آبروی انسان غایب نیز چنین است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ. (۱)

آبرو و مال و خون مؤمن، همه اش محترم است.

آری، اگر ریختن خون انسان مؤمن ترور شخص اوست، ریختن آبرویش نیز ترور شخصیت اوست که هر دو ناشایست است. غیبت، سبب بی اعتمادی مردم به یکدیگر و ایجاد بدبینی در جامعه می شود. رسول گرامی اسلام فرمود:

الرَّجُلُ يَزْنِي ثُمَّ يَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّ صَاحِبَ الْغَيْبِ لَا يُغْفَرُ حَتَّىٰ يَغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ. (۲)

مرد زنا می کند، سپس توبه می کند و خدا توبه اش را می پذیرد؛ ولی غیبت کننده آمرزیده نمی شود تا زمانی که غیبت شونده او را ببخشد.

پس بجاست همواره این کلام امام علی علیه السلام را به یاد داشته باشیم که فرمود:

۱- تحف العقول، ص ۵۰.

۲- الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۵۱۱.



لَا تُعَوِّدُ نَفْسَكَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّ مُعْتَادَهَا عَظِيمُ الْجُرْمِ. (۱)

زنها که غیبت را پیشه و عادت خود سازی. به راستی جرم کسی که به غیبت عادت کند، بسیار بزرگ است.

غیبت، از گناهای است که به غیبت کننده زیان می رساند و آتشی است که دودش به چشم وی می رود. از این رو، حق الناس و راه جبران آن افزون بر پشیمانی و توبه، درخواست بخشش از غیبت شونده است. اگر درخواست بخشش با مشکلاتی همراه است و امکان دارد فتنه و فساد به پا کند، باید برای او استغفار کرد.

روایات فراوانی نیز درباره حرمت گوش دادن به غیبت وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الْمُسْتَمِعُ لِلْغَيْبِ أَحَدُ الْمُعْتَابِينَ؛ شنونده غیبت یکی از دو غیبت کننده است.» (۲) بنابراین، نمی توان به هیچ بهانه ای در مجلس غیبت ماند. باید با ترک مجلس غیبت، خود را از این معصیت حفظ کرد تا گامی به تقوای پیشه گان نزدیک شد. افزون بر دوری گزیدن از غیبت کردن و غیبت شنیدن، از باب نهی از منکر باید جلوی آن را نیز گرفت. امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَنَصَرَهُ وَاعَانَهُ نَصَرَ اللَّهُ وَأَعَانَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَنْصُرْهُ وَلَمْ يُعِنْهُ وَلَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ وَعَوْنِهِ حَفَضَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۳)

کسی که نزد او از برادر مؤمنش غیبت کنند، پس به یاری او برخیزد (و از غیبت جلوگیری کند)، خداوند او را در دنیا و آخرت یاری کند و کسی که به

۱- الترغیب و الترهیب، ج ۷، ص ۳۳۳.

۲- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۶۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۱۵۶، احکام العشره.

یاری اش برنخیزد و با اینکه قدرت دارد از او دفاع نکند، خداوند در دنیا و آخرت او را پایین می آورد.

## مزاح و شوخی

### مزاح و شوخی

در اسلام مزاح و شوخی مجاز است؛ ولی مزاحی است که جهت دار، مفید و سازنده باشد. شوخی در اخلاق اسلامی هرگز به معنای بی ادبی، حرف لغو و بیهوده و سخن بیجا و نیش دار نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «إِنِّي لَأَمْزُحُ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا؛ من اهل مزاح و شوخی هستم، ولی در هنگام شوخی نیز جز سخن حق نمی گویم.» (۱) امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسِيرَهُ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله با دیگران شوخی می کرد و هدفش این بود که آنان را مسرور سازد.» (۲)

حرکت دادن زبان، بسیار آسان است، ولی همین زبان ممکن است، عذابی بسیار سخت و دردناک برای صاحب خود به بار آورد. رسول گرامی اسلام در کلامی آموزنده می فرماید:

أَلَا هَلْ عَسَى رَجُلٌ مِنْكُمْ يَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ يُضْحِكُ بِهَا أَصْحَابَهُ فَيَسْخَطُ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ لَا يَرْضَى عَنْهُ حَتَّى يُدْخِلَهُ النَّارَ. (۳)

هیچ می دانید چه بسا فردی از شما کلمه ای بر زبان جاری سازد که دوستان و رفقاییش بخندند، ولی خداوند بر او غضب کند و از وی راضی نگردد، مگر اینکه در آتشش افکند!

۱- همان، ص ۱۴۰.

۲- همان.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۶.

شوخی و خنده بیش از اندازه، انسان را سبک می کند و چه نیکوست سخن مولا علی علیه السلام که فرمود: «مَنْ كَثُرَ مِزَاحُهُ قَلَّ وَقَارُهُ؛ کسی که مزاح و شوخی اش زیاد شود، وقارش کم می شود».(۱)

چنانچه شوخی در مسیر درست قرار نگیرد، ممکن است روابط دوستانه را بر هم زند و باعث کدورت، دل تنگی و دعوا شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ بَيِّذْرٌ وَيَبْدُرُ الْعِدَاوَةِ الْمِزَاحُ؛ هر چیز بذر و دانه ای دارد و بذر دشمنی، مزاح و شوخی است».(۲)

## صدقه دادن

### صدقه دادن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دَاوُوا مَرَضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ بیمارانتان را با صدقه مداوا کنید».(۳) این بدان سبب است که چون صدقه دهنده از بنده ای رفع گرفتاری می کند، خدا هم از او رفع بلا می کند.(۴) در آخرت نیز، صدقه، برطرف کننده گرفتاری ها و مشکلات اخروی و کاهش دهنده یا از بین برنده عذاب الهی است.(۵) در روایات آمده است که صدقه، مرگ بد را دفع می کند. دادن صدقه در شب، آتش غضب خدا را خاموش می سازد، گناهان بزرگ را محو می کند، حساب را آسان می سازد، مال را افزایش می دهد و عمر را طولانی می کند. خداوند، صدقه را برای صاحبش تربیت می کند، همان گونه که مردی بچه شترش را تربیت می کند، پس روز قیامت آن را مانند کوه احد می آورند.(۶)

۱- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۴۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۴۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۳.

۴- نهج البلاغه، ذیل حکمت ۶.

۵- شرح ابن میثم، ج ۵، ص ۲۴۲.

۶- منهاج البراعه، ج ۲۱، ص ۱۹.

در هر جامعه، طبقه ای از مردم هستند که از نظر مالی به کمک و یاری هم نوعان خود نیاز دارند. افراد جامعه در برابر این افراد مسئولند و اسلام برای این مسئله اهمیت زیادی قائل است. پیشوایان دین نیز که نمونه انسان کامل هستند، به این امر توجه خاصی داشته اند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي يَوْمًا وَ هُوَ يَتَصَدَّقُ عَلَى فُقَرَاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ بِثَمَانِيَةِ آلَافِ دِينَارٍ وَ أَعْتَقَ أَهْلَ بَيْتِ بَلْغَوَا أَحَدَ عَشَرَ مَمْلُوكًا. (۱)

روزی بر پدرم وارد شدم. دیدم ایشان هشت هزار دینار به نیازمندان مدینه صدقه داد و یک خانواده یازده نفری را که همگی برده بودند، آزاد کرد.

سیره عملی پیشوایان اسلام نشان می دهد که ایشان با حفظ کرامت انسانی و عزت نیازمندان، این کار را انجام می دادند. امام باقر (ع) می فرماید: «سَمُّهُمْ بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِمْ؛ (وقتی به نیازمندی چیزی می دهید) آنان را به بهترین اسمی که دارند، بخوانید». (۲)

## پرحرفی

### پرحرفی

در ریشه یابی زیاده گویی به دو عامل می توان اشاره کرد: یکی از آنها نقصان و کمبود عقلی است. معمولاً افراد کم عقل زیاد حرف می زنند و هرچه عقل رو به کمال رود، به همان نسبت از زیاده گویی کاسته می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ؛ هنگامی که عقل کامل شد، سخن کوتاه می شود». (۳)

عامل دیگر پرحرفی، خودنمایی است. بعضی افراد برای اظهار وجود و مطرح کردن خودشان بسیار حرف می زنند. این افراد در حقیقت شهوت کلام دارند.

۱- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۲.

۲- اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۵۰.

۳- همان، قصارالحکم، ش ۷۱.

زیاده گویی، رسوایی به بار می آورد؛ چرا که آدم های پرحرف ناخود آگاه اسرار و عیب های خود و خانواده شان را در اختیار دیگران قرار می دهند و شاید به همین دلیل است که معمولاً رازدار نیستند و خیلی زود افشاگری می کنند. از سوی دیگر، سبب خطا و لغزش نیز می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «قَلَّةُ الْكَلَامِ يَشْتُرُ الْعُيُوبَ وَيَقَلِّلُ الذُّنُوبَ؛ کم سخن گفتن، عیب ها را می پوشاند و از گناه و لغزش ها می کاهد.»<sup>(۱)</sup> همچنین پرحرفی، دوستان را کسل و دلتنگ می سازد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره نیز می فرماید: «كَثْرَةُ الْكَلَامِ يُمَلُّ الْأَعْيَانُ.»<sup>(۲)</sup>

زیاده گویی، سبب سستی و ضعف گوینده و ناتمام ماندن سخن هم می شود. از این رو بر گوینده لازم است سخنان خود را گلچین کند و بهترین آنها را برگزیند، با دلایل و برهان های محکم و استوار سخن بگوید و از حرف های پراکنده و بی اساس پرهیزد که هر چه مطلب کوتاه تر ولی محکم تر باشد، به صلاح و رشد نزدیک تر است. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «زیاده گویی، دامن سخن را باز و معانی آن را معیوب و ناقص می سازد. در نتیجه، نه پایانش معلوم می شود و نه کسی از آن بهره مند می گردد.»<sup>(۳)</sup>

## چاپلوسی

### چاپلوسی

چاپلوسی، یعنی ستودن کسی با ویژگی ها، عنوان ها و لقب هایی که در او نیست. مثلاً گفته شود: «شما انسانی دانشمند، نیکوکار، جوانمرد، خوش ذوق، هوشیار و سیاست مدار هستی و کارها در سایه تدبیر و درایت شما سامان

- ۱- غرر الحکم، ماده قله و کثره، ص ۶۲.
- ۲- غرر الحکم، ماده قله و کثره، ص ۶۲.
- ۳- غرر الحکم، ماده قله و کثره، ص ۶۲.

می یابد؛ در حالی که این اوصاف در وی وجود ندارد یا اگر وجود دارد بسیار کم رنگ و ضعیف است، ولی چاپلوس برای به دست آوردن مال، مقام یا موقعیت اجتماعی، آنها را برجسته و بزرگ می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِذَا مُدِحَ الْفَاجِرُ اهْتَرَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ؛ هنگامی که شخص فاجر ستایش شود، عرش خدا می لرزد و پروردگار به غضب می آید». (۱)

این صفت زشت، از حرص و طمع سرچشمه می گیرد. چاپلوس به طمع کسب مال و منال، دست به چاپلوسی از صاحبان مال می زند تا خود را به آنان نزدیک سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس به خاطر طمع و آزمندی، پادشاه ستم گری را ستایش و در برابر او فروتنی کند، در آتش دوزخ هم نشین او خواهد شد. (۲)

چاپلوسی، سبب دروغ گویی و ریاکاری شخص چاپلوس، غرور و خودپسندی شخص ستایش شده می شود. البته مؤمن هشیار تحت تأثیر سخنان چاپلوسان قرار نمی گیرد. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

من خودم را از دیگران بهتر می شناسم و خدا مرا از من بهتر می شناسد. خداوندا! بر من ببخشای، آنچه را نمی دانند و مرا به آنچه می گویند، بازخواست مفرما و بهتر از آنچه گمان می کنند، قرارم بده. (۳)

ایشان به مالک اشتر نیز می فرماید:

۱- تحف العقول، ص ۴۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

افراد پرهیزکار و راست گور را به کار بگمار و آنها را عادت بده که تو را ستایش نکنند و بر کاری که هنوز انجام نداده ای خوش حالت نسانند؛ چرا که ستایش زیاد، سبب غرور و خودبینی می گردد. (۱)

## خیانت

### خیانت

خیانت، یعنی انسان در حفظ امانت کوتاهی یا از پرداخت آن خودداری کند. البته امانت معنای گسترده ای دارد که افزون بر اموال، اسرار و عهد و پیمان و وظیفه و کار را نیز دربرمی گیرد. در زشتی خیانت همین بس که در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ؛ خداوند خیانت کاران را دوست نمی دارد.» (انفال: ۵۸) مولای متقیان، امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «الْخِيَانَةُ دَلِيلٌ عَلَى قَلْبِ الْوَرَعِ وَعَدَمِ الدِّيَانَةِ؛ خیانت کردن نشانه کم تقوایی و بی ایمانی است.» (۲)

همان گونه که گفته شد، خیانت اقسامی دارد. خیانت در اموال امانتی، حرام است؛ گرچه صاحب امانت، فاسق یا غیرمسلمان باشد: «إِنَّ اللَّهَ -يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خداوند دستور می دهد که امانت ها را به صاحبانشان برگردانید.» (نساء: ۵۸) این موضوع چنان اهمیتی دارد که امام سجاد علیه السلام فرمود: «اگر قاتل پدرم، حسین بن علی، شمشیری را که با آن پدرم را کشته است، پیش من امانت گذارد، به خودش بر می گردانم.» (۳)

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- غررالحکم، ص ۵۳.

۳- صدوق، امالی، ص ۱۴۹.

از دیگر اقسام امانت، رازداری است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَفْشَى سِرًّا اسْتُودِعَهُ فَقَدْ خَانَ؛ هر کس رازی را که به او سپرده اند فاش سازد، البته خیانت کرده است.»<sup>(۱)</sup> امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

صحبت های خصوصی، امانت است و کسی حق ندارد سخن محرمانه رفیقش را بدون اجازه او بازگو کند؛ مگر اینکه شنونده مورد اطمینان باشد.<sup>(۲)</sup>

از دیگر موارد خیانت، خیانت در مشورت است. اگر با کسی درباره کاری همچون معامله، خواستگاری یا مسافرت مشورت شود و او برخلاف خیر و صلاح مشورت کننده سخن بگوید، خیانت کرده است. پیشوای اول شیعیان، امام علی علیه السلام فرمود: «هر کس به مشورت کننده خود خیانت کند، خداوند تدبیر و دوراندیشی او را سلب می کند.» خیانت در عهد و پیمان نیز از موارد دیگر خیانت است. اگر کسی با دیگری عهد و پیمانی ببندد و سپس در پشت پرده برخلاف آن عمل کند، از خائنان به شمار می آید. علی علیه السلام در روایت دیگر می فرماید: «اساس دین، امانت داری و وفای به عهد و پیمان است.»<sup>(۳)</sup>

خیانت در معامله نیز از موارد مورد بحث است. اگر کسی در معامله، برخلاف ظاهر معامله کاری انجام دهد، مثلاً کم فروشی کند، عیب جنس را پنهان سازد یا جنس خوب را با بد در هم آمیزد، خیانت کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي بَيْعٍ أَوْ شَرَاءٍ فَلَيْسَ مِنَّا؛ هر کس در خرید و فروش به

۱- غررالحکم، ص ۶۴۷.

۲- اصول کافی، ج ۴، صص ۴۸۱ - ۴۸۰.

۳- غررالحکم، ص ۷۰.



مسلمانی خیانت کند، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور خواهد شد؛ چرا که هر کس به مردم خیانت کند، مسلمان نیست» (۱).

کوتاهی در انجام وظیفه نیز نوع دیگری از خیانت است. کسی که کار یا مسئولیتی را برعهده می گیرد، باید آن را طبق قرارداد، به طور شایسته انجام دهد و اگر در انجام وظیفه اش به هر شکلی کوتاهی کند، مرتکب خیانت شده است. این مسئله، همه شاغلان را \_ چه در سطح عالی و چه در سطح پایین \_ در برمی گیرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وقتی که خلاف و خیانت یکی از کارمندان ثابت شد، او را بازخواست کن و مهر خیانت بر پیشانی او بزن (وَوَسَّيْمَتُهُ بِالْخِيَانَةِ) تا رسوا شود» (۲).

## مردم آزاری

### مردم آزاری

امام صادق علیه السلام از قول خداوند متعالی می فرماید: «هر کس بنده مؤمن مرا بیازارد، خود را برای جنگ با من آماده سازد» (۳). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «هر کس مؤمنی را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را آزرده است و هر کس خدا را بیازارد، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد، (فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ)» (۴).

مردم آزاری، هرگونه آزار و اذیت را شامل می شود، مانند: کتک زدن، دزدیدن اموال، بستن راه، ریختن چیزهای لغزنده در راه رفت و آمد مردم، تمسخر، سرزنش، فحاشی، مزاحمت های تلفنی، سیگار کشیدن در ماشین ها

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۰.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۵۱.

۴- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۵۰.

و اماکن عمومی، ایجاد آلودگی صوتی در معابر و خیابان ها و... رسول خدا صلی الله علیه و آله این کارها را کارهای مسلمانان نمی داند و می فرماید: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ؛ مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند.» (۱) شأن مسلمان نه تنها با آزار و اذیت دیگران سازگار نیست، بلکه ایجاب می کند اسباب آزار و اذیت دیگران را از میان بردارد.

## دروغ گویی

### دروغ گویی

دروغ با ایمان سازگار نیست، چنان که در کتاب آسمانی قرآن می خوانیم: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ؛ تنها کسانی دروغ می گویند که به آیات خدا ایمان ندارند.» (نحل: ۱۰۵) امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

ایمان مرد، در طولانی بودن رکوع و سجود او آشکار نمی شود؛ چرا که ممکن است به آن عادت کرده باشد، بلکه در راست گویی و امانت داری او نمایان می گردد. (۲)

امام حسن عسکری علیه السلام در کلامی معروف فرمود: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكَذِبُ؛ تمام زشتی ها در اتاقی قرار داده شده و کلید آن دروغ است.» (۳)

نقل کرده اند که مردی خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! خصلتی به من بیاموز که سعادت دنیا و آخرتم را فراهم سازد. پیامبر فرمود: «لا تکذب؛ دروغ مگو.» این شخص می گوید: از آن پس، هر کار زشتی که پیش می آمد ترک می کردم؛ چراکه می دیدم اگر کسی از آن کار بپرسد و من راستش

۱- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۳۰۸.

۲- سفینه البحار، ماده «صدق».

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۱۳.

را بگویم رسوا خواهم شد و اگر دروغ بگویم، برخلاف دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرده ام. پس چاره ای جز ترک کار ناشایست نیافتم.

دروغ، اعتماد و اطمینان را نابود می کند و دروغ گو را در جامعه بی اعتبار می سازد، به گونه ای که هر چه بگوید مردم باور نمی کنند. همچنین رسوایی به بار می آورد؛ چرا که روزی خورشید درخشان حقیقت از پشت ابرهای تیره دروغ بیرون خواهد آمد و دروغ گو را رسوا خواهد کرد. گاه دروغ گو بر اثر فراموشی، خلاف سخن خود را بیان می کند و روسیاه می شود.

امام سجاد علیه السلام به فرزنداناش فرمود:

إِتَّقُوا الْكُذْبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَ الْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَ هَزَلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ. (۱)

از هر دروغی بپرهیزید، کوچک باشد یا بزرگ، جدی باشد یا شوخی؛ چرا که وقتی انسان در مورد امر کوچکی دروغ گفت، بر دروغ های بزرگ جرئت می یابد.

## چشم چرانی

### چشم چرانی

چشم چرانی یعنی چشم دوختن به ناموس (زنان و دختران) مردم و زیر نظر گرفتن آنها. تعبیر چشم چرانی، تعبیری گویا و لطیف است؛ چرا که به ریشه آن یعنی خوی حیوانی چشم چران توجه دارد. همان گونه که حیوان شکم پرست در جایی می چرد، ولی چشمش به چمنزارهای دیگر است، چشم انسان شهوت پرست نیز در پی ناموس مردم است. در بعضی مناطق از چشم چرانی به «شورچشمی» تعبیر می کنند و آن کنایه از این است که همان طور که خوردن

آب شور، تشنه را تشنه تر می کند و هیچ گاه سیراب نمی گردد، چشم نیز اگر کنترل نشود از نگاه به نامحرم سیر نمی شود، بلکه روز به روز حریص تر می شود و پیوسته در پی این و آن می رود، ولی چیزی جز حسرت نصیبش نمی شود.

خداوند به پیامبرش دستور می دهد که به زنان و مردان باایمان و خدا باور بگوید، چشمانشان را از نامحرم فروگیرند و چشم چرانی نکنند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ،... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ.» (نور: ۳۰ و ۳۱) براساس این آیه، چشم چرانی همان گونه که بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است و آنها حق ندارند به مردان نامحرم چشم بدوزند. چشم چرانی، دل را در تیررس شیطان قرار می دهد و سبب تشویش و اضطراب و حسرت آن می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

الْنَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً. (۱)

نگاه به نامحرم، تیری است از تیرهای زهر آگین شیطان و بسیاری از نگاه ها سبب حسرت طولانی است.

آن حضرت در روایتی هشداردهنده می فرماید: «آیا کسانی که به ناموس مردم نگاه می کنند، نمی ترسند از اینکه بر ناموس ایشان نیز چشم چرانی شود». (۲)

## دخالت در کار دیگران

دخالت در کار دیگران

هیچ کس حق دخالت در زندگی و امور شخصی دیگری را ندارد؛ چرا که افراد از نظر طرز فکر، سلیقه و شرایط زمانی، مکانی و مالی با یکدیگر متفاوتند. در

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

نتیجه، هر کس در زندگی شخصی خویش روش خاصی دارد که چه بسا دگرگونی آن، سبب فروپاشی زندگی او گردد. از این رو، هیچ انسان عاقلی اجازه ندارد در زندگی دیگران، گرچه نزدیک ترین افراد به او باشند، دخالت و اعمال نظر کند، چنان که خود نیز دوست ندارد دیگران در زندگی خصوصی اش دخالت کنند. پس به فرموده امام صادق علیه السلام: «أَجْبُوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ؛ آنچه برای خود دوست می دارید، برای مردم نیز دوست بدارید».<sup>(۱)</sup>

همان گونه که در سیاست بین المللی، دخالت یک دولت در امور داخلی یک کشور دیگر جرم به شمار می آید، دخالت یک خانواده در یک خانواده دیگر نیز چنین است و به همین دلیل از قدیم گفته اند: «هر کس قبله خانه اش را بهتر می شناسد.» یا «صلاح مملکت خویش، خسروان دانند» البته دخالت، با نصیحت و خیرخواهی تفاوت دارد. اگر کسی ببیند که خویشاوند یا برادر دینی اش در اشتباه است، باید از باب نصیحت تذکر دهد و او را راهنمایی کند؛ چنان که خداوند به پیامبرش می فرماید: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ خویشاوندان نزدیکت را موعظه کن و از مخالفت با دستورهای الهی بترسان.» (شعراء: ۲۱۴) این غیر از دخالت مستقیم در کار آنهاست، بلکه راهنمایی غیرمستقیم است که با توجه به پند و اندرزها، سرانجام خودشان تصمیم گیرنده نهایی خواهند بود.

### خودبزرگ بینی

#### خودبزرگ بینی

خودبزرگ بینی، صفتی شیطانی است. دارنده این صفت، همواره خود را به ناحق برتر و بهتر از دیگران می پندارد و برای اثبات این خیال واهی، چه بسا کارهای ناشایستی نیز انجام دهد. تکبر، از کمبودی که شخص در خود

احساس می کند، سرچشمه می گیرد و متکبر می خواهد با بزرگ نمایی، آن را جبران کند. این کمبودها ممکن است روحی، جسمی، اقتصادی یا اجتماعی باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما مِنْ أَحَدٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا مِنْ ذَلِّهِ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ؛ کسی خود را بزرگ نمی بیند، مگر کسی که کمبودی در خود می یابد».<sup>(۱)</sup>

یکی از پیامدهای این صفت، گردن کشی در برابر حق و خودداری از پذیرش آن است. ابلیس به همین دلیل بود که گفت: «من از آتش خلقشده ام و آدم از خاک خلق شده است» و از دستور سجده بر او سرپیچی کرد. در نتیجه با اینکه شش هزار سال خدا را عبادت کرده بود، از درگاه حق رانده شد و به صف کافران پیوست.<sup>(۲)</sup> از دیگر پی آمدهای منفی این صفت، برتری جویی و سلطه طلبی بر دیگران و تحقیر و به تمسخر گرفتن آنهاست، چنان که رویه مستکبران جهانی، همین است.

درمان خودبینی و تکبر، اندیشیدن به خلقت آدمی و پایان کار اوست. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ. (عبس: ۱۹-۱۷)

مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است. خداوند او را از چه آفرید؟! از نطفه ای ناچیز و بی ارزش، پس اندازه گیری کرد و موزون ساخت.

در کنار این تأمل، متکبر باید انسان های فروتن را الگوی رفتاری خود قرار دهد؛ کسانی که مال و ثروت و قدرت فراوان داشتند، ولی فریفته آن نشدند.

**حسد**

حسد

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۲۶.

۲- برداشتی آزاد از خطبه قاصعه و سوره اعراف: ۱۳-۱۱.

حسد، مرضی روحی است و حسود، آرزو می کند نعمتی که خداوند به دیگری داده، از دستش خارج بشود. به عبارت دیگر، حسود تحمل پیشرفت دیگران را ندارد و همواره می کوشد نعمت را از صاحبش بگیرد. حسادت معمولاً میان دو نفری رخ می دهد که هم صنف و هم کار هستند و نقاط مشترکی با هم دارند، مانند: دو همسایه، دو کارمند، دو کاسب، دوراننده یا دو هنرمند. در زشتی این صفت همین بس که در قرآن کریم آمده است: «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ؛ از شرّ حسود زمانی که حسد بورزد». (فلق: ۵)

امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز از شش چیز به خدا پناه می برد که یکی از آنها حسد بود. (۱) همچنین می فرماید:

حسود پیش از آنکه ضرری به محسود بزند، به خودش زیان می رساند. چنان که نتیجه حسادت ابلیس، دوری وی از درگاه حق و برگزیدگی و والایی مقام آدم بود. (۲)

حسادت بود که قابیل را بر ضد برادرش هابیل تحریک کرد تا نخستین قتل نفس را مرتکب شد و برای خود چیزی جز حسرت و پشیمان ابدی و دوری از درگاه حق باقی نگذاشت. (۳) حسادت بود که برادران یوسف را بر آن داشت که او را به چاه اندازند و روسیاهی را برایشان به ارمغان آورد؛ گرچه خدای یوسف آنچه را برای او مقدر کرده بود، به آخر رساند. (۴)

۱- سفینه البحار، ماده «حسد».

۲- سفینه البحار، ماده «حسد».

۳- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۴۵.

۴- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۹۲.

حسد، از ناباوری به حکمت و عدالت الهی سرچشمه می گیرد و حسادت، اعتراض به عدالت و تقدیر و تقسیم نعمت های الهی است؛ چراکه به گمان حسود، دارنده نعمت، آن را به ناحق به دست آورده و لایق آن نبوده است. خداوند در حدیثی قدسی فرموده است: «حسود، دشمن نعمت من و خصمناک از قضای من است و به قسمتی که میان بندگانم کرده ام، راضی نیست.» (۱) در مان حسد، تنها با تقویت ایمان و توکل بر خداوند و باور کردن این نکته است که فضل و نعمت های الهی تمام ناشدنی است و به جای تلاش برای از بین بردن نعمت دیگران، باید بکوشد همانند آن را به یاری خداوند به دست آورد.

## استهزا و تحقیر

### استهزا و تحقیر

در قرآن، مسخره کردن دیگران نهی شده است. در آیه ۱۱ سوره حجرات می خوانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ.

ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را مسخره کند؛ چرا که شاید آنها که مورد تمسخر قرار گرفته اند، بهتر از مسخره کنندگان باشند. همچنین نباید گروهی از زنان دیگر را به مسخره بگیرد؛ چرا که شاید آنها بهتر باشند.

به بازی گرفتن و تمسخر دیگران، از خودپسندی و خودبرتربینی انسان سرچشمه می گیرد. اگر مسخره کنندگان کمی بیندیشند، درمی یابند که آفرینش همه انسان ها یکسان و یکنواخت نیست، بلکه یکی زیباست و دیگری زیباتر،



یکی قدبلند است و دیگری کوتاه قد، یکی باهوش است و دیگری کم هوش. به هر حال، هر کس عیبی دارد و حسنی، انسان بی عیب اندک است؛ گل بی خار کجاست؟ با این حال، نباید فراموش کرد که همه انسان ها آفریده و بنده خدایند و معیار برتری نزد خداوند، تنها تقوا و نیکوکاری است.

### سنجیده گوئی

#### سنجیده گوئی

امام علی علیه السلام فرمود: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَخْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛ زبان خردمند، در پسِ دل او و دل نادان، در پسِ زبانش است».<sup>(۱)</sup>

خردمندان بسیار سنجیده سخن می گویند. آنها ابتدا خوب می اندیشند و زوایای سخن خود را می سنجند. این افراد دیرتر از همه سخن می گویند، ولی هنگامی که لب به گفتن می گشایند، دقیق و حساب شده حرف می زنند.

در مقابل، افرادی هستند که بسیار شتاب زده سخن می گویند. اینان بدون داشتن درکِ درستی از موضوع یا سنجیدن خوب و بد سخن خود، پیوسته حرف می زنند و به پی آمد سخن خود نمی اندیشند.

شتاب در حرف زدن، از نشانه های احساس کم بینی و حقارت نفس است. کسی که در سخن گفتن شتاب می ورزد، گمان می کند اگر دیرتر لب به سخن بگشاید، دیگران حرف و نظر وی را بیان خواهند کرد و جای سخن برای او نخواهند گذاشت. در حالی که هر کس، اگر درباره موضوع سخن، خوب بیندیشد و جوانب کار را بسنجد، به یقین سخنش متین تر و شنیدنی تر خواهد بود و هر وقت گفته شود، جای خود را خواهد گشود. بنابراین، همواره پیش

از سخن گفتن باید خوب اندیشید و بازتاب سخن خود و درستی یا نادرستی آن را ارزیابی کرد، آنگاه لب به سخن گشود.

## شکیبایی

### شکیبایی

انسان در زندگی همواره با مشکلات دست به گریبان است و دردها و رنج ها گاه و بی گاه به او روی می آورد، چنان که قرآن مجید می فرماید:

وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ. (بقره: ۲۱۶)

چه بسا شما از چیزهایی بدتان می آید، ولی خیری در آن نهفته است و چه بسا از چیزی خوشتان بیاید، ولی شری در آن پنهان است.

انسان خردمند در برابر همه مشکلات، شخصی، خانوادگی، اجتماعی و...، شکیبایی پیشه می کند تا بر آنها چیره شود؛ چرا که می داند بی صبری و ناشکیبی، بر مشکلات او خواهد افزود و در سایه صبر است که رهایی به دست می آید، چنان که سعدی سروده است:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

صبر چو بیرون شود، نوبت ظفر آید

د در قرآن مجید نیز مؤمنان را به صبر فرا می خواند. در سوره بقره می خوانیم:

وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ. (بقره: ۱۵۶ و ۱۵۸)

بشارت بده بر صابران... آنانی که صبر می کنند، درود و رحمت خداوند بر آنهاست و آنها هستند که هدایت یافته اند.

روایت شده که خداوند به حضرت داود علیه السلام چنین وحی فرستاد: «تَخَلَّقْ بِأَخْلَاقِي وَإِنَّ مِنْ أَخْلَاقِي أَنِّي أَنَا الصَّبُورُ؛ به اخلاق من متخلق باش و همانا از اخلاق من شکیبایی است» (۱).

در روایتی زیبا از امام صادق علیه السلام نیز آمده:

أَلْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ جَهَنَّمَ مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ لَذَّتْهَا وَ شَهَوَاتِهَا دَخَلَ النَّارَ. (۲)

بهشت در ورای سختی ها و بردباری ها پنهان گشته است. پس کسی که در برابر گرفتاری های دنیا صبر پیشه کند، وارد آن می شود. جهنم نیز در ورای لذت ها و شهوت ها نهفته است. پس کسی که به نفس خود لذت و شهوت ها را عطا کند، وارد آتش می گردد.

امام علی علیه السلام درباره نتیجه صبر و مقاومت می فرماید: «لَا يُعْدَمُ الصَّبُورُ الظَّفَرَ وَ إِن طَالَ بِهِ الزَّمَانُ؛ انسان شکیبا از پیروزی محروم نمی شود، هر چند زمان صبوری به درازا کشد» (۳) آن حضرت صبر را سپری در برابر فقر و بیچارگی خوانده است: «أَلصَّبْرُ جُنَّةٌ مِنَ الْفَاقَةِ» (۴).

امام سجاد علیه السلام به فرزند خود امام باقر علیه السلام چنین وصیت کرد:

يَا بُنَيَّ اصْبِرْ لِلنَّوَائِبِ وَ لَا تَتَعَرَّضْ لِلْخُتُوفِ وَ لَا تُعْطِ نَفْسَكَ مَا ضَرَّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ نَفْعِهِ عَلَيْكَ. (۵)

۱- محجه البيضاء، ج ۷، ص ۱۰۷.

۲- محجه البيضاء، ج ۷، ص ۱۰۷.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۵.

۴- تحف العقول، ص ۸۶.

۵- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۱۸۸.

فرزندم! در مشکلات و ناملايمات صبور باش و خود را در معرض مرگ قرار مده و به کاری که زیانش بیش از سود آن است، اقدام مکن.

امام علی علیه السلام می فرماید: «الْصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ؛ شکیبایی بر دو گونه است: شکیبایی بر آنچه خوش نمی داری و شکیبایی از آنچه دوستش می داری» (۱).

## میانه روی در زندگی

میانه روی در زندگی

امام علی علیه السلام فرمود:

«مَا عَالَ مَنْ اِقْتَصَدَ؛ آن که میانه روی گزید، نیازمند نگردد» (۲).

چرا بیش از آن مقدار که داریم، خرج می کنیم؟ جشن آغاز ماه و غم پایان ماه چرا؟ آیا به این دلیل نیست که میانه روی و عاقبت اندیشی را پیشه خود نمی سازیم؟ اصولاً نه آنان که همواره در فقر می زیند و با وجود توانمالی، به فقر رضایت می دهند کار شایسته ای انجام می دهند و نه آنان که در روزهای برخوردارگی از مال، افسار خرج را رها می سازند، کاری خردمندانه می کنند. زندگی فقیرانه با وجود توان مالی، به همان اندازه غیرطبیعی است که خرج کردن بی رویه هنگام به دست آوردن نخستین درآمد.

میانه روی در زندگی و سنجیده خرج کردن، نشان خردمندی، مدیریت قوی و برنامه ریزی دقیق است. آن که به هنگام برخوردارگی از مال، به اندازه خرج می کند، هیچ گاه گرفتار فقر نمی شود. پول درآوردن هنر است، ولی درست خرج کردن آن هنری بالاتر. آن که درآمد خوبی دارد، ولی نادرست خرج

۱- نهج البلاغه، حکمت ۵۵.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۰.

می‌کند، همواره در نیازمندی به سر می‌برد. هیچ سرمایه‌ای در برابر مخارج بی‌رویه و اسراف تاب مقاومت ندارد. چه سرمایه‌های هنگفتی که در مدتی کوتاه صرف زیاده‌روی‌ها و اسراف‌کاری‌ها شده و برای صاحبش فقر و نداری به بار آورده است.

میان‌ه‌روی، از آموزه‌های بسیار مهم و مورد تأکید اسلام است. اسلام با سفارش به میان‌ه‌روی در هر کاری، سلامت و شادابی را به پیروان خود هدیه می‌دهد. البته سخت‌گیری بر خود و خانواده نیز ستم بر خویش و آنان است. آن‌که میان‌ه‌روی را در پیش می‌گیرد، هم خود و هم خانواده‌اش از زندگی لذت می‌برند و از آرامش روحی نیز برخوردارند. آنها روابط گرم و صمیمانه اجتماعی و خانوادگی دارند و هیچ‌گاه فقر و نداری به سراغشان نمی‌آید.

## دوری از تهمت

دوری از تهمت

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ. (۱)

هر که خود را در جایگاه‌های بدگمانی قرار داد، نباید کسی را که به او بدگمان شده، ملامت کند.

آیا می‌توانید برای همه توضیح قانع‌کننده‌ای درباره کارهایتان بدهید؟ بی‌گمان‌نه! آیا می‌توانید جلوی اظهارنظرها و قضاوت‌های مردم را درباره خودتان بگیرید و به همه بگویید حق ندارند درباره شما حرف بزنند و آیا مردم نیز اطاعت خواهند کرد؟ یا می‌توان بی‌اعتنا از مقابل حرف و حدیث‌های دیگران گذشت؟ بی‌شک نمی‌توان در برابر هر سخنی بی‌توجه بود. اگر هم در ظاهر بی‌توجهی نشان دهید،

گرفتار نوعی تشویش و دغدغه درونی خواهید بود. بنابراین، باید این واقعیت را پذیرفت که مردم حرف می زنند و ما نمی توانیم جلوی آنها را بگیریم. البته این را هم باید در نظر داشت که مردم بر پایه اطلاعات درست و نادرستی که به دست می آورند، حرف می زنند و نقد و تحلیل می کنند. بیشتر این اطلاعات را نیز خود ما با رفتارهایمان در اختیار آنان قرار می دهیم. پس تنها کاری که می توانیم بکنیم، آن است که از هر آنچه آنان را در مورد ما به اشتباه می اندازد، پرهیزیم.

یکی از منابع مردم برای شناخت ما، محیط هایی است که در آن آمدوشد داریم. مردم درباره کسی که در محیط های علمی و فرهنگی رفت و آمد دارد، مثبت می اندیشند و از دانش و فرهنگ وی سخن می گویند و درباره کسی که در محیط های نامناسب رفت و آمد می کند، سخنان دیگری می گویند. بنابراین، با دوری از موارد تهمت و افتراء، می توان راه را بر قضاوت های نادرست مردم بست و از نیش زبان آنان در امان ماند. در غیر این صورت، هر کس خود را در جایگاه های بدگمانی نهاد، نباید کسی را که به او بدگمان شده، ملامت کند.

## استبداد

استبداد

امام علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا (۱).

خودرأی نبود شد و آن که با مردمان مشورت کرد، در خرد آنان شریک شود.

واژه های استبداد و دیکتاتوری به گوشمان آشنا و ادبیات سیاسی مان انباشته از این قبیل تعبیرهاست. ما همواره استبداد را بد دانسته و از آن انتقاد کرده ایم. شاعران، سخنوران، انقلابی ها، مصلحان و نویسندگان ما، از استبداد، بسیار

سخن گفته و در این حوزه آثار فراوانی به یادگار گذاشته اند. نکته اینجاست که آیا استبداد تنها در حوزه سیاست نمود می یابد یا در زندگی اجتماعی، خانوادگی و گروهی نیز وجود دارد؟

به نظر می رسد در زندگی بسیاری از ما جلوه هایی از استبداد را می توان دید، ولی از آنجا که ما استبداد را تنها با چهره سیاسی آن می شناسیم، از نمودهای آن در زندگی خود غافلیم. هر مدیری ممکن است در حوزه مدیریت خود استبداد داشته باشد، پدر خانواده در محیط خانه، و نوجوان نیز در مجموعه دوستان خود ممکن است رفتار مستبدانه ای داشته باشد. همه اینها کم و بیش در زندگی ما و اطرافیانمان دیده می شود. وقتی در حوزه قدرت و فعالیت خود، اندیشه خویش را از همه اندیشه ها برتر و خود را از مشورت با دیگران درباره آن موضوع بی نیاز می پنداریم، گرفتار استبداد شده ایم. به راستی، آیا تاکنون درباره اشتغال، خرید خانه، ازدواج و دیگر امور مهم زندگی با دیگران مشورت کرده اید؟ اگر مشورت نکرده اید، خودرأی هستید و زیان آن را نیز خواهید دید؛ چرا که همه ما محدودیت اندیشه داریم و بی شک همه زوایای کار را نمی بینیم. بنابراین، برای درک و شناخت بیشتر موضوع، به عقل و تجربه دیگران هم نیازمندیم و این گونه مشورت ها، درصد کامیابی در کارها را نیز افزایش می دهد.

## دوستان حقیقی

دوستان حقیقی

امام علی علیه السلام می فرماید:

لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ وَفَاتِهِ. (۱)

دوست، دوست نیست؛ مگر آنکه حقوق برادرش را در سه جایگاه نگهبان باشد: در روز گرفتاری، هنگامی که حضور ندارد و پس از مرگش.

حتماً تاکنون شنیده اید که رفیق خوب از برادر هم به انسان نزدیک تر است و حتما دیده اید افرادی را که در سختی ها به رفیقان کمک می کنند و در پاسخ به اعتراض اقوام و نزدیکان خود، می گویند: «پس رفیق به درد چه روزی می خورد!» البته دوست واقعی کسی است که در گرفتاری ها دوست خود را یاری کند و تنهانش نگذارد. راستی ما خود چگونه ایم؟ آیا در مشکلات و گرفتاری ها، از دوستانمان گره گشایی کرده ایم؟

اظهار ارادت به همه، معمولاً صادقانه نیست و لزومی هم ندارد. چه نیکوست که آدمی تنها به کسانی اظهار دوستی کند که از صمیم قلب به آنها علاقه مند است و می تواند در سختی ها و مشکلات کنارشان باشد. در این صورت، حق دوستی را به جا می آورد و تنها به تعارف های کلامی بسنده نمی کند. دوست حقیقی، همان گونه که در حضور دوستش به او اظهار ارادت و محبت می کند در زمان غیبت او نیز چنین می کند و آن گاه که در دام بلا گرفتار آید، تنهانش نمی گذارد، بلکه خود را شریک بلا و مشکلاتش می سازد و برای حل آنها از جان و مال مایه می گذارد. جوان مردانه، نان خود را در سفره او می نهد و به گونه ای در رفع مشکلاتش اقدام می کند که اگر خود در آن گرفتار می شد چنین توقعی داشت.

شایسته است پس از مرگ رفیقان نیز، آنان را از یاد نبریم، بلکه به خیر و نیکی از ایشان یاد کنیم و از دادن خیرات و صدقات برای آنان دریغ نوزیم. به بازماندگان نشان نهایت محبت را ابراز داریم و فرزندان آنان را چون فرزندان خود بدانیم که اگر چنین کنیم، به فرموده پیشوای متقیان «دوست واقعی» خواهیم بود.



## اطاعت ناپسند

## اطاعت ناپسند

پیشوای متقیان می فرماید:

«لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ؛ فرمان پذیری از آفریده، در معصیت آفریننده، روا نیست» (۱).

آیا شایسته است برای خوشایند دیگران، با دستورهای الهی مخالفت کرد؟ پس باید در خود این جرئت و جسارت را ایجاد کنیم که به خواسته نامشروع دیگران پاسخ منفی بدهیم. در قرآن مجید بر اهمیت نظر و خواست پدر و مادر بسیار تأکید شده است، به گونه ای که فرزند از اظهار خستگی و ناتوانی در برابر خواسته های آنان و حتی از گفتن «أف»، که بیانگر خستگی و ناراحتی است، منع شده است. با وجود اینها، در نهایت، برای دادن پاسخ مثبت به درخواست های آنان مرزی مشخص شده و آن، جایی است که خواست آنان در برابر خواست الهی قرار گیرد. در این حال، باید مؤدبانه پاسخ منفی داد. بنابراین، هر چند جلب رضایت والدین واجب است، وقتی چیزی برخلاف رضای الهی می خواهند، تنها راه، تغییر دادن نظر آنان یا دادن پاسخ منفی به خواسته آنهاست. پس وقتی در برابر پدر و مادر چنین دستور قاطعی رسیده، وظیفه انسان در برابر بیگانگان کاملاً روشن است. از سوی دیگر، خود نیز باید عادت کنیم که از دیگران توقع معقول و مشروع داشته باشیم و مخاطب را در تنگنای فداکردن رضایت الهی به خاطر منافع خود قرار ندهیم. در حوزه شریعت، هر اطاعت و فرمان بری از مخلوق که سبب مخالفت با خدای متعالی

گردد، رد شده است و به همین دلیل، تعهدها و پیمان های انسان با دیگران، اگر باعث گناه و مخالفت با دستور الهی شود، بی اعتبار است و انسان در برابر آنها مسئولیتی نخواهد داشت.

### سعه صدر، مایه سروری

سعه صدر، مایه سروری

امام علی علیه السلام می فرماید: «آلَةُ الرَّئِيسِ سَعَةُ الصَّدْرِ؛ ابزار سروری، سعه صدر است».<sup>(۱)</sup>

دریادلان با هجوم دشواری ها و روی آوردن مشکلات از کوره در نمی روند. همچون اقیانوسی هستند که پرتاب سنگ در آنان موج ایجاد نمی کند. خشم و طغیان به آسانی راه به وجودشان نمی برد. با آرامش و تعادل، خرد و اندیشه خود را حفظ می کنند. هر مشکلی را حل شدنی می دانند و آن را چندان بزرگ نمی کنند که در برابرش تسلیم شوند. این قبیل افراد بهترین گزینه برای مدیریت جوامع هستند؛ زیرا جامعه، سرشار از گره های بزرگ و کور مشکلات است که تنها افرادی دریادل و دارای اعتماد به نفس می توانند آنها را بگشایند. قرآن کریم وقتی داستان حضرت موسی علیه السلام در مخالفت با فرعون را نقل می کند، دعای آن حضرت را چنین گزارش می دهد: «پروردگارا! دل مرا برایم گشاده دار و کارها را بر من آسان نما». (طه: ۲۶ و ۲۵)

این نشان می دهد که برخورد با مشکلات و انجام دادن کارهای بزرگ، نیازمند سعه صدر و دریادلی است. مدیران و مسئولان جامعه باید از شتاب زدگی پرهیزند و خود را به دریادلی عادت دهند؛ زیرا سعه صدر از ابزار سروری و ریاست است. مدیریت، همچون ریاست و نیازمند دلی دریایی. مدیران کم تحمل، در برابر کوچک ترین مشکلات و ملایم ترین اعتراض ها و انتقادات برمی آشوبند، صبوری و

بلندنظری را نشانه ضعفی پندارند و خشونت را نشانه قدرت و اقتدار؛ به همین دلیل، حاکمیت پایدار و گسترده ندارند. درمقابل، افرادی هستند که با سعه صدر و متانت و صبوری، مشکلات را یکی پس از دیگری حل می کنند و به آسانی حاکمیت خود را استوار می سازند و در دل دیگران برای خود پایگاه محکمی تدارک می بینند.

## صبر و ظفر

صبر و ظفر

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لَا يَعْدَمُ الصَّبُورُ الظَّفَرَ وَ إِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ؛ انسان شکیبا، پیروزی را از دست ندهد، اگرچه زمان بسیاری بر او بگذرد» (۱).

شاید این مثل را شنیده باشید که می گویند: «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم» و حتما می دانید که غوره از ترش ترین میوه ها و حلوا از شیرین ترین خوردنی هاست، ولی با صبر و بردباری، غوره نیز تغییر می کند و شیرین می گردد. صبوری و شکیبایی، هر مشکلی را از پیش پای آدمی برمی دارد و هر امر دشواری در برابر صبوری و بردباری تسلیم می شود. ادیبان، نویسندگان و شاعران در آثارشان همواره بر نتیجه خوب صبر و شکیبایی تأکید کرده اند و می کنند. ما داستان ها و شعرهای زیادی در این باره شنیده یا خوانده ایم، ولی افسوس که پند نگرفته و شتاب زدگی را پیشه خود ساخته ایم! بسیاری از ما داستان زیبای مقاومت آب در برابر تخته سنگ تا یافتن راه خلاصی از آن را در شعر پروین اعتصامی خوانده ایم و حکایت درس گرفتن اَخْفَش، ادیب نامور عرب از چکیدن قطره های آب بر تخته سنگ و ایجاد حفره در آن را شنیده ایم.

داستان سرایان، بارها افسانه پندآموز فرهاد و شیرین و کوه بیستون و کوه کنی فرهاد را برایمان نقل کرده اند. همه این پیام ها از آمدن پیروزی در پی صبر حکایت و بر آن تأکید دارند. مگر جز این است که صبر و تحمل، سیره پیامبران اولوالعزم بود. (۱) و خداوند وعده داده که به شکیبایان بهترین پاداش را می بخشد. (۲) و بهشت را به خاطر بردباری شان در اختیارشان می گذارد. (۳)

همچنین مؤمنان را به صبوری فرامی خواند و می فرماید: «بیست نفر صبور بر دویست نفر ناصبور پیروز می شوند». (انفال: ۶۵) کوتاه سخن اینکه با صبوری، پیروزی حتمی است؛ اگر چه دیرباب باشد.

### فروختن دین به دنیا

فروختن دین به دنیا

امام علی علیه السلام می فرماید:

لَا يَشْرِكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاصْتِصَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ. (۴)

مردم چیزی از کار دین برای سامان دادن به دنیای خود رها نکنند، مگر آن که خدا به زیان بارتر از آن رهنمونشان شود.

آیا تاکنون در برابر دو راهی انتخاب دنیا و آخرت قرار گرفته اید؟ پیشنهادی پرسود برای یک خلاف؟ رشوه ای کلان برای یک حق کشی؟ خیانت به یک نفر یا جامعه در برابر دست یابی به ثروت، موقعیت و اعتبار؟

۱- نک: احقاف: ۳۵.

۲- نک: نحل: ۹۶.

۳- نک: انسان: ۱۲.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶.

به راستی اگر شما در چنین موقعیتی قرار بگیرید، چه خواهید کرد؟ آیا برای رهایی از فقر و نداری، به دست آوردن اعتبار و موقعیت و برخورداری از قدرت و نفوذ، وسوسه نمی شوید؟ البته ممکن است هر کس در این آزمون قرار گیرد. حتی پیشنهاد کتمان یک شهادت برای حفظ موقعیت نیز می تواند از این دست آزمون ها باشد. آدمی که می پندارد، تغییر زندگی اش در دستان خود اوست، به آسانی در دام وسوسه ها گرفتار می شود. فراموش کردن خدا و همه کاره پنداشتن خویش، زمینه گرفتار شدن در این دام را فراهم می سازد. باید همواره به یاد داشت دنیایی که برایش چنین تلاش می کنیم، بسیار زودگذر و بی اعتبار است و حتی گاه ممکن است در اوج برخورداری مادی، به یک باره زندگی به جهنمی سوزان تبدیل شود و در شرایطی که انسان از هر راه ممکن دنیای خود را آباد کرده است، ناگهان دچار بیماری جسمی، اختلاف خانوادگی و مانند آن می شود، تمام یافته های مادی اش را از دست رفته می بیند و حسرت بهره وری را با خود به گور می برد. اگر چنین شود، به راستی مصداق بارز «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ» خواهد بود و تمام هست و نیست خود را بر باد فنا داده است. پس آیا چیزی بهتر از زندگی آبرومندانه و حرکت در مسیر شریعت می توان یافت؟

## مراقبت از زبان

مراقبت از زبان

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْمَرْءُ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ آدمی در زیر زبانش، پنهان است.» (۱)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۸.

«تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد» این مثل را شاید بارها شنیده یا به دیگران گفته اید. زبان، مهم ترین تفسیرکننده و تعبیرگر شخصیت انسان است. پیش از آن که فرد سخن بگوید، هرگونه احتمالی درباره وی می رود و دیگران تصوره‌های گوناگونی از شخصیت او دارند. ولی هنگامی که لب به سخن گشود، بسیاری از تصورها دگرگون می شود و مخاطبان او به شناختی جدید درباره شخصیت وی دست می یابند.

آیا تاکنون در جمعی بوده اید که فردی به ظاهر متشخص و پرابهت در آن حضور داشته باشد و نیز انسانی کم سخن و گوشه گیر که چندان مورد توجه نیست؟ شاید دیده باشید که با آغاز بحث و گفت و گو، گاه آن فرد ممتاز با بیان مسائلی بی اهمیت و کم ارزش، اعتبار خود را از دست داده و آن دیگری با اظهارنظری قوی و متقن، جای خود را در میان جمع باز و توجه ها را به خود جلب کرده است. در این حال، کلام مولا کاملاً معنا می یابد. سنجیده گویی و دقیق سخن گفتن، زمینه مناسبی برای متعالی ساختن شخصیت انسان ایجاد می کند؛ در حالی که پرگویی و بیهوده گویی، یکی از عوامل تخریب و سقوط شخصیت به شمار می آید.

مردم همواره از افراد سنجیده گو رضایت خاطر دارند و از پرگویان بی توجه متنفرند. گفتیم که انسان ها با سخن گفتن شخصیت خود را آشکار می سازند. بنابراین، برای داشتن شخصیتی متعالی، باید سنجیده سخن گفت و برای سنجیده سخن گفتن، باید خردورزی را بر رفتارها و کردارهای خود حاکم کنیم. از شتاب در داوری ها بپرهیزیم و پیش از لب به سخن گشودن، لوازم و

آثار سخن خود را بسنجیم و آن گونه باشیم که شخصیتی سالم و به دور از ناراحتی های روحی اقتضا می کند.

### افشای نیکی ها و پوشاندن زشتی ها

افشای نیکی ها و پوشاندن زشتی ها

امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید:

اگر کسی در حق تو خوبی کرد، آن را منتشر کن و اگر خودت در حق دیگری کار نیکی انجام دادی، آن را پنهان دار و بر زبان نیاور. (۱)

همچنین رسول گرامی اسلام فرمود:

مَنْ عَلِمَ مِنْ أَخِيهِ سَيِّئَةً فَسَتَرَهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

کسی که گناه برادرش را بداند و آن را بپوشاند، خداوند [گناه] او را در قیامت می پوشاند.

رسول مهربانی در کلامی دیگر می فرماید:

مَنْ رَوَى عَلَيَّ مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مُرُوءَتَهُ يَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وِلَايَتِهِ إِلَى وِلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ. (۳)

کسی که درباره مؤمنی سخنی بگوید و بخواهد با آن سخن، او را در جامعه زشت گرداند و مردانگی اش را در هم شکند تا او را از نظر مردم اندازد، خداوند وی را از ولایت خود خارج می کند و به ولایت شیطانش می فرستد و شیطان نیز او را نمی پذیرد.

زشت تر و ناپسندتر از افشای اسرار آن است که مسلمان با کسی دوست شود، ولی هدفش این باشد که لغزش ها و گناهان او را بشناسد و در فرصت

۱- فهرست موضوعی غررالحکم، ص ۲۴۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۴۵.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۹۵.

مناسب باز گوید و مایه بی آبرویی وی شود. چنین شخصی گرفتار نوعی بیماری روحی و اخلاقی است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاحِيَ الرَّجُلَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ يَحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيَعْتَفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا. (۱)

نزدیک ترین بنده به کفر و بی ایمانی، شخصی است که به نام دین با فرد دیگری دوست شود و در ایام دوستی لغزش های او را به دست آورد تا روزی با شمردن و به رخ کشیدن آنها وی را ملامت و سرزنش کند.

پی گیری عیب دیگران و تلاش برای آگاهی از گناهان آنان، به قدری زشت و ناپسند است که امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر، هنگام انتصاب وی به استانداری مصر می فرماید:

البتة دورترین مردم از تو و مبعوض ترین آنان نزد تو در حوزه مأموریتت، باید کسانی باشند که بیشتر در جست و جوی معایب دیگران هستند؛ چراکه در مردم عیب هایی وجود دارد که والی، شایسته ترین فرد برای پوشاندن آنهاست. پس در مقام کشف عیب هایی که از تو پوشیده است مباش. آنچه بر عهده توست، پاک کردن عیب هایی است که بر آنها آگاه شده ای و خداوند حکم می کند، درباره آنچه را بر تو پنهان مانده است تا جایی که می توانی اسرار مردم را بیوشانی، خداوند هم آنچه را می خواهی از مردم پوشیده و پنهان باشد، می پوشاند. (۲)

در مقام آخرین سفارش در عیب جویی نکردن از دوستان، سخن گهربار رسول گرامی اسلام را بیان می کنیم که فرمود:

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۵۵.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.



يَا مَعْشَرَ مَنْ أُسْلِمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُسْلِمْ بِقَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَفْضَحْهُ. (۱)

ای کسانی که به زبان اسلام آورده اید و قلبتان تسلیم نشده است! از پی لغزش های مسلمانان نروید؛ چه آن کس که در این راه قدم بردارد، خداوند لغزش های او را پی می گیرد و کسی که خداوند پی گیر لغزش های وی باشد، رسوایش می کند.

### نرم خوبی و فروتنی

نرم خوبی و فروتنی

خداوند، نرم خوبی رسول گرامی اسلام را از رحمت فراگیر خود و از عوامل جلب قلوب و جذب نفوس معرفی می کند و می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران: ۱۵۹)

ای پیامبر! تو در سایه رحمت خداوند، با مردم برخورد نرم و ملایم داری و اگر تندخو و سخت دل می بودی، مردم از اطرافت پراکنده می شدند.

در دعای مکارم الاخلاق امام سجاد علیه السلام نیز چنین می خوانیم: «وَلِيْنِ الْعَرِيْكِهٖ وَخَفْضِ الْجَنَاحِ؛ بار الها! موفقم بدار تا با طبع نرم و ملایم و با فروتنی با مردم رفتار کنم.» همچنین وقتی حضرت موسی علیه السلام و هارون از سوی خداوند مأموریت یافتند نزد فرعون بروند و او را دعوت کنند، خداوند به آن دو چنین دستور داد:

إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ. (طه: ۴۳ و ۴۴)

شما دو نفر نزد فرعون بروید که به طغیان و سرکشی پرداخته است. پس با او به نرمی سخن بگویید، شاید متذکر شود و از عذاب الهی بترسد.

در آموزه های علوی نیز بر فروتنی و نرم خوئی تأکید شده است. امام علی علیه السلام در سخنی فرموده است: «عَوِّذُ لِسَانِكَ لِيَنَّ الْكَلَامَ؛ زبانت را عادت ده که سخنش پیوسته نرم و ملایم باشد».<sup>(۱)</sup>

آن حضرت در وصیت نامه ماندگار خود نیز به نرم خوئی سفارش کرده است.

فِي وَصِيَّتِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ: وَ لِيَنَّ لِمَنْ غَاظَكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَلِينَنَّ لَكَ.<sup>(۲)</sup>

از سفارش های امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام این بود که:

هر کس با تو تندخویی کرد، تو به نرمی و ملایمت با او برخورد کن؛ زیرا نرمی تو با وی می تواند دیدگاهش را سریع تغییر دهد و او را با تو نرم و ملایم سازد.

فروتنی، سبب محبوبیت اجتماعی در دنیا و جلب کننده رحمت خداوند در آخرت است. از این رو، اولیای گرامی اسلام، این مهم را به پیروانشان سفارش می کردند، چنان که رسول گرامی اسلام می فرماید:

إِنَّ التَّوَّاضُعَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ.<sup>(۳)</sup>

فروتنی، مایه رفعت و بلندی مقام بنده است. فروتنی کنید تا مشمول رحمت باری تعالی گردید.

و امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «أَلْتَوَاضَعُ مَعَ الرَّفْعَةِ كَالْعَفْوِ مَعَ الْقُدْرَةِ؛ فروتنی با (وجود) بلندمرتبتگی همچون بخشیدن گناه در زمان قدرت است».<sup>(۴)</sup>

۱- فهرست موضوعی غررالحکم، همان، ص ۳۳۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۸.

۳- جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۶۳.

۴- فهرست موضوعی غررالحکم، ص ۴۰۵.

انسانی با مقام و مرتبه بالای اجتماعی که از موضع رفعت، فروتنی می کند، همانند کسی است که در موضع قدرت، شخصی خطاکار را می بخشد و از کیفرش چشم پوشی می کند.

### حق گوئی و حق گرای

حق گوئی و حق گرای

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق از خداوند چنین می خواهد:

وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ.

بارها! مسلمانان را موفق بدار که همواره سخن حق بگویند، هر چند آن سخن برای آنان سنگین و سخت باشد.

در روایتی از امام عسکری علیه السلام آمده است:

مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ. (۱)

هیچ عزیزی حق را ترک نکرده، جر آنکه ذلیل و خوار شده و هیچ ذلیلی به حق عمل نکرده، جز آنکه به بزرگی رسیده است.

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که فرمود: «پدرم، حضرت زین العابدین هنگام وفاتش، مرا به سینه چسباند و فرمود: تو را به چیزی وصیت می کنم که پدرم هنگام مرگش به من وصیت کرد. پدرم به من وصیت کرد که برای حق بردبار باش اگر چه تلخ و ناگوار باشد».

بنابراین، هر مسلمانی در مسائل فردی و اجتماعی باید همواره پیروی از حق و حقیقت را در نظر گیرد تا شاید به رستگاری و صلاح نزدیک شود.

## عزت خواهی و دوری از تکبر

عزت خواهی و دوری از تکبر

امام علی علیه السلام در مناجات خود به درگاه خداوند متعالی چنین می فرمود:

إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا. (۱)

خدایا! برای من این عزت کافی است که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو ربِّ و صاحب اختیار من باشی.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

کسی که در پیشگاه خداوند اظهار فروتنی نکند، عزت و بزرگی نیابد و آن کس که در مقابل حضرت حق تواضع نرزد، بلندی مقام ندارد. (۲)

پیامبر گرامی اسلام در سخنی درباره پرهیز از خودبزرگ بینی می فرماید:

اجْتَنِبُوا الْكِبْرَ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَزَالُ يَتَكَبَّرُ حَتَّى يَقُولَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: اكْتُبُوا عَبْدِي هَذَا فِي الْجَبَّارِينَ. (۳)

از کبر پرهیزید که بنده ممکن است پیوسته تکبر ورزد تا جایی که خداوند فرماید: نام این بنده متکبر را در گروه ستمگران بنویسید.

متکبر می پندارد با فخر فروختن به مردم، صاحب بزرگی می شود؛ در حالی که او با این کار نه تنها عزت نمی یابد، بلکه بسیار کوچک تر و خوارتر از گذشته می شود. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «مَنْ تَكَبَّرَ لِلنَّاسِ ذَلٌّ؛

هر کس بر مردم کبر ورزد در میان آنان ذلیل و خوار می شود». (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۴۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۰۰.

۴- فهرست موضوعی غرر الحکم، ص ۳۴۱.

امام باقر علیه السلام نیز روایت کرده است که در روز فتح مکه پیامبر گرامی اسلام به پاخواست و خطبه خواند. در آغاز خطبه، خدای را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود:

مردم! حاضران به غایبان برسانند که خداوند در پرتو اسلام، تکبر جاهلیت و فخرفروشی به پدران و عشیره را از میان برد. مردم! شما همهاز آدمید و آدم از خاک. آگاه باشید که امروز بهترین و گرامی ترین فرد نزد خدا کسی است که تقوایش بیشتر و اطاعتش از حضرت باری تعالی فزون تر باشد. (۱)

بنابراین، محبوبیت فرد در جامعه، در سایه فروتنی به دست می آید و اشتیاق مردم برای برقراری ارتباط با وی افزایش می یابد؛ در حالی که با فخرفروشی و تکبر، مردم از یکدیگر فاصله می گیرند و یک رنگی ها و هم دلی ها رنگ می بازد.

## ریاست طلبی

### ریاست طلبی

شخص ریاست طلب می خواهد، خود را به هر شکل ممکن در رأس امور قرار دهد و به ناحق بر دیگران سلطه و حکومت یابد. این ویژگی، بسیار خطرناک است و باید از شر آن به خدا پناه برد؛ چرا که شخص ریاست طلب برای رسیدن به هدف خود به هر کاری دست می زند و برای بیرون راندن رقیب های حتمی یا احتمالی خود از میدان، تمام حيله و ترفندهای شیطانی از قبیل دروغ، بهتان، ترور شخصیت، شایعه سازی و مانند آن را به کار می بندد. از این رو، امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ طَلَبَ الرِّيَاسَةَ هَلَكَ؛ هر کس ریاست طلب باشد، هلاک می شود.» (۲)

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۵.

نیز می فرماید: «مَلْعُونٌ مَنْ تَوَّأَسَ؛ کسی که ریاست را بر خود ببندد و به ناحق بر کرسی ریاست بنشیند، ملعون است».<sup>(۱)</sup>

ناگفته نماند که رسیدن به ریاست اگر هدف باشد، خطرناک و ناپسند است، ولی اگر وسیله ای برای اجرای عدالت و احقاق حقوق مردم در نظر گرفته شود، نه تنها پسندیده است، در بعضی موارد، لازم و وظیفه شرعی است. ابن عباس می گوید: در جنگ جمل خدمت امام علی علیه السلام رسیدم. او مشغول تعمیر کفشش بود. فرمود: ابن عباس! این کفش چقدر می ارزد؟ گفتم: ارزشی ندارد. فرمود: به خدا سوگند، این کفش برای من از ریاست و حکومت بر شما بهتر است، مگر آنکه بتوانم در این حکومت، حقی را برپا دارم یا باطلی را از بین ببرم.<sup>(۲)</sup> بنابراین، در سیره امام علی علیه السلام ریاست و حکومت فقط وسیله اجرای عدالت بود نه هدف، ولی معاویه که برخلاف آن حضرت می اندیشید، برای به دست آوردن و حفظ حکومت از هیچ جنایتی فروگذار نکرد. پس شایسته است شیعیان و پیروان آن حضرت نیز، همچون مولای خود به ریاست بنگرند.

## کینه توزی

### کینه توزی

از دیگر ناهنجاری های اخلاقی، دشمنی و کینه توزی با برادر دینی است. در آیه دهم سوره حشر می خوانیم:

وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا.

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۳۳.

پروردگارا! عداوت و کینه مؤمنان را در دل ما قرار نده.

کینه توزی، از اختلاف در مسائل اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی سرچشمه می گیرد. البته اختلاف در زندگی اجتماعی، امری طبیعی و گریزناپذیر است. با این حال، مسلمانان باید این اختلاف ها را با تفاهم و گفت و گو به شایسته ترین شکل برطرف سازند و حقوق و وظایف یکدیگر را بشناسند و محترم دارند تا بینشان کدورتی ایجاد نشود، کینه یکدیگر را در دل جا ندهند و هر چه سریع تر باید عقده ها را بگشایند و کینه ها را دور بریزند. امام علی علیه السلام فرمود:

أُخْضِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بَقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ. (۱)

با کندن کینه از سینه خود، شر آن را از سینه دیگری بردار.

منظور از این روایت آن است که اگر می خواهی دیگران کینه تو را نداشته باشند، سینه ات را از کینه آنها خالی کن. دلی که جایگاه بغض و کینه باشد، جولانگاه شیطان نیز خواهد شد و وسوسه های او همچون دمیدن بر آتش زیر خاکستر، کینه را شعله ور می سازد و آرامش انسان را می گیرد و چه بسا او را به انجام کارهای ناشایست و تصمیم گیری های خطرناک وادارد. امام حسن عسکری علیه السلام نیز کینه و دشمنی را مایه سلب آسایش و آرامش آدمی می خواند و می فرماید: «أَقْلُّ النَّاسِ رَاحَةَ الْحُقُودُ؛ کم آسایش ترین مردم، کینه توزان هستند». (۲)

به راستی وقتی آدمی هرگونه کینه و دشمنی را از دل خارج می سازد، به معنا و مفهوم این روایت پی خواهد برد.

۱- همان، کلمات قصار، ش ۱۷۸.

۲- تحف العقول، ص ۵۱۹.

## پرهیز از قهر

### پرهیز از قهر

قهر و جدایی، حاصل کینه و دشمنی است و صحبت و گفت و گو، کلید رفع کینه ها و گشایش عقده های درونی است. از این رو، در آموزه های دینی آمده است که با یکدیگر قهر نکنید، ولی چنانچه قهر کردید، هر چه زودتر آشتی کنید. رسول گرامی اسلام می فرماید: «لَا هِجْرَةَ فَوْقَ ثَلَاثٍ؛ جدایی و قهر کردن بیش از سه روز روا نیست».<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

هنگامی که دو نفر با هم ستیزه می کنند و از یکدیگر جدا می شوند، از رحمت حق دور هستند و باید هر چه زودتر به سراغ یکدیگر بروند. شخص مقصر به گناهش اعتراف کند و دیگری گفتار زشت او را نشنیده بگیرد تا قهرشان پایان یابد.<sup>(۲)</sup>

به هر حال در زندگی، کدورت ها و دلخوری هایی میان افراد پدید می آید، ولی بزرگواری و سربلندی کسی است که با چشم پوشی از حق خود یا با پوزش از اشتباه و کوتاهی اش، برای صلح و آشتی پیش قدم شود و بزرگواری خود را برای همیشه ثابت کند. رسول رحمت می فرماید:

دو مسلمان که از یکدیگر قهر کنند و سه روز به همان حال بمانند، از اسلام بیرونند و هر کدام که بر آشتی و گفت و گو پیشی گیرد، در روز حساب برای رفتن به بهشت جلوتر است.<sup>(۳)</sup>

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۴.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۴.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۴.



به راستی وقتی با نادیده گرفتن غرور و احیانا اندکی گذشت از حقوق خود، می توان راهی به بهشت یافت و در برابر آشتی با یکدیگر، پاداشی بزرگ تر دریافت کرد، چرا کوتاهی می کنیم؟

## نیرنگ بازی

### نیرنگ بازی

برخی، پایمال کردن حقوق دیگران را با انواع حيله و نیرنگ بازی، زیرکی می نامند؛ غافل از اینکه زیرک کسی است که هوای نفس را زیر پا بگذارد و در صراط مستقیم پیش رود و از تجاوز به حقوق دیگران خودداری کند. امام علی علیه السلام در پاسخ به عده ای ساده لوح که از سیاست مداری و زیرکی معاویه سخن می گفتند، فرمود:

لَوْلَا أَنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمَكَّرَ النَّاسِ. (۱)

اگر نبود که نیرنگ و فریبکاری در آتش است، من بیش از همه حيله و نیرنگ می کردم.

نیرنگ بازی از ابزارهای شیطان است و در اسلام به شدت نکوهش شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَكَرَ مُسْلِمًا. (۲)

کسی که با مسلمانی نیرنگ کند و برای او نقشه بکشد، از ما نیست.

اگر کسی برای ضربه زدن به مسلمانی نقشه بکشد، خداوند نقشه او را نقش بر آب می کند؛ چرا که خداوند ولی و یاور مؤمنان است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا». (بقره: ۲۵۷) هنگامی که بنده ای از نیرنگ حيله گران بی خبر است و توان دفاع از خود را ندارد، خداوند به حمایت از او برمی خیزد و چه بسا نقشه

۱- اصول کافی، ج ۴، صص ۳۲ و ۳۳.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۳۳.

حیله گران را به خودشان بازمی گرداند: «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ». (آل عمران: ۵۴)

کوتاه سخن اینکه حیله و نیرنگ، هنر شیطانی است و از ناتوانی و فقدان دلیل و منطق سرچشمه می گیرد. از شر حیله گرانی که هر روز برای به دام انداختن هم نوعان خود نقشه ای می چینند و حیله ای می بافند، باید به خدا پناه برد.

## خجالت و حیای نابجا

خجالت و حیای نابجا

حیا به معنای خجالت کشیدن و شرم، بر دو نوع پسندیده و ناپسند تقسیم می شود. حیای پسندیده آن است که انسان از انجام کارهای زشت و ناروا خجالت بکشد و شرم کند. به این نوع از حیا بسیار سفارش و لازمه ایمان معرفی شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ؛ کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد». (۱)

در روایت دیگری آمده است: «ایمان و حیا با هم هستند؛ وقتی یکی رفت، دیگری نیز می رود». (۲)

ولی حیای ناپسند آن است که انسان از انجام کارهای پسندیده و لازم خجالت بکشد و از آن دوری کند که این نوع حیا، حیای حماقتی نامیده و از آن نکوهش شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «حیا دو نوع است: حیای عاقلانه و حیای احمقانه». (۳)

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۵.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۶.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۶.

کسانی که حیای نوع دوم را دارند و به اصطلاح خجالتی هستند، نمی توانند از حق خود دفاع کنند و حرف حقشان را با صراحت بگویند. این گونه افراد از رفتن به مجالس عمومی و صحبت کردن با بزرگان خجالت می کشند و به دلیل شرم از سؤال کردن، در جهل و نادانی می مانند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ؛ هر کس، کم رو باشد، کم دانش می شود.»<sup>(۱)</sup> زیرا از پرسیدن شرم می کند و مشکلات علمی اش حل نمی شود.

بنابراین، وظیفه دست اندرکاران تربیت در خانه و مدرسه آن است که کودکان و نوجوانان را به گونه ای تربیت کنند که از حیای نابجا دور باشند و از انجام کارهای پسندیده و بیان حق، شرم نکنند.

## شتاب زدگی

### شتاب زدگی

یکی از صفات نکوهیده، شتاب در کارهاست. عشق وافر به کار مورد نظر که مانع فکر و اندیشه در نتیجه آن می شود از یک سو، و خوش بینی بیش از حد به دلیل چشم پوشی از عیب های آن از سوی دیگر، انسان را به شتاب زدگی در کارها وامی دارد. کارهایی مانند معامله، خواستگاری، مسافرت، دعوت از یک نفر، پذیرش دعوت دیگران و ... باید با تدبیر و به دور از شتاب زدگی صورت گیرد و چه بسا با سرعت و شتاب زدگی، به جای عواقب خیر، پیامدهای بدی دامن گیر انسان می شود. در آیه ۱۱ سوره اسراء می خوانیم:

وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا.

انسان همان گونه که نیکی ها را می طلبد، به طلب بدی ها نیز برمی خیزد؛ چرا که انسان، عجز و شتابان است.

انسان های عجز و شتابان به دلیل شتاب در کار و نیندیشیدن در عواقب آن، بیشتر پشیمان و متحمل خسارت می شوند و در مقابل، کسانی که با فکر و اندیشه و بدون شتاب کاری می کنند، هم زودتر به نتیجه می رسند و هم کمتر پشیمان می شوند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مردم را عجله هلاک می کند. اگر آنها کارها را با تأمل انجام می دادند، کسی هلاک نمی شد. (۱)

البته پس از سنجیدن تمام جنبه های کار و تشخیص خیر بودن آن، عجله و سرعت در اقدام به این کار، پسندیده است و تأخیر در آن جایز نیست. امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که تصمیم به خیری گرفت، باید عجله کند و آن را به تأخیر نیندازد؛ زیرا کار خیری که به تأخیر می افتد، شیطان برای ترک آن نظر می افکند و فرصتی می یابد. (۲)

### ورود سرزده به حریم دیگران

ورود سرزده به حریم دیگران

ورود سرزده و بدون اجازه به حریم خصوصی دیگران نیز خلاف ادب اسلامی است. در و دیوار هر خانه، با زبان بی زبانی می گویند که بدون اجازه و آگاهی اهل آن وارد نشوید؛ چرا که خانه محل امن و آسایش و کانون اسرار است و

۱- سفینه البحار، ماده «ثبت».

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۱.

کسی حق ندارد سرزده وارد محل امن و نهران خانه دیگران شود. در آیه ۲۷ سوره نور چنین می خوانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا.

ای کسانی که ایمان آورده اید! به غیرخانه های خود، [به خانه هیچ کس] تا اجازه نگرفته و بر اهل آن سلام نداده اید، داخل نشوید.

این حکم به بیگانگان اختصاص ندارد، بلکه شامل خویشاوندان نیز می شود. در روایتی می خوانیم که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواست وارد خانه دخترش فاطمه علیها السلام شود، کنار در خانه آن حضرت می ایستاد و می فرمود: «السلام علیکم» و پس از آنکه فاطمه علیها السلام می گفت داخل شوید یا رسول الله، وارد می شد. (۱) امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: برای ورود به خانه دیگران سه بار اجازه گرفته شود: «الْأَسْتِيزَانُ ثَلَاثَةٌ» برای مثال سه بار با فاصله بگوید: «یا الله». پس اهل خانه نخستین درخواست اجازه را می شنوند، هنگام درخواست دوم، خود را آماده می کنند و سومین بار اگر خواستند، اجازه می دهند و اگر اجازه ندادند، لازم است که انسان بدون ناراحتی برگردد. (۲) آیین سعادت بخش اسلام برای حفظ حیا و عفت و آبروی دیگران، اجازه نمی دهد هر کس بی خبر و بدون اجازه وارد اتاق و حریم دیگران شود و حتی اعضای یک خانواده نیز باید این اصل را مراعات کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

کسی که دختر یا خواهرش شوهر دارد، برای ورود به اتاق آنان اجازه‌گیری و بی خبر داخل نشود. (۱)

کلام پایان را با آموزه ای قرآنی به پایان می بریم.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ. (نازعات: ۴۰)

کسی که از مقام پروردگار بترسد و نفس خویش را از هواپرستی بازدارد، بهشت جایگاه اوست.

□ نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۱. ابراهیمی فر، عبدالجواد، شایانه های ارزش، نشر آموزش کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۸۵ ه. ق.

۳. ابن ابی یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، امالی، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ ه. ق.

۵. \_\_\_\_\_، خصال، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۸۹ ه. ق.

۶. \_\_\_\_\_، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.

۷. ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ ه. ق.

۸. اشتری، ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، تهران، چاپ خانه حیدری.

۹. بروجردی، جامع احادیث شیعه، قم، ۱۳۹۹ ه. ق.

۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.

۱۱. پیام پیامبر، ترجمه: خرمشاهی، بهاءالدین و انصاری، مسعود، تهران، نشر حاجی، ۱۳۷۶.

۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: محمد علی انصاری، قم، دارالکتاب، ۱۳۳۷.

۱۳. حداد، احمد بن عبدالعزيز بن قاسم، اخلاق النبي في القرآن و السنه، بيروت، دارالغرب الاسلامي، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.
۱۴. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۶.
۱۵. خوانساري، جلال الدين محمد، شرح غرر الحكم و دررالكلم، مقدمه و تصحيح و تعليق: ميرجلال الدين حسيني ادموي، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
۱۶. دل شاد تهراني، مصطفی، سيره نبوي، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۷۲.
۱۷. سپهری، محمد، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد عليه السلام، مؤسسه انتشارات دار العلم، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۸. شيخ مفيد، الاختصاص، قم، منشورات جماعيه المدسين.
۱۹. صحيفه سجاديه، ترجمه: عليرضا رجالي تهراني، قم، انتشارات خادم الرضا، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۳.
۲۰. صدوق، عيون اخبار الرضا، بيروت، مؤسسه الاعلمي، ۱۴۰۴ ه . ق.
۲۱. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم، دارالكتاب الاسلامي، ۱۳۹۳ ه . ق.
۲۲. طبرسي، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، تهران، بي نا، ۱۴۱۷ ه . ق.
۲۳. طبرسي، فضل بن حسن، مكارم الاخلاق، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۲ ه . ق.
۲۴. فيض كاشاني، ملامحسن، محجه البيضاء في تهذيب الاحياء، تصحيح و تعليق: علي اكبر غفاري، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ دوم، بي تا.
۲۵. قبانچي، سيدعلي، شرح رساله الحقوق، چاپ اسماعيليان.
۲۶. قمی، شيخ عباس، سفينه البحار و مدينه الحكم و الآثار، قم، مؤسسه انتشارات فراهاني، ۱۳۷۳.
۲۷. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، تهران، دارالكتاب الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه . ق.
۲۸. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه . ق.



۲۹. محمدی راد، حمید، پاکسازی دل، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، میران الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ه.ق.
۳۱. مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد، چهل حدیث علوی، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۳۴. موسوی خمینی، روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
۳۵. \_\_\_\_\_، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد، ۱۳۶۴.
۳۶. موسوی زنجانودی، سید مجتبی، اخلاق در زندگی، انتشارات برگ شقایق، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۳۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۲ ه.ق.
۳۸. نراقی، احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات جاوید، ۱۳۷۴.
۳۹. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق: محمد کلانتر، نجف، منشورات جامعه النجف الیدیته، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ه.ق.
۴۰. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیه السلام، بیروت، لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۴۱. هندی، علاءالدین متقی بن حسام الدکن، کنز العمال فی الحدیث الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه.ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

